

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده
مشاهیر مدفون در حرم رضوی

جلد اول: عالمان دینی

ابراهیم زنگنه قاسم آبادی

با همکاری و ویرایش علمی غلامرضا جلالی

۴ / گزیده مشاهیر مدفون - ج ۱

فهرست

پیشگفتار	۹
آشتیانی - سید جلال الدین (۱۳۰۴-۱۳۸۴ ه.ش.)	۱۳
آشتیانی - مرتضی (۱۲۸۱-۱۳۶۵ ه.ق.)	۱۵
املی - محمد تقی (۱۳۰۴-۱۳۹۱ ه.ق.)	۱۷
آقا بزرگ حکیم - محمد تقی (- ۱۳۱۵ ه.ش.)	۲۰
آیت الله زاده خراسانی - میرزا مهدی (۱۲۹۲-۱۳۶۴ ه.ق.)	۲۱
ابن ابی جمهور احسائی - محمد (زنده ۹۰۴ ه.ق.)	۲۳
ابو ترابی - سید علی اکبر (۱۳۱۸-۱۳۷۹ ه.ش.)	۲۴
ادیب بجنوردی - سید حسین (۱۲۵۹-۱۳۴۱ ه.ش.)	۲۵
ادیب نیشابوری - عبدالجواد (۱۲۸۱-۱۳۴۴ ه.ق.)	۲۸
ادیب نیشابوری - محمد تقی (۱۳۱۵-۱۳۹۶ ه.ق.)	۳۰
ادیب هروی - محمد حسن (۱۲۶۳-۱۳۴۷ ه.ش.)	۳۲
اردبیلی - سید یونس (۱۲۹۶-۱۳۷۷ ه.ق.)	۳۳
اصفهانی - حسنعلی (۱۲۷۹-۱۳۶۱ ه.ق.)	۳۵
اصفهانی - مهدی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ ه.ق.)	۳۶
اصفهانی - میرزا مهدی (۱۱۵۲-۱۲۱۸ ه.ق.)	۳۸

- ۳۹ بجنوردی - محمد تقی (م ۱۳۱۴ ه.ق.)
- ۴۰ بهاء‌الدین عاملی - محمد (۹۵۳-۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ ه.ق.)
- ۴۱ تبریزی - غلامحسین (۱۲۶۰-۱۳۵۹ ه.ش.)
- ۴۴ تربتی - عباس (۱۳۲۲ ه.ش.)
- ۴۵ جعفری - محمد تقی (۱۳۰۴-۱۳۷۷ ه.ش.)
- ۴۷ حرّ عاملی - محمد (۱۰۳۳-۱۱۰۴ ه.ق.)
- ۴۸ حسینی تهرانی - محمد حسین (۱۳۴۵-۱۴۱۶ ه.ق.)
- ۵۰ خادمی اصفهانی - سید حسین (۱۳۱۹ ه.ق. - ۱۳۶۳ ه.ش.)
- ۵۲ خالصی - محمد مهدی (۱۲۷۶ یا ۱۲۷۷-۱۳۴۳ ه.ق.)
- ۵۴ خامنه‌ای - سید جواد (۱۳۱۳ - ۱۴۰۶ ه.ق.)
- ۵۵ خراسانی - ملا هاشم (۱۲۸۴-۱۳۵۲ ه.ق.)
- ۵۶ دامغانی - محمد کاظم (۱۳۱۶-۱۴۰۱ ه.ق.)
- ۵۸ سبزواری - حسین (۱۳۰۹-۱۳۸۶ ه.ق.)
- ۶۰ شیرازی - ابوالحسن (۱۲۹۳-۱۳۷۹ ه.ش.)
- ۶۱ شیرازی - سید عبدالله (۱۳۰۹ ه.ق. - ۱۳۶۳ ه.ش.)
- ۶۳ رضوی - محمد تقی (۱۱۴۹ ه.ق.)
- ۶۵ طبرسی - فضل بن حسن (۴۶۸-۵۴۸ ه.ق.)
- ۶۷ عاملی - عبدالعالی (۹۲۶-۹۹۳ یا ۹۹۴ ه.ق.)
- ۶۸ عصار - سید محمد (۱۲۶۴ یا ۱۲۶۵-۱۳۵۶ ه.ق.)
- ۶۹ علم الهدی - سید ابراهیم (۱۳۷۸ ه.ش.)
- ۷۰ فلسفی - میرزا علی (۱۲۹۹-۱۳۸۴ ه.ش.)
- ۷۶ قزوینی - مجتبی (۱۳۱۸-۱۳۸۶ ه.ق.)
- ۷۸ قزوینی - هاشم (۱۲۷۰-۱۳۳۹ ه.ش.)

۸۰	قوچانی - ذبیح الله (۱۳۲۹-۱۴۱۴ ه.ق.)
۸۱	کلباسی - محمد رضا (۱۲۹۵-۱۳۸۳ ه.ق.)
۸۳	کوهستانی - محمد (- ۱۳۵۱ ه.ش.)
۸۴	گلپایگانی - حبیب الله (۱۲۹۷-۱۳۸۴ ه.ق.)
۸۵	مازندرانی - محمد صالح (۱۲۹۷-۱۳۹۱ ه.ق.)
۸۶	مجتهد خراسانی - میرزا حبیب الله (۱۲۶۶-۱۳۲۷ ه.ق.)
۸۹	محمای - غلامحسین (- ۱۳۳۳ ه.ش.)
۹۰	محقق سبزواری - محمد باقر (۱۰۱۷-۱۰۹۰ ه.ق.)
۹۲	مدرّس - میرزا عبدالرحمن (۱۲۶۸-۱۳۲۸ ه.ق.)
۹۳	مدرّس یزدی - میرزا احمد (۱۳۰۶-۱۳۹۱ ه.ق.)
۹۴	مروارید - حسنعلی (۱۳۲۹-۱۴۲۵ ه.ق.)
۹۹	مصطفوی - سیّد جواد (۱۳۰۱-۱۳۶۸ ه.ش.)
۱۰۲	میرزا هدایت الله (۱۱۷۸-۱۲۴۸ ه.ق.)
۱۰۴	میلانی - سیّد محمد هادی (۱۳۱۳-۱۳۹۵ ه.ق.)
۱۰۷	نوقانی - علی اکبر (۱۳۰۰-۱۳۷۰ ه.ق.)
۱۱۱	نوقانی - محمد مهدی (۱۳۰۳-۱۳۷۱ ه.ش.)
۱۱۲	نهماوندی - علی اکبر (۱۲۷۸-۱۳۶۹ ه.ق.)
۱۱۵	نهماوندی - محمد (۱۲۹۱-۱۳۷۱ ه.ق.)
۱۱۹	واعظ خراسانی - مهدی (۱۲۸۶-۱۳۷۰ ه.ق.)
۱۲۲	واعظ طبسی - غلامرضا (۱۳۱۳-۱۳۵۵ ه.ق.)
۱۲۴	هاشمی نژاد - سیّد عبدالکریم (۱۳۱۱-۱۳۶۰ ه.ش.)
۱۲۷	منابع

۸ / گزیده مشاهیر مدفون - ج ۱

پیشگفتار

در تفکر اسلام قبور انسانهای مؤمن مورد احترام است. در منابع روایی، مرده مؤمن از همان احترام زنده او برخوردار است و تفاوتی از این حیث میان زنده و مرده انسان مؤمن نیست. لذا یک مسلمان از همان زمان احتضار و فرا رسیدن مرگ تا مردن و غسل و کفن و تشییع و نماز خواندن بر وی و دفن پیکر او، موضوع بسیاری از احکام و آداب شرعی است که در کتابهای فقهی مورد بحث قرار گرفته است و محدثان نیز در کتابهای روایی در ابواب گوناگونی به بیان احادیث وارده از معصومین علیهم السلام، پرداخته‌اند. شیخ حرّ عاملی در جلد دوم *وسائل الشیعه* از صفحه ۶۲۱ تا ۹۳۹ احادیث فراوانی را آورده است. ایشان ۴۹ باب در احتضار، و ۳۴ باب در غسل میّت تدوین کرده است و این همه نشانگر آن است که در اسلام حرمت مسلمان، پس از مرگ او نیز باید مورد توجه قرار گیرد و با رعایت احکام و آداب اسلامی که از پیشوایان دینی در این باره رسیده و پرهیز از برنامه‌های انحرافی و تشریفاتی بر بعد عبرت‌آموزی این مراسم و بیداری و آمادگی مؤمنان برای سفر به جهان ابدی بیفزایند.

از زمان ظهور اسلام در شهر مدینه، قبور یهود و مسلمان از هم جدا بود. قبیله‌ی قریش از دیرباز قبرستان ویژه‌ای داشتند و شهدا نیز در مکانهای اختصاصی خود دفن می‌شدند. پیامبر اکرم و حضرت علی علیه السلام، فاطمه زهرا و بعدها ائمه معصومین علیهم السلام روزهای شنبه، دوشنبه، پنج‌شنبه و جمعه به زیارت قبور مؤمنین، به‌ویژه شهدا می‌رفتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد زیارت قبور مؤمنان و صالحان سفارش بسیار می‌کرد و از فرموده‌های ایشان است که «قبور مؤمنان و صالحان را زیارت کنید، زیرا شما را به یاد آخرت می‌اندازد».

اهمیت توجه به مزارها و گور اولیا سبب شد بسیاری از بزرگان، کتابهایی در مزارشناسی بنویسند. تذکره هزار مزار عیسی بن جنید شیرازی، مقصد الاقبال سلطانیه سید اصیل الدین عبدالله واعظ، ریاض اللواح و روضة الاطهار، مزارات تبریز و مزارات کرمان در شمار این کتابها هستند.

به تدریج زیارت قبور به یک سنت تبدیل شد و مشاهد مشرفه و عتبات عالیات که به‌طور عمده مربوط می‌شوند به مدفن ائمه اطهار علیهم السلام و فرزندان و برادران و خواهران آنان یعنی امامزادگان و نیز بزرگان از علما و صلحا، بخصوص در میان شیعیان مورد اقبال قرار گرفت و افراد مؤمن با حضور خود در کنار آرامگاه این انسانهای برجسته و صالح از روح آنان مدد می‌گرفتند و خود موقع مرگ وصیت می‌کردند تا بدن آنها کنار قبور پیشوایان دینی و اولیای الهی دفن شود. همین امر سبب پیدایش و گسترش گورستانهای

زیادی در شهرهای مذهبی شد. به ویژه که نقل جناز از نظر فقهی بدون اشکال شرعی تشخیص داده شد و جمعی از فقها مانند شیخ طوسی در مصباح و نهاییه و شهید اول در ذکری، انتقال و حمل جنازه مردگان را - برای دفن اولیه یا دفن مجدد - به مکانهای مقدس همچون حرمین شریفین (مکه و مدینه) یا نجف اشرف یا کربلا یا کاظمین و دیگر اعیان مقدسه مانند مشهد و دفن در کنار قبور امامزادگان و بزرگان جایز دانستند.

مشهد چنان که اشاره شد، یکی از شهرهایی است که دلیل پیدایش و گسترش آن را در وجود بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) (۱۴۸-۲۰۳ ه.ق.) هشتمین پیشوای شیعیان باید جست. از صدها سال پیش بزرگان زیادی زندگی خود را در این شهر سپری کردند و یا پس از درگذشت در این خاک پاک دفن شدند و یا بدن آنها بر حسب وصیتشان از شهرهای دور و نزدیک به این جا انتقال یافت و به تدریج علاوه بر خاک سپاری در رواقهای حرم، گورستانهای شهر، مثل گورگاه سراب، قتلگاه، قبر میر، بعدها گلشور، خواجه ربیع و بهشت رضا به وجود آمد که تعدادی از آنها امروزه از میان رفته‌اند.

آنچه پیش رو دارید شرح حال ۵۷ تن از مشاهیر علمای مدفون در حرم مطهر است که از کتاب مشاهیر مدفون در حرم رضوی گزینش شده است. کتاب یاد شده از سوی گروه تراجم و انساب بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی فراهم آمده است و مجلدات آن به زودی از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی به چاپ

خواهد رسید.

* از میان مشاهیر عالمان دینی، آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی در بهشت رضا و آقا بزرگ حکیم در کوهسنگی دفن شده‌اند که به لحاظ جایگاه معنوی، در این مجموعه معرفی شده‌اند، و نیز بر اساس باور پیشینیان، حریم حرم مطهر از جایی آغاز می‌شده که بارگاه امام رضا علیه السلام قابل رؤیت بوده است.

(۱)

آشتیانی - سیّد جلال الدین

(۱۳۰۴-۱۳۸۴ ه.ش.)

علامه سیّد جلال الدین آشتیانی، حکیم و شارح حکمت صدرایی، در سال ۱۳۰۴ ه.ش. در آشتیان از توابع اراک متولد شد و دوره ابتدایی تحصیلات خود را در همانجا به پایان رساند و در سال ۱۳۲۳ ه.ش. به راهنمایی آیت الله میرزا ابوالقاسم دانش آشتیانی، برای فراگیری معارف اسلامی عازم حوزه علمیه قم شد. پس از فراگیری کتابهای مقدماتی و شرکت در شرح منظومه حکمت و مکاسب و شوارق مرحوم حاج شیخ مهدی امیر کلاهی، درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله العظمی بروجردی حاضر گردید و مدت ۸ سال در حوزه درس فلسفه و تفسیر و اصول فقه علامه سیّد محمد حسین طباطبایی شرکت کرد و الهیات شفا و اسفار را نیز از خدمت ایشان تلمذ کرد.

استاد آشتیانی برای تکمیل فلسفه و حکمت الهی در تهران از سیّد محمد کاظم عصاره بهره برد و به قزوین مسافرت کرد و سفر نفس اسفار را همراه قسمتی از امور عامه، از محضر فیلسوف محقق آیت الله سیّد ابوالحسن محقق آیت الله سیّد ابوالحسن رفیعی قزوینی آموخت. سپس جهت تکمیل علوم نقلی به نجف هجرت کرد و مدت دو سال در محضر مراجع عصر بویژه آیات

میرزا سید حسن بجنوردی و سید محسن حکیم و شیخ حسین حلی و میرزا عبدالهادی شیرازی حضور یافت و پس از بازگشت در تهران نیز مدتی در حوزه درس حکیم محقق مرحوم میرزا احمد آشتیانی و میرزا مهدی آشتیانی شرکت نمود و در قم از دانش آیات خوانساری و سید محمد حجّت کوه‌کمری و میرزا رضی تبریزی استفاده کرد. ایشان در ایام جوانی به متون فلسفی و عرفانی تسلط یافت و در عین حال از کندوکاو در حوزه ادبیات عربی و فارسی غافل نماند.

استاد فقید آشتیانی در سال ۱۳۳۸ ه.ش. به عنوان مدرس دانشگاه مشهد در رشته فلسفه و تصوف اسلامی انتخاب شد و در آذر ماه ۱۳۴۵ به رتبه استادی نایل آمد و در سال ۱۳۴۹ مدیریت گروه فلسفه و حکمت را در همان دانشگاه به عهده گرفت و خرداد سال ۱۳۷۵ از خدمت در دانشگاه بازنشسته شد و آبان ۱۳۷۶ به عنوان دانشمند برجسته توسط فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران معرفی گردید. ایشان ضمن تدریس در دانشگاه سالیان مدید در مدرسه امام صادق علیه السلام از مدارس حوزه علمیه مشهد و از بناهای مرحوم آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی، به تدریس حکمت و عرفان مشغول بود.

از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۷ همکاری نزدیک میان علامه آشتیانی و دکتر سید حسین نصر برقرار بود. دکتر نصر او را با هانری کربن آشنا کرد و محصول این همکاری مجلدات «منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران» است.

مرحوم سید جلال الدین آشتیانی مصداق کامل همت، تلاش،

آشتیانی - مرتضی / ۱۵

اخلاص، بصیرت، فهم عمیق و پژوهش علمی بود و نسبت به نظریات و آرای حکمای پیشین نگاه نقادانه داشت. تحلیل‌های فلسفی و عرفانی آشتیانی در کتابهای هستی از نظر فلسفه و عرفان، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم و شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا، شرح فصوص الحکم فارابی و شرح بر زادالمسافرین ملاصدرا به چشم می‌خورد.

آشتیانی عمر خود را مصروف حلقه‌های مفقوده سلسله فلسفه و حکمت اسلامی ایران کرد. ایشان در جستجوی دقیق خود توانست رابطه بین شیخ الرئیس و خواجه نصیر و حکمای بین آنها را مشخص کند و سه مکتب شیراز، اصفهان و تهران را معرفی کند. به این منظور ایشان بیش از ۳۰ مقاله و ۳۰ تعلیقه و مقدمه بر آثار عرفانی و فلسفی نوشت و آنها را به چاپ رساند.

استاد فقید مجرد زیست و صاحب فرزند نبود. فرزندان او شاگردانش بودند که به ایرانیان محدود نمی‌شدند و از کشورهای اسلامی و غرب و ژاپن افراد زیادی از محضر او بهره بردند. تا اینک در فروردین ۱۳۸۴ در مشهد بدرود حیات گفت و در دارالزهد حرم مطهر رضوی دفن شدند.

(۲)

آشتیانی - مرتضی

(۱۲۸۱-۱۳۶۵ ه.ق.)

آیت الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی فرزند آیت الله حاج میرزا محمد حسن آشتیانی، از مشاهیر علما و مجتهدان سده چهارده

هجری و دایی میرزا مهدی آشتیانی فیلسوف معروف است. وی در سال ۱۲۸۱ ه.ق. همزمان با روز درگذشت شیخ مرتضی انصاری، چشم به جهان گشود، و به همین مناسبت پدرش که از شاگردان شیخ بود، او را مرتضی نام نهاد.

آشتیانی مقدمات و سطوح را نزد پدر و عالمان دیگر فرا گرفت، در سفر به مکه، همراه پدر به نجف رفت و دوره فقه و اصول را نزد حاجی میرزا حبیب الله رشتی، حاج میرزا حسین نوری و حاج میرزا خلیل و آخوند خراسانی گذراند و به درجه اجتهاد نایل شد. حاج شیخ در اخلاق از شاگردان مرحوم شیخ محمد بهاری بود و در فلسفه دست داشت. شیخ مرتضی پس از بازگشت به تهران، به درس و اقامه جماعت پرداخت. حضور ایشان در تهران مصادف با انقلاب مشروطیت بود. حاج شیخ در واقعه مسجد شاه و حوادث مربوط به قضیه بانک روس و لغو امتیاز آن، نقش مؤثری داشت و این امر موجب شد که عین الدوله تولیت مدرسه خان مروی و نیز امامت مسجد خازن الملک را که هر دو در اختیار حاج شیخ مرتضی بود، به امام جمعه و آخوند آملی که ضد مشروطه بودند، واگذار کند.

حاج شیخ مرتضی و تنی چند از رجال دینی و سیاسی وقت، از جمله سید محمد طباطبایی، ملک المتکلمین، سید محمد رضا مساوات و حاج شیخ مهدی کاشی، انجمنی تشکیل دادند و شبها کنار هم جمع می شدند و به گفتگو و تحلیل اوضاع سیاسی و رویدادهای فکری و فرهنگی می پرداختند.

آملی - محمد تقی / ۱۷

حاج شیخ در سال ۱۳۴۰ ه.ق. به مشهد آمد و به تدریس و اقامه جماعت پرداخت. سال ۱۳۵۳ ه.ق. / ۱۳۱۴ ه.ش. به دنبال واقعه مسجد گوهرشاد، مجبور شد مشهد را ترک کند و چند سالی در زاویه حرم حضرت عبدالعظیم میجاور شود. پس از سقوط رضاخان، در سال ۱۳۶۰ ه.ق. به عتبات رفت، دو سال در کربلا ماند و به تدریس پرداخت، ولی به دلیل کسالت مجبور شد به ایران برگردد و در مشهد ماندگار شود. وی به سال ۱۳۶۵ ه.ق. در ۸۴ سالگی، چشم از جهان فرو بست و در محل دارالسعادة، پایین پای حضرت رضا علیه السلام دفن شد.

(۳)

آملی - محمد تقی

(۱۳۰۴-۱۳۹۱ ه.ق.)

آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی از مشاهیر علما و مجتهدان بلندپایه عصر حاضر بود. پدرش آیت الله حاج شیخ محمد بن علی آملی در قبرستان ابن بابویه شهر ری دفن شده است و فضایل ایشان در تذکرة المقابر فی احوال المفخر تألیف شیخ محمد شریف رازی آمده است.

آملی در روز ۱۱ ذیقعده سال ۱۳۰۴ ه.ق. مصادف با سالروز ولادت امام رضا علیه السلام در تهران چشم به جهان گشود و زیر نظر پدرش رشد کرد و مقدمات و سطوح را نزد دانشوران تهران آموخت. سال ۱۳۳۹ ه.ق. عازم نجف شد و ۱۴ سال از محضر

آیات نائینی اصفهانی، فیروزآبادی، کمپانی، خوانساری و عراقی بهره برد و به درجه اجتهاد نایل گردید. ایشان سال ۱۳۵۳ ه.ق. به تهران بازگشت و در محله حسن آباد اقامت گزید. در مسجد مجدالدوله امامت جماعت را به عهده گرفت و در منزل خود تدریس می کرد. آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله جوادی آملی از نامدارترین شاگردان مکتب او هستند. آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی در شمار شخصیت‌های بلندپایه حوزوی بود که مرجعیت امام خمینی را در وقایع خرداد ۱۳۴۲ تأیید و از توطئه رژیم پهلوی نسبت به جان ایشان جلوگیری کردند.

حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی آملی علیرغم موقعیت علمی و فقهی و اجتماعی، بسیار فروتن و متواضع بودند و پیوسته در جهت خودسازی و مبارزه با نفس تلاش می کردند. حضرت آیت الله جوادی آملی در کتاب اسرار عبادت در این باره می نویسد:

مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی آملی حکیم و فقیه متأدب به آداب اسلامی و متواضع بود. بزرگوار و کریم بود. یک وقت فرمود در خواب دیدم دشمن به من حمله کرد من با آن دشمن گلاویز شدم، دشمن مرا رها نمی کرد من برای این که از شر او نجات پیدا کنم چاره ای نداشتم جز آن که دست او را به شدت گاز بگیرم تا مرا رها کند و در این حال بیدار شدم و دیدم دستم در دهان خود من است و به شدت دستم را گاز گرفته ام. در همان عالم خواب به من فهماندند که دشمن من کسی جز خودم نیست. از خود باید نجات

پیدا کرد.

آیت الله آملی کتاب *عروة الوثقی اثر آیت الله محمد کاظم طباطبایی یزدی* را با عنوان *مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی شرح* نموده است که تاکنون ۱۲ جلد از این شرح به چاپ رسیده است. وی با این شرح مشکلات و دشواریهای کتاب *عروة الوثقی* را به خوبی حل کرده و فهم آن را بسیار آسان نمودند. شرح کفایة الموحدين، شرح منظومه سبزواری، شرح اشارات ابن سینا، تقریرات اصول مرحوم آیت الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی، تقریرات اصول مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، کتاب *التجارة، کتاب الصلاة* (تقریرات مرحوم آیت الله العظمی نائینی)، شرح و حاشیه‌ای بر کتاب مکاسب مرحوم شیخ انصاری، رسایل متعدد از قبیل رضاع، اصالة الصحة، قاعده لاضرر، صحیحة لاتعداد و رساله‌های متعدد در اثبات صانع، متفرقات در فقه، ابواب رهن، وقف، وصیت و غیر آن، مجموعه کتب فارسی عقیدتی که به چاپ رسیده و دربردارنده سخنرانیهای ایشان در مسجد مجدل‌الدوله تهران است.

سرانجام آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی آملی پس از عمری تلاش بی‌وقفه در ۲۱ شوال ۱۳۹۱ ه.ق. بعد از اقامه دو رکعت نماز و سلام به مولا ابا عبدالله الحسین علیه السلام دیدگان پرفروغ و حق‌بینش آهسته به روی هم قرار گرفت. دفتر حیات عاریت بسته شد و خورشید درخشان عمرش غروب کرد. پیکر پاک و مطهر ایشان پس از تشییع با شکوه در تهران و مشهد و اقامه نماز به امامت فرزندش حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ ضیاءالدین

آملی (ره) در باغ رضوان مشهد در جوار مرقد علی بن موسی
الرضا علیه السلام به خاک سپرده شد.

(۴)

آقا بزرگ حکیم - محمد تقی

(- ۱۳۱۵ ه.ش.)

مرحوم محمد تقی میرزا عسکری، معروف به «آقا بزرگ
حکیم» فرزند حاج میرزا ذبیح الله و نواده میرزا مهدی شهید،
دروس مقدماتی را نزد پدر و ملا غلامحسین شیخ الاسلام و آقا
شیخ موسی منطقی، در مدرسه سلیمان خان مشهد فراگرفت. فقه
و اصول را در حوزه درس حاج میرزا محمد باقر شفتی و میرزا
محمد سروقدی رضوی و قسمتی از معقول را در خدمت میرزا
محمد خادم باشی دوره دید و برای ادامه تحصیل به تهران رفت و
مدتی در حلقه درس حکیم نامور میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا
هاشم گیلانی اشکوری (م ۱۳۳۲ ه.ق.) صاحب تعلیقات بر مفتاح
غیب الجمع والوجود صدر الدین محمد بن اسحق قونوی، و نیز
حکیم کرمانشاهی (م ۱۳۳۷ ه.ق.) شرکت کرد.

آقا بزرگ حکیم، همزمان با اوجگیری نهضت مشروطیت به
نجف اشرف هجرت کرد و وارد بیت آخوند خراسانی شد و مورد
اکرام وی قرار گرفت و از فردای آن روز در مجلس درس آخوند
شرکت جست.

آقا بزرگ، در حدود سال ۱۲۹۲ ه.ش. به مشهد بازگشت و تا
زمان ارتحال، یعنی متجاوز از ۲۳ سال، در منزل خود به تدریس

پرداخت. خارج فقه، شرح قوشچی بر تجرید، شرح خواجه نصیر بر اشارات ابن سینا، شوارق، شواهد الربوبیه، مبدأ و معاد، شرح هدایه و اسفار ملاصدرا توسط ایشان تدریس می شد. آیت الله حاج آقا حسین قمی، آیت الله میرزا محمد آقازاده فرزند آخوند خراسانی، حاج سید موسی قطب المحدثین، حاج شیخ محمد حسین خراسانی نجفی، سید محمد تقی مدرس رضوی، حکیم الهی قمشه‌ای، شیخ سیف الله تبریزی رضوی، غلامرضا کیوان، شیخ محمود حلبی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، شیخ غلامحسین محامی بادکوبه‌ای، حاج سید محمد سعادت مصطفوی و حاج شیخ سیف الله ایسی از شاگردان او هستند.

آقا بزرگ در صراحت لهجه، آزادمنشی و وارستگی شهره بود. تند صحبت می کرد، مرتب سیگار می کشید و چای می خورد. او در ۲۴ ساعت به یک وعده غذا بسنده می کرد. و تا پایان عمر هرگز کرامت انسانی را با چیزی معامله نکرد.

آقا بزرگ یک سال پس از فاجعه خونین مسجد گوهرشاد، در جمادی الآخر سال ۱۳۵۵ ه.ق. / ۱۳۱۵ ه.ش. درگذشت و برحسب وصیت خود، در دامنه شرقی کوهسنگی دفن شد.

(۵)

آیت الله زاده خراسانی - میرزا مهدی

(۱۲۹۲-۱۳۶۴ ه.ق.)

میرزا مهدی معروف به آیت الله زاده خراسانی فرزند آخوند ملاً محمد کاظم، در سال ۱۲۹۲ ه.ق. در نجف به دنیا آمد.

مقدمات و سطح را نزد شیخ زین‌العابدین شاهرودی فراگرفت و مدتی در درس پدر خود شرکت جست، ولی چشم درد شدید او مانع ادامه تحصیل شد.

سال ۱۳۱۹ ه.ق. به ایران آمد و در همه جا مورد استقبال مردم قرار گرفت و در تهران با مظفر الدین شاه دیدار نمود، به مشهد آمد و پس از مراجعت به نجف با توجه به شروع نهضت مشروطه به عنوان مشاور سیاسی پدر فعالیت می‌کرد و برای استقرار مشروطیت می‌کوشید.

در سال ۱۳۲۷ ه.ق. در جریان اولتیماتوم روس، میرزا مهدی همراه پدر خود به قصد مبارزه با روسها آماده حرکت از نجف شد و با درگذشت ناگهانی آخوند، با لباس عزا، همراه علما و مردم مؤمن به منظور جهاد علیه روس از نجف حرکت کرد. در شهر کاظمین از طرف علمایی چون حاج شیخ عبدالله مازندرانی، شیخ الشریعه اصفهانی، حاج شیخ محمد حسین حائری، آقا میرزا محمد تقی شیرازی، به ریاست هیأتی انتخاب گردید که مأموریت داشت برای بیرون راندن روسها با دولت ایران همکاری کند. میرزا حسین نائینی، شیخ عبدالحسین رشتی، شیخ جواد جواهری، سید ابوالحسن اصفهانی و سید مصطفی کاشانی، از اعضای دیگر آن بودند، آنها در کنار تماس با دولت ایران، از شیخ خزعل خواستند تا در مبارزه فراگیر آنها شرکت کند و مانع نفوذ انگلیس در خوزستان شود.

در مدتی که میرزا مهدی و علمای دیگر در کاظمین بسر

ابن ابی جمهور احسائی - محمد / ۲۳

می‌بردند، بین ایشان و وثوق الدوله تماس برقرار بود و با آخرین تلگراف وثوق الدوله که از بازگشت قشون روس و اصلاح امور، خبر می‌داد، علما به نجف مراجعت کردند.

میرزا مهدی در سال ۱۳۴۲ ه.ق. در جریان اعلان جنگ علمای عراق با انگلیس، همراه علمای تبعیدی به ایران آمد و پس از مدتی به بغداد بازگشت و طی دیدار با ملک فیصل اول، پادشاه عراق، امکان مراجعت علما را فراهم ساخت.

آخرین سفر میرزا مهدی به ایران در سال ۱۳۲۴ ه.ش. اتفاق افتاد. او وقتی به تهران رسید بیمار شد و اردیبهشت همان سال چشم از جهان فرو بست و جسد او را به مشهد حمل کردند و در دارالسعاده کنار قبر امام هشتم علیه السلام به خاک سپردند.

(۶)

ابن ابی جمهور احسائی - محمد

(- ۵۹۰۴ ق.)

محمد بن زین الدین بن علی بن ابراهیم بن حسام الدین بن ابی جمهور احسائی، از علمای نامدار شیعه در احساء بحرین متولد شد و در همانجا به تحصیل پرداخت. سپس سالها در نجف نزد اساتیدی چون شیخ شرف الدین حسن بن عبدالکریم فتال غروی درس خواند و سال ۸۷۷ ه.ق. عازم سفر حج شد و در بازگشت چندی در شام توقف کرد. یک ماه هم در کرک نوح در محضر شیخ الاسلام علی بن هلال جزایری حاضر شد و مانند

۲۴ / گزیده مشاهیر مدفون - ج ۱

معاصر خود محقق کرکی (م ۹۴۰ ه.ق.) از او سماع حدیث کرد و بعد به خراسان آمد.

ابن ابی جمهور در فقه و حدیث و کلام تخصص داشت و صوفی مشرب بود و کتابهای مفیدی در این عرصه‌ها نوشته است. از آثار بنام او *زادالمسافرین* در اصول دین است که در سال ۸۷۸ ه.ق. در سفر خود به مشهد تألیف کرد و به درخواست شاگردش امیر محسن بن محمد رضوی مشهدی (م ۹۳۱ ه.ق.) آن را شرح کرد و نامش *راکشف البراهین* نهاد.

ابن ابی جمهور با وجود فقاقت و تبجر در کلام و روایت، همواره مورد اعتراض گروهی از مشایخ و فقهای شیعه قرار گرفته است، به نظر می‌رسد که تمایل او به فلسفه و تصوف و سهل‌انگاری در نقل اخبار و استفاده از روایات عامه و مرسل و آحاد، علت این اعتراض بوده است. آخرین سفر ابن ابی جمهور احساسی به مشهد در سال ۸۹۶ ه.ق. اتفاق افتاد و پس از درگذشت در کنار قبر امام پاکان به خاک سپرده شد.

(۷)

ابوترابی - سید علی اکبر

(۱۳۱۸-۱۳۷۹ ه.ش.)

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید علی اکبر ابوترابی فرزند آیت الله حاج سید عباس ابوترابی سردار سرافراز جبهه‌های جنگ و اسارت و نماینده ولی فقیه در امور آزادگان و نماینده ولی فقیه در

دانشگاه تهران، و نماینده مردم تهران در دوره چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی، پس از تحصیل علوم اسلامی در مشهد در محضر استاد الهی خراسانی و برخی دیگر از بزرگان در تهران عازم نجف اشرف شد و در ایام انقلاب به ایران برگشت. در جریان جنگ عراق علیه ایران اسیر شد و پس از ده سال اسارت و مقاومت شجاعانه، سرافراز وارد میهن اسلامی شد و بار دیگر در خدمت انقلاب و مردم مؤمن قرار گرفت. او نمونه عینی و تجسم عملی ایثار و تقوا و تعهد و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، خدمت به مردم و عشق به اهل بیت علیهم‌السلام بود.

حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی در مسیر زیارت قبر مطهر امام هشتم علیه‌السلام همراه پدر در روز پنجشنبه ۲۷ صفر ۱۴۲۱ ه.ق. / ۱۲ خرداد ۱۳۷۹ ه.ش.، در سانحه تصادف، چشم از جهان فرو بست و پس از تشییع باشکوه در تهران و قزوین و مشهد در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام غرفه ۲۴ به خاک سپرده شد.

(۸)

ادیب بجنوردی - سید حسین

(۱۲۵۹-۱۳۴۱ ه.ش.)

سید حسین موسوی نسل، معروف به ادیب بجنوردی، فرزند میرزا ابوالحسن، در سال ۱۳۰۰ ه.ق. در روستای خراشا از توابع بجنورد پا به دنیا نهاد. در دو سالگی پدر را از دست داد، درسهای

مقدماتی را در زادگاه خود به پایان برد و در ۱۵ سالگی به مشهد آمد و در مدرسه نواب حجره گرفت. صرف و نحو را نزد حاج محقق قوچانی، فاضل بسطامی، شیخ عبدالعزیز، ملا عبد الخالق و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری تکمیل کرد. ریاضیات را از میرزا عبدالرحمن مدرس و هیأت را از مشکان طبسی آموخت. فقه و اصول را نزد حاج شیخ حسن برسی و میرزا قدوس ابهری و حکمت را در محضر شیخ ابوالقاسم نیشابوری از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری و عموی خود سید محمد بجنوردی و حاجی فاضل تلمذ نمود. منطق را در پیشگاه حاجی محقق و خارج فقه را در خدمت آیات حاج شیخ حسنعلی تهرانی و میرزا محمد آقازاده و حاج آقا حسین قمی تحصیل کرد و در مجالس تفسیر عرفانی مرحوم حاج میرزا حبیب الله مجتهد نیز حضور یافت.

ادیب بجنوردی از سال ۱۳۲۴ ه.ق. که مصادف با اعلان مشروطیت بود، به خدمات نوین فرهنگی روی آورد و در مدرسه معرفت و پس از آن در مدرسه مظفری و مؤسسات شرکت فرهنگ به تدریس ادبیات، منطق، فیزیک و شیمی پرداخت.

ادیب در صدر مشروطیت از اعضای مؤثر حزب دموکرات خراسان بود و با روزنامه‌های محلی و تهران همکاری می‌کرد. در سال ۱۲۹۸ ه.ش. همزمان با آمدن سید محمد سلطان العلما و تأسیس فرهنگ خراسان، به خدمت فرهنگ درآمد و به اتفاق دانش بزرگ‌نیا و انتخاب الملک رام و مستشار الملک، دبیرستان دانش را تأسیس کردند.

در سال ۱۳۰۸ ه.ش. دانشکده معقول و منقول با تلاش

ادیب بجنوردی - سید حسین / ۲۷

اسدی، در مشهد تأسیس گردید و تدریس تاریخ ادبیات و تفسیر به مرحوم ادیب بجنوردی واگذار شد. ایشان همزمان در مدرسه نواب، منطق، علوم ادب و منظومه تدریس می نمود.

ادیب در سال ۱۳۱۴ ه.ش. به اصفهان منتقل و مأمور تأسیس دانشکده معقول و منقول در آن شهر شد و ریاست دبیرستان صارمیه نیز به ایشان واگذار گردید. در مدرسه صدر کتاب شوراق، در مدرسه چهارباغ علم کلام و در مسجد حاج میرزا هاشم تفسیر می گفت.

ادیب در سال ۱۳۱۶ ه.ش. به تهران منتقل شد و معاونت و مشاوره فنی کتابخانه ملی به ایشان واگذار گردید و در همین سمت از فرهنگ بازنشسته شد و از آن به بعد در دانشکده معقول و منقول به تدریس پرداخت و در کنار آن در مدرسه سپهسالار منظومه و در مدرسه شیخ عبدالحسین کلام تدریس می کرد. در سالهای آخر عمر به دلیل پادرد، در منزل خود درس می گفت، تا این که روز یکشنبه ۴ شهریور ۱۳۴۱ ه.ش. دعوت حق را لبیک گفت و به سرای ابدی پرگشود، جنازه اش به مشهد منتقل گردید و در مدرسه علی نقی میرزا که امروزه بخشی از بست بالا و صحن جدید شده است به خاک سپرده شد.

از آثار قلمی مرحوم بجنوردی علاوه بر مجموعه اشعار که در سال ۱۳۸۰ ش. به چاپ رسید، می توان به سیر طبیعت، مقدمه ای بر توحید مفضل، درباره معراج و کتابی در منطق اشاره کرد که هنوز به چاپ نرسیده اند.

(۹)

ادیب نیشابوری - عبدالجواد

(۱۲۸۱-۱۳۴۴.ق.ه.)

میرزا عبدالجواد ادیب نامور حوزه خراسان در قرن اخیر، در سال ۱۲۸۱.ق. در «بیژن‌گرد»، از روستاهای نیشابور چشم به جهان گشود. در اوان کودکی، بیماری آبله چشم راستش را از او گرفت و سوی اندکی برای چشم چپش باقی ماند.

میرزا، حافظه بسیار خوبی داشت. پس از آشنایی با خواندن و نوشتن، به تشویق پدرش ملا حسین، عازم نیشابور شد و سال ۱۲۹۷.ق. برای دانش‌اندوزی به حوزه پر رونق مشهد آمد، ابتدا به مدرسه خیراتخان رفت، بعد مدرسه فاضلخان و آخر در مدرسه نواب حجره‌ای گرفت و ضمن فراگیری مقدمات علوم ادب، کتابهای نهج البلاغه، معنی، مطول، مقامات بدیعی، مقامات حریری، حاشیه و شمسیه را بدون استاد یاد گرفت و مقداری فقه و اصول و حکمت و کلام را نزد اساتید آن عصر حوزه، تلمذ کرد و به نیشابور بازگشت و پس از درگذشت پدر، در حدود سال ۱۳۱۰.ق. بار دیگر به مشهد آمد و در یکی از حجره‌های مدرسه نواب مستقر شد و تا پایان عمر هرگز به سفر نرفت.

میرزا انسانی سخت‌کوش بود، او با این که قدرت بینایی بسیار اندکی داشت، هرگز دست از مطالعه نکشید. گاهی تا سپیده صبح چشم از کتاب برنمی‌داشت و سحرگاهان ترنم گنجشکان او را به خود می‌آورد، به تدریج دانسته‌های ادبی و تاریخی او به جایی

رسید که سخنان ارجمند او در گستره این دانش‌ها، همه صاحب‌نظران را به حیرت می‌افکند. او در حکمت الهی و طبیعی نیز مهارت داشت و نظریات ملاحظه‌را را می‌پسندید و در نجوم، و جبر و مقابله و حساب و هندسه از دانایان بود و با موسیقی نیز آشنایی داشت؛ اما بدون تردید تخصص او در علوم ادب بود. او تمام قاموس و برهان قاطع را حفظ داشت و افزون بر دوازده هزار بیت از اشعار عرب جاهلی را به خاطر سپرده بود.

ادیب اهل قناعت و مناعت طبع بود. از وجوهات کمتر استفاده می‌کرد. بیشتر از راه حق‌التدریس آستان قدس رضوی و عایدات اندک ارثی نیشابور، روزگار می‌گذرانید. او همسر نگزید و به تنهایی راه زندگی را به آخر برد. بیانی صریح داشت و در مبارزه با جهل و ریا بیداد می‌کرد. زندگی نظام‌مندی داشت و هفته‌ای یک بار به حرم مطهر مشرف می‌شد. در بیشتر درسهای او، متجاوز از سیصد طلبه شرکت می‌کردند.

ادیب در شصت و سومین سال زندگی خود، صبح جمعه ششم خرداد ۱۳۰۵/ ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۴۴ ه.ق. درگذشت و در مقبره‌ای نزدیک دارالحفاظ آستان قدس رضوی به خاک سپرده شد.

ادیب ملک الشعراى بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، محمد پروین گنابادی، محمد تقی مدرس رضوی، محمود فرخ، محمد تقی ادیب نیشابوری، محمد علی بامداد، سید جلال الدین تهرانی، سید حسن مشکان طبسی را در مکتب خود پروراند.

(۱۰)

ادیب نیشابوری - محمد تقی

(۱۳۱۵-۱۳۹۶ ه.ق.)

شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری، مشهور به ادیب دوم، در سال ۱۳۱۵ ه.ق. (۱۲۷۴ ه.ش.) در خیرآباد، از بلوک عشق آباد نیشابور پا به جهان نهاد، پدرش اسدالله نام داشت و از دانش بی بهره نبود.

محمد تقی نزد پدر خواندن و نوشتن را فراگرفت و در ۱۸ سالگی به دستور پدر عازم مشهد شد و نزد دایی خود حاج شیخ محمد کدکنی (م ۱۳۵۷ ه.ق.) مقدمات را فراگرفت و در اواخر سال ۱۳۳۳ ه.ق. وارد حوزه درس میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری گردید.

شیخ محمد تقی از محضر میرزا عبدالجواد، کمال استفاده را برد و در آموختن ادبیات عرب، فارسی، منطق، فلسفه، ریاضیات، تفسیر، حدیث، رجال، فقه، اصول، طب، علوم غریبه و علوم جدید رنجها کشید. وی در کسب این دانشها به جز میرزا عبدالجواد، از محضر اساتید دیگر از جمله آقا میرزا عسکری مشهور به آقا بزرگ حکیم (م ۱۳۵۵ ه.ق.)، شیخ حسن بُرسی (م ۱۳۴۰ ه.ق.)، شیخ اسدالله یزدی (م ۱۳۵۰ ه.ق.)، میرزا باقر مدرّس رضوی (م ۱۳۴۳ ه.ق.)، آقا سید جعفر شهرستانی، قوام الحکما، مشیرالاطباء، و حکیم فاضل خراسانی بهره برد.

ادیب نیشابوری متون ادبی، منطقی و اصولی، از جمله

سیوطی، مغنی، شرح مطول، شرح نظام، حاشیه ملا عبدالله، معالم، مقامات حریری، عروض و قافیه را در مدرسه‌های خیرات‌خان، سلیمانیه، میرزا جعفر، مسجد ترکها، مسجد گوهرشاد و در سال ۱۳۲۵ ه.ش.، چند ماهی در آموزش و پرورش تدریس می‌کرد. او همیشه زودتر از دیگران در جایی، بالای حجره چهارزانو می‌نشست و درس را شروع می‌کرد.

در سال ۱۳۴۱ ه.ش. با پیشنهاد سید جلال الدین تهرانی، استاندار و نایب التولیه وقت آستان قدس، عنوان مدرّسی آستان قدس را پذیرفت و در آرامگاه شیخ بهایی به تدریس پرداخت و این امر هفت سال ادامه یافت تا این که در زمستان ۱۳۴۸ پایش آسیب دید و از آن پس تا زمان ارتحال در منزل تدریس می‌نمود. او در ۲۱ آذر ۱۳۵۵ ه.ش. / بیستم ذی الحجه ۱۳۹۶ ه.ق.، در ۸۱ سالگی بدرود حیات گفت و در زاویه غربی صحن عتیق دفن گردید.

ادیب انسانی آزاده و عارف مسلک بود و نسبت به امور دنیوی، مقامات و شخصیت‌ها بی‌اعتنا بود و مناعت طبع داشت و از تملق و ریا دوری می‌جست و آثار علمی و ادبی زیادی از خود برجای گذاشت. گوهر تابنده، آئین‌نامه، ستایش‌نامه، طریقت‌نامه، حدیث جان و جانان، رساله یعقوبیه، مجمع راز، فیروز جاوید، آسایش‌نامه، تاریخ ادبیات عرب، تاریخ ادبیات ایران، تابش جان و بینش روان، البدایه و النهایه، گوهر مراد، رساله قافیه و آرایش سخن در شمار آثار ماندگار ادیب هستند.

(۱۱)

ادیب هروی - محمد حسن

(۱۲۶۳-۱۳۴۷ ه.ش.)

شیخ محمد حسن خراسانی، معروف به ادیب هروی، از ادبای برجسته و شعرای نامور و از دانایان علوم ادب به شمار می‌رفت. پدرش ملا محمد تقی از علمای مشهد و از خادمان کشیک دوم حرم مطهر امام رضا علیه السلام بود و در سال ۱۳۲۵ ه.ق. در ۵۳ سالگی در مشهد درگذشت و در حرم دفن شد.

شیخ محمد حسن هروی در سال ۱۲۶۳ ه.ش.، در مشهد چشم به جهان گشود و علوم و معارف الهی را از خدمت پدر فرا گرفت و علوم ادب را نزد «ادیب طوسی» و میرزا محمد باقر مدرّس و میرزا عبدالرحمن مدرّس تلمذ کرد و در سال ۱۳۱۹ ه.ق. و در آستانه انقلاب مشروطیت به حضور میرزا عبدالجواد نیشابوری رسید و مدت شش سال در درس وی حاضر شد. علوم ادب را نزد او تکمیل کرد و به درجه‌ای از دانش رسید که استاد، اجازه تدریس به وی داد و او را «رجل فاضل» خواند. وی علاوه بر آن از آیات، شیخ محمد حسین نائینی و سید هادی خراسانی حائری، نیز اجازه علمی و روایی دریافت کرد. آنها در اجازات خود مقامات علمی ادیب را ستودند.

ادیب در زمان رضاخان جذب کارهای آموزشی فرهنگ و هنر شد و بخشی از عمر خود را دبیری و مدتی در آستان قدس مدرسی نمود و در سال ۱۳۳۶ ه.ش. بازنشسته شد و در سال

۱۳۴۷ ه.ش. در ۸۵ سالگی زندگی را بدرود گفت و در دارالسعادة حرم حضرت رضاء رضی اللہ عنہا در کنار قبر پدرش دفن گردید. ادیب در آخرین سالهای زندگی خود کاری جز خادمی حضرت و تألیف آثار تاریخی و ادبی نداشت. کتاب *الحدیقة الرضویة*، *تاریخ انقلاب طوس* و *دستور حسن* از آثار پربهای اوست. وی *دستور حسن* را برای تدریس در مدارس نوشت که مکرر به چاپ رسیده است.

ادیب هروی اهمیت ویژه‌ای به تدوین تاریخ، بخصوص تاریخ معاصر می‌داد و خود وی نقش مؤثری در ضبط و ثبت رویدادهای عصر خود ایفا کرده است. ایشان در هر دو کتاب *گرنبهای تاریخ انقلاب طوس* و *الحدیقة الرضویة* مشاهدات خود و معاصرینش را در زمینه روزگار مشروطیت، واقعه به توپ بستن حرم مطهر توسط نیروهای روس، قیام گوهرشاد، وقایع شهریور ۱۳۲۰، اشغال خراسان توسط قوای روس و قیام صولت السلطنه هزاره را با دقت نوشته است.

(۱۲)

اردبیلی - سید یونس

(۱۲۹۶-۱۳۷۷ ه.ق.)

آیت الله حاج سید یونس اردبیلی، فرزند سید محمد تقی، فرزند میرفتحعلی، فرزند سیفعلی اردبیلی است که همگی در کسوت روحانیت حیات پربار خود را سپری کردند. میرفتحعلی

اردبیلی، جدّ ایشان، از عرفای بلند پایه‌ای است که دستورالعمل عرفانی در اختیار شیخ مرتضی انصاری گذاشته است.

سید یونس در سال ۱۲۹۶ ه.ق. در اردبیل چشم به جهان گشود، تحصیلات مقدماتی خود را در همان شهرستان به انجام رسانید و برای ادامه تحصیل به زنجان رفت و فقه و اصول را از آخوند ملاً قربانعلی زنجان، فراگرفت و علوم معقول را نزد حکیم متاله آخوند ملاً سبزه‌علی حکیم آموخت و در حدود سال ۱۳۱۰ ه.ق. عازم نجف شد و همزمان با پی‌گیری جریان نهضت مشروطه، در خدمت آخوند خراسانی، فاضل شریانی، سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی، علم آموخت. پس از آن به کربلا سفر کرد، در حوزه میرزا محمد تقی شیرازی رهبر نهضت علمای عراق علیه اشغالگران انگلیسی، شرکت کرد و مورد توجه و وثوق ایشان قرار گرفت. رسیدگی به امور طلاب علوم دینی از سوی میرزا به وی واگذار شد، مدتی نیز سرپرستی حوزه نجف را به دستور میرزا به عهده داشت.

آیت الله اردبیلی در سال ۱۳۴۸ ه.ق. بر اثر چشم درد به اردبیل بازگشت و پنج سال بعد، سال ۱۳۵۳ ه.ق. به مشهد آمد و به تدریس و اداره امور دینی شهر پرداخت.

موضع‌گیری آیت الله اردبیلی در جریان گوه‌رشاد موجب شد ایشان با تنی چند از علما بازداشت شده و به تهران اعزام گردد.

آیت الله اردبیلی مدتی در بازداشتگاه بود سپس به اردبیل برگردانده شد و پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاخان ایشان به

مشهد بازگشت.

در طول نهضت ملی، بیت آیت الله اردبیلی بار دیگر به مرکز تصمیم‌گیری چهره‌های مذهبی و سیاسی مشهد تبدیل شد. آیت الله سید یونس اردبیلی در ۲۱ ذی‌القعدة سال ۱۳۷۷ ه.ق. / ۱۳۳۷ ه.ش.، در ۸۴ سالگی در تهران درگذشت و جنازه ایشان به مشهد حمل شد و در دارالسعادة حرم مطهر مدفون گردید.

(۱۳)

اصفهانی - حسنعلی

(۱۲۷۹-۱۳۶۱ ه.ق.)

حاج شیخ حسنعلی مقدادی اصفهانی، مشهور به «نخودکی» فرزند ملا علی اکبر نیمه ذیقعدة سال ۱۲۷۹ ه.ق. در اصفهان متولد شد. پدرش او را از همان کودکی در هر سحرگاه بیدار و با نماز و دعا آشنا ساخت و از آن پس، تا پانزده سالگی، بیشتر شبها را تا صبح بیدار می‌ماند و از پانزده سالگی تا پایان عمر پربركتش هر ساله ماههای رجب و شعبان و رمضان و ایام البیض هر ماه را روزه‌دار بود و شبها تا صبح بیتوته می‌کرد.

حاج شیخ، خواندن و نوشتن و زبان و ادبیات عرب را در اصفهان فراگرفت و فقه و اصول و منطق و فلسفه را نزد آخوند ملا محمد کاشی و میرزا جهانگیرخان قشقایی تلمذ کرد و تفسیر را از محضر حاج سید سینا، پدر سید جعفر کشفی و تنی چند از فحول دانشوران آن عصر بهره جست. او سال ۱۳۰۳ ه.ق. عازم مشهد شد و یک سال در این شهر اقامت کرد و سال بعد برای تکمیل

معارف الهی به نجف مشرف گردید و نزد سید محمد فشارکی و سید مرتضی کشمیری و ملا اسماعیل قره‌باغی دانش آموخت. سال ۱۳۱۱ ه.ق. بار دیگر به مشهد سفر کرد و تا سال ۱۳۱۴ ه.ق. در مشهد ماند.

در سال ۱۳۱۵ ه.ق. حاج شیخ به اصفهان بازگشت و پس از توقف کوتاهی عازم نجف شد و تا سال ۱۳۱۸ ه.ق. در آنجا ماند، در نجف در مسجد کوفه، سهله، مقبره کمیل و میثم تمار به زیارت و عبادت می‌پرداخت. سال ۱۳۱۹ ه.ق. بار دیگر به اصفهان بازگشت.

دلباختگی به مقام ولایت، حاج شیخ را چندین بار به عتبات کشید، تا این که در سال ۱۳۲۹ ه.ق. به مشهد عزیمت کرد و تا پایان عمر در مشهد اقامت داشت.

یک ماه آخر عمر را در منزل بستری بود، تا آن که یکی دو ساعت پس از طلوع آفتاب روز ۱۷ شعبان سال ۱۳۶۱ ه.ق. / شهریور ۱۳۲۱ ه.ش. در ۸۲ سالگی چشم از عالم ماده بست و جنازه‌اش در صحن عتیق در حرم مطهر امام رضا علیه السلام، کنار ایوان عباسی دفن گردید.

(۱۴)

اصفهانی - مهدی

(۱۳۰۳-۱۳۶۵ ه.ق.)

آیت الله میرزا مهدی غروی اصفهانی، فرزند میرزا اسماعیل، از چهره‌های بلندآوازه علم و عمل خراسان در سده چهاردهم

هجری است.

وی محرم سال ۱۳۰۳ ه.ق. در اصفهان چشم به جهان گشود. خدمت پدرش سید اسماعیل و دیگر علمای اصفهان کسب علم کرد. حدود ۹ سالگی پدر را از دست داد و حدود ۱۲ سالگی رهسپار نجف شد. او با توصیه آیت الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی، از آغاز ورود به عراق با آیت الله العظمی سید اسماعیل صدر (م ۱۳۳۸ ه.ق.) در ارتباط بود و با عوالم روحانی آشنا شد و اصول را نزد آخوند خراسانی و فقه را نزد سید محمد کاظم یزدی تحصیل کرد.

در همین دوره، پس از آشنایی با مبانی سیر و سلوک شرعی مرحوم صدر، با سید احمد کربلایی (م ۱۳۳۲ ه.ق.) و شیخ محمد بهاری همدانی، از شاگردان برجسته ملا حسینقلی همدانی (م ۱۳۱۱ ه.ق.) و سید علی قاضی و سید جمال الدین گلپایگانی، آشنا گردید و از آنها بهره برد.

همزمان با انقلاب مشروطیت در ایران به اتفاق آیت الله سید محمود شاهرودی و آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی، در اولین دوره درس میرزای نائینی شرکت نمود و این درس نزدیک پنج سال ادامه یافت و عید فطر ۱۳۳۸ ه.ق. در ۳۵ سالگی اجازه اجتهاد را از میرزا نائینی دریافت نمود و همین اجازه را آقا ضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم یزدی نیز تأیید نمودند.

او از حدود ۳۰ سالگی پس از توسل برای رها شدن از پریشانی خاطر، به تحول شگرف دست یافت و از آن پس اراده

کرد داده‌های بلند قرآن و عترت را بدون ذره‌ای خلط و امتزاج با اندیشه‌های دیگر، به کار ببندد.

میرزا سال ۱۳۴۰ ه.ق. به مشهد آمد. اثر وجودی وی در حوزه خراسان در قرن اخیر کم سابقه بود. او مکتب معارف آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را با مجاهدات علمی و عملی خود در این دیار رونق بخشید و عدّه زیادی از صاحبان علم و فضیلت را برگرداگرد وجود خود فراهم آورد. ایشان عقیده داشت: جز راه اهل بیت هر راه دیگری به گمراهی می‌انجامد و هر کس هدایت را از غیر آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بجوید به آن نخواهد رسید. او به راه خود اطمینان داشت و خصایص اخلاقی و کمالات ایشان نیز بر کسی پوشیده نبود. هم زاهد و وارسته بود و هم مهربان و جذاب. از بزرگترین آثار وجودی مرحوم میرزا تربیت شاگردان برجسته و متقی بود.

مرحوم غروی روز جمعه بیستم ذیحجه ۱۳۶۵ ه.ق. بر اثر سکت قلبی در مشهد درگذشت و زیر طاق جنوبی دارالضیافه حرم امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در کنار حاج شیخ مهدی واعظ و حاجی قائم مقام دفن شد.

(۱۵)

اصفهانی - میرزا مهدی

(۱۱۵۲-۱۲۱۸ ه.ق.)

میرزا مهدی اصفهانی فرزند هدایت الله، برجسته‌ترین چهره روحانیت خراسان در عصر بازماندگان نادرشاده است. وی سال

۱۱۵۲ ه.ق. در اصفهان به دنیا آمد، با ملاعلی نوری، در حوزه بیدآبادی هم‌درس بود و در فقه و اصول از شاگردان آقا محمد وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ ه.ق.) سرآمد مجتهدان شیعه در سده دوازدهم و شیخ مهدی فتونی است و از هر دو اجازه اجتهاد دارد. میرزای شهید ریاضی را نزد شیخ حسن عاملی مشهدی، امام جمعه مشهد (۱۱۷۵ ه.ق.) آموخت و با دختر او ازدواج کرد. وی سال ۱۱۹۲ ه.ق. تولیت آستان قدس رضوی را به عهده داشت و پس از ارتحال سید محمد امام جمعه سبزواری در سال ۱۱۹۸ ه.ق. نماز جمعه را اقامه نمود و به تدریس فقه و اصول و اشعارت شیخ و پاره‌ای از کتابهای ریاضی مشغول گردید. سید مهدی بحرالعلوم، مولانا محمد حسین خبوشانی م ۱۳۶۲ ه.ق.، مولی حمزه قاینی، سید کاظم جزایری، سید دلدار علی بن محمد معین بن عبدالهادی رضوی نقوی هندی نصرآبادی از شاگردان وی هستند. وی صبح روز ۱۱ ماه رمضان داخل حرم به دست نادر میرزا یا تیمور نسقچی، مجروح شد و پس از دو روز در ۱۳ رمضان سال ۱۲۱۸ به شهادت رسید و در رواق پشت سر مبارک دفن گردید و به عنوان شهید چهارم شهرت یافت.

(۱۶)

بجنوردی - محمد تقی

(م ۱۳۱۴ ه.ق.)

شیخ محمد تقی بجنوردی از چهره‌های نامدار خراسان در سده ۱۴ ه.ق.، در اصل اهل بجنورد بود و پس از فراگیری فقه و

اصول نزد شیخ حسن نجفی صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری، به مشهد آمد و به تدریس پرداخت. شیخ مولی ابراهیم بن علی اصغر سبزواری نقابشکی، از علمای برجسته سبزواری و (۱۳۲۸ ه.ق.) و سید میرزا ابراهیم علوی سبزواری معروف به شریعتمدار (۱۳۱۶ ه.ق.) و شیخ علی نقی تربتی (۱۳۲۰ ه.ق.) و شیخ محمد علی کاخکی، از شاگردان وی بودند. به نوشته اعتماد السلطنه، مردم ولایت خراسان اعتماد عجیبی به وی داشتند. حاج سیاح محلاتی در کتاب خاطرات خود از تقوا و ورع شیخ محمد تقی بجنوردی تجلیل کرده است.

در جریان نهضت تنباکو، بیت شیخ محمد تقی مجتهد، قطب معنوی آن روز خراسان شمرده می شد، با این حال ایشان چندان که باید با گسترش نهضت موافق نبود و شرایط را مناسب نمی دید. شاید از دسایس دولتهای بیگانه که نمایندگی های فعالی در خراسان داشتند، بیمناک بود.

وی شب چهاردهم صفر ۱۳۱۴ ه.ق. زندگی را بدرود گفت و در محل دارالسیاده حرم صفه دست چپ متصل به درب مسجد گوهرشاد به خاک سپرده شد.

(۱۷)

بهاءالدین عاملی - محمد

(۹۵۳-۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ ه.ق.)

بهاءالدین محمد معروف به «شیخ بهائی» دانشمند نامدار قرن دهم و یازدهم هجری و متبحر در فقه، حدیث، نجوم، ریاضی،

تبریزی - غلامحسین / ۴۱

هندسه، طب و معماری فرزند حسین بن عبدالصمد، غروب چهارشنبه ۱۳ ذیحجه سال ۹۵۳.ق. در لبنان به دنیا آمد. پدرش از فقها و محدثین بود و سال ۹۶۶.ق. به ایران آمد و در اصفهان به درخواست شاه طهماسب در ایران ماند و شیخ الاسلام دارالسلطنه قزوین شد. پس از هفت سال از قزوین به مشهد آمد و ریاست امور دینی هرات را به عهده گرفت و مدتها در هرات بود و بعدها به بحرین رفت و در سال ۹۸۴.ق. در ۶۶ سالگی از دنیا رفت و در روستای مصلی یکی از روستاهای هجر دفن شد.

شیخ بهائی مقدمات علوم اسلامی را در لبنان فراگرفت و در ایران بجز خدمت پدر، نزد مولانا عبدالله مدرّس یزدی، مولانا عبدالله شوشتری، مولانا افضل قاینی و عمادالدین محمود با علوم معقول و طب و ریاضی در شهرهای قزوین، مشهد و اصفهان آشنا شد و سرآمد دانشوران عصر خود گردید.

تا آن که روز سه شنبه، دوازدهم شوال سال ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱.ق. در اصفهان دعوت حق را اجابت کرد و علامه مجلسی بر او نماز گذارد و به دستور شاه عباس جنازه اش به مشهد حمل شد و در جوار قبر امام رضا علیه السلام در غرفه ای که بعدها به نام او نامگذاری شده است، دفن گردید.

(۱۸)

تبریزی - غلامحسین

(۱۲۶۰-۱۳۵۹.ش.)

مرحوم آیت الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی معروف به

«شیخ غلامحسین ترک» به سال ۱۲۶۰ ه.ش. / ۱۳۰۳ ه.ق. در یکی از روستاهای شبستر، در خانواده‌ای مذهبی، چشم به جهان گشود. در مدرسه طالبیه تبریز به تحصیل پرداخت و پس از اتمام سطح برای ادامه تحصیلات به نجف رفت و آنجا اصول را نزد آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و فقه را در محضر حاج سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی فراگرفت.

پس از اتمام تحصیلات به تبریز بازگشت و به توصیه پدر، با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرد و به فعالیت‌های مذهبی روی آورد و «جمعیت دیانت اسلامی» را در سال ۱۳۴۳ ه.ق. تأسیس کرد و معارف اسلامی را به سبکی نو در میان جمعیت تدریس می‌کرد. گفتار ایشان در نشریه‌ای به نام «تذکرات دیانتی» هر پانزده روز یک بار منتشر می‌شد. نخستین شماره این نشریه اول جمادی‌الاولی ۱۳۴۵ ه.ق. در شهر تبریز به چاپ رسید و انتشار آن چند سال دوام آورد. علمای بزرگ قم و مشهد کارهای ایشان را ستودند.

آیت الله تبریزی به گفتگو با صاحبان ادیان دیگر اهمیت می‌داد و در مناظره‌ها شرکت می‌جست. و از مبارزات سیاسی غافل نبود. در جریان کلاه پهلوی در سال ۱۳۱۱ ه.ش. حاج شیخ به مبارزه علیه اتحاد شکل و مظالم رضاخان پرداخت، ولی حرکت او سرکوب شد و خود او پس از مدتی زندگی مخفی، به استانداری احضار شد و ایشان پس از دیدار با علی منصور، پدر حسنعلی منصور، استاندار وقت آذربایجان و قاضی عسکر وقتی متوجه شد

قرار است رضاخان به تبریز سفر کند، به کربلا مشرف شد و مدتی آنجا اقامت کرد و پس از آرام شدن اوضاع به تبریز برگشت.

در یکی از روزها نامه‌ای از علی اکبر داور به دست حاج شیخ رسید. مضمون نامه دعوت از وی جهت همکاری قضایی با نظام عدلیه بود. او متوجه این نکته شد که شرایط برای فعالیتهای دینی و سیاسی آزاد، از میان رفته است، این بود که به تنهایی عازم مشهد شد و همسر و فرزندان خردسالش پس از مدتی به او پیوستند.

مرحوم آیت الله تبریزی در نهضت گوهرشاد مشارکت داشت و پس از شهریور ۱۳۲۰ به منظور مقابله با اندیشه‌های سید احمد کسروی که از تبریز با او آشنا بود به انتشار تذکرات دینی در مشهد دست زد و مدتی هم نشریه راحت و ندای حق را در جواب شیخ مردوخ کردستانی نشر داد.

حاج شیخ در مبارزات ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ ه.ش. نیز فعال بود و فعالیتهای سیاسی خود علیه نظام شاهنشاهی را تا سال ۱۳۵۷ ادامه داد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نماز جمعه تا سال ۱۳۵۹ به امامت ایشان در مسجد گوهرشاد اقامه می شد و تا زمانی که ایشان زنده بود، امام برای کسی حکم امامت جمعه را در مشهد صادر نکرد. او روز اول شعبان ۱۴۰۰ ه.ق. / ۲۵ خرداد سال ۱۳۵۹ ه.ش. در ۹۷ سالگی دعوت حق را پاسخ داد و به سرای ابدی شتافت و در قسمت شمالی دارالسلام حرم امام هشتم علیه السلام دفن شد.

آثار علمی زیادی از مرحوم آیت الله حاج شیخ غلامحسین

تبریزی برجای مانده است. راهنمای حقیقت، اصول مهذبیه، الدروس الدینییه در ۹ جلد، گوهرهای درخشان، ندای راستی، انوار لامعه، الدرر الثمینیه، ترجمه اعتقادات مفید و ترجمه وجوه اعجاز قرآن علامه بلاغی در شمار آثار قلمی ایشان هستند.

(۱۹)

تربتی - عباس

(- ۱۳۲۲ ه. ش.)

ملا عباس تربتی، معروف به «حاج آخوند»، در روستای «کاریزک ناگهانی» واقع در ۱۵ کیلومتری شرق تربت حیدریه و ابتدای جلگه زاوه، در یک خانواده متدین و پایبند به شئونات مذهبی چشم به جهان گشود. پدرش ملا حسینعلی، سواد مختصری داشت، قرآن و کتاب فارسی می خواند. او فرزند خود را نخست به مکتب‌خانه، سپس برای ادامه تحصیل به شهر تربت فرستاد.

ملا عباس در شهر تربت حیدریه، مدرسه حاج شیخ یوسفعلی، نزد آخوند حاج ملا عبدالحمید صرف و نحو را با دقت فرا گرفت و پس از آن به تحصیل سطح فقه و اصول روی آورد و برای تکمیل دانسته‌های خود به مشهد آمد و مدتی بعد به خواسته پدر به روستا برگشت، ازدواج کرد و به زراعت مشغول شد و آخر هر هفته به تربت می‌رفت و کتابهای معالم، قوانین، لمعه و شرایع را آموخت و همه الفیه ابن مالک را حفظ کرد.

جعفری - محمد تقی / ۴۵

سال ۱۳۲۶ ه.ق. همراه قافله با پای پیاده به کربلا مشرف شد. حاج آخوند سال ۱۳۳۷ ه.ق. بار دوم به کربلا مشرف شد و پسرش مرحوم شیخ حسینعلی راشد را با خود برد و سال ۱۳۰۰ ه.ش. یکی دو ماه در مشهد اقامت گزید و به درخواست مردم در ماه رمضان در مسجد گوهرشاد نماز ظهر و عصر می‌خواند و پس از نماز به منبر می‌رفت. سال ۱۳۰۱ ه.ش. به کمک زلزله‌زدگان تربیت شتافت و سال ۱۳۰۶ ه.ش. به مکه مشرف شد.

حاج آخوند در زمان حضور روسها در خراسان ۲۴ مهر ۱۳۲۲ ه.ش. / ۱۷ شوال ۱۳۶۲ ه.ق. دو ساعت از طلوع آفتاب گذشته در شهر تربیت، خانه خودش فوت کرد و جنازه‌اش به مشهد انتقال یافت و در آخرین غرفه صحن نو در زاویه شمال غربی به خاک سپرده شد.

(۲۰)

جعفری - محمد تقی

(۱۳۰۴-۱۳۷۷ ه.ش.)

علامه محمد تقی جعفری فرزند کریم از برجسته‌ترین چهره‌های علمی روزگار ما بود. او همه عمر پربار خود را به آموزش و پژوهش گذراند. وی سال ۱۳۰۴ ه.ش. در شهر تبریز متولد شد و نبوغ خود را در همان کلاسهای ابتدایی به ظهور رساند. مقدمات را نزد سید حسن شربیانی و اهری خواند و برای

ادامه تحصیل عازم تهران شد.

در تهران به مدرسه مروی وارد گردید و در محضر آیت الله شیخ محمد رضا تنکابنی و میرزا مهدی آشتیانی سطوح و فلسفه را آموخت. مدتی به قم رفت و پس از ارتحال مادر و شرکت در مراسم او در تبریز، سال ۱۳۲۷ ه.ش. به اصرار آیت الله میرزا فتاح شهیدی، رهسپار نجف شد. در آنجا در مدرسه صدر مستقر گردید و سطوح دوره خارج فقه و اصول را نزد آیت الله شیخ محمد کاظم شیرازی، سید ابوالقاسم خویی، سید محمود شاهرودی، حکیم سید جمال گلپایگانی، سید عبد الهادی شیرازی و سید محمد هادی میلانی آموخت و فلسفه را از محضر شیخ صدرا قفقازی و آقا شیخ مرتضی طالقانی بهره برد و از طریق مطالعه با دانشهای رایج روزگار خود آشنا گردید و به تألیف و تحقیق روی آورد و پس از ۱۱ سال اقامت در نجف سال ۱۳۳۷ ه.ش. به ایران بازگشت و در تهران اقامت گزید.

آیت الله محمد تقی جعفری در سال ۱۳۷۷ ه.ش. به منظور معالجه بیماری خود به انگلستان رفت، ولی معالجات مؤثر واقع نشد و روز ۲۴ آبان همان سال در یکی از بیمارستانهای لندن درگذشت و جنازه اش به تهران منتقل شد و روز پنجشنبه ۲۸ آبان در تهران با حضور شخصیت‌های سیاسی و علمی کشور تشییع و به مشهد منتقل گردید و بعد از ظهر همان روز پس از مراسم باشکوهی در دارالزهد حرم دفن شد.

(۲۱)

حرّ عاملی - محمد

(۱۰۳۳-۱۱۰۴.ه.ق.)

محمد بن حسن بن علی، معروف به شیخ حرّ عاملی، یکی از بزرگان علمای امامیه و مشاهیر محدثان است. وی شب جمعه هشتم رجب سال ۱۰۳۳.ه.ق. در مشغری، یکی از روستاهای دمشق در ناحیه بقاع، چشم به جهان باز کرد و نزد عموی خود شیخ محمد حر و جدّ مادریش شیخ عبدالسلام بن محمد حرّ و دایی پدرش شیخ علی و شیخ زین الدین محمد و شیخ حسین ظهیری، دانش آموخت و چهل سال در کشورهای اسلامی به سفر پرداخت و دو بار به حج رفت و پس از زیارت قبر پیشوایان دینی، در حدود سال ۱۰۸۰.ه.ق. مقارن سلطنت شاه سلیمان به مشهد آمد و مجاور شد و ۲۴ سال در مشهد به تدریس و تألیف آثار پر بها پرداخت و دو نوبت دیگر در این مدت به حج و زیارت ائمه مشرف شد و حلقه درسی تشکیل داد و وسائل الشیعه را تدریس کرد و شاگردانی را پروراند و به تعدادی از آنها، از جمله به میرزا علاءالملک فرزند میرزا ابی طالب علوی موسوی در ۱۵ ربیع الثانی ۱۰۸۶ و نیز علامه محمد باقر مجلسی اجازه داد و از مجلسی اول، سید جزائری و شیخ علی سبط به نقل حدیث مجاز گشت. تا این که ۲۱ رمضان ۱۱۰۴.ه.ق. چشم از جهان فرو بست و در یکی از رواق‌های صحن عتیق متصل به مدرسه میرزا جعفر دفن شد.

(۲۲)

حسینی تهرانی - محمد حسین

(۱۳۴۵-۱۴۱۶ ه.ق.)

مرحوم علامه آیت الله سید محمد حسین حسینی تهرانی فرزند مرحوم آیت الله حاج سید محمد صادق، از علما و عرفای برجسته قرن حاضر است. ایشان به سال ۱۳۴۵ ه.ق. چشم به جهان گشود و تحت مراقبت پدر دوران آموزشهای ابتدایی و متوسطه را در رشته مکانیک و ماشین سازی به پایان رساند و سپس به تحصیل علوم الهی روی آورد. در سفر زیارتی در مشهد به دست مرحوم آیت الله میرزا محمد تهرانی صاحب مستدرک البحار که از بزرگان علمای عصر و دایی پدری او بود به کسوت روحانیت درآمد. سال ۱۳۶۴ ه.ق. برای تحصیل به قم رفت و در مدرسه حجت حجره گرفت و به مجموعه شاگردان علامه سید محمد حسین طباطبایی پیوست و از خواص آن فرزانه در عرفان عملی، تفسیر و فلسفه گردید و مدت هفت سال علاوه بر ایشان از محضر آیات سید محمد حجت، سید محمد داماد، حاج آقا حسین بروجردی، حاج سید رضا بهاء الدینی، حاج شیخ عبدالله سدهی و حاج شیخ مرتضی حائری استفاده برد.

به سال ۱۳۷۰ ه.ق. به توصیه بزرگانی چون علامه طباطبایی و آیت الله شیخ محمد صدوقی یزدی برای تکمیل تحصیلات خود به نجف رفت و از محضر آیات عظام آقا شیخ حسین حلی، حاج سید ابوالقاسم خویی و سید محمود شاهرودی استفاده برد، و به

سفارش علامه طباطبایی با آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی، وصی مرحوم آیت الله میرزا علی آقا قاضی در امور سلوکی و معنوی حشر و نشر پیدا کرد. پس از شش سال به حضور مرحوم حاج سید هاشم موسوی (حدّاد) رسید و از محضر ایشان بهره مند گردید.

سال ۱۳۷۷ ه.ق. پس از اتمام تحصیلات عالی و اتقان در علوم عقلی و نقلی و حقیقی، جهت ادای تکلیف و اقامه شعائر الهی به امر استاد عرفانش حضرت آیت الله حاج شیخ محمد جواد انصاری همدانی به تهران بازگشت و در مسجد قائم خیابان سعدی به نشر احکام اسلامی و ارشاد مردم و تهذیب نفوس مستعدّه در راستای تحکیم بنیادهای حاکمیت دین و احیای علوم اسلام و تثبیت محورهای اساسی شرع، اعم از ولایت فقیه، نماز جمعه، ارتش ملی، الگوهای حجاب و ازدواج و تبیین لزوم بازگشت به قرآن و بینش توحیدی، همت گماشت. او پس از ۲۴ سال تلاش مخلصانه در شهر تهران در سال ۱۴۰۰ ه.ق. به امر استاد سلوکش مرحوم حاج سید هاشم حدّاد به منظور مجاورت آستان مقدس رضوی به مشهد مهاجرت کرد و مدت ۱۵ سال لحظه‌ای از تربیت نفوس مستعدّه و تألیف دست‌نکشید و آثار گرانمایه‌ای چون *الله شناسی*، *امام شناسی*، *معاد شناسی*، *توحید علمی و عینی*، *مهر تابان*، *روح مجرد*، *رساله نوین*، *ولایت فقیه*، *نور ملکوت*، *نگرشی بر مقاله قبض و بسط*، *تئوریک شریعت*، *رساله نکاحیه* (کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین)، *لمعات الحسین و لبّ اللباب* را نگاشت و به نشر

سپرد.

ایشان سرانجام پس از ۷۱ سال عمر پر ثمر روز شنبه نهم ماه صفر سال ۱۴۱۶ ه.ق. درگذشت و پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه و نمازی که به امامت حضرت آیت الله العظمی بهجت فومنی برگزار شد در ضلع جنوب شرقی صحن انقلاب (عتیق) حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.

(۲۳)

خادمی اصفهانی - سیّد حسین

(۱۳۱۹ - ۱۴۰۴ ه.ق.)

آیت الله حاج سیّد حسین خادمی اصفهانی فرزند سیّد ابوجعفر فرزند آقا سیّد صدرالدین عاملی که نسبت خانوادگی وی به امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌رسد، از علما و فقهای بنام و رئیس حوزه علمیه اصفهان بود.

وی روز جمعه سوم شعبان ۱۳۱۹ ه.ق. متولد شد و پس از آموزش دوره ابتدایی به تحصیل علوم حوزه روی آورد. مقدمات را نزد حاج شیخ علی یزدی و آقا میرزا اردستانی و آقا میرزا احمد اصفهانی و رسائل شیخ انصاری را خدمت آخوند ملا عبدالکریم جزئی و حاج میرزا سیّد علی نجف آبادی و سطح و کفایه را در محضر آیت الله سیّد محمد نجف آبادی فراگرفت و دوره خارج را نزد آیت الله حاج میرزا محمد صادق یزدآبادی حضور یافت. سپس به نجف رفت و خارج فقه و اصول را از محضر آیات میرزا

حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء عراقی بهره برد و کلام را در حلقه درسی آیت الله شیخ جواد بلاغی و رجال و درایه را از آیت الله سید ابوتراب خوانساری آموخت.

سال ۱۳۴۷ ه.ق. آیت الله خادمی به اصفهان بازگشت و به تدریس دوره خارج فقه و اصول در مدرسه صدر اصفهان و اقامه جماعت مشغول گردید. ایشان از سوی امام، نماینده رسیدگی به امور حوزه علمیه اصفهان شد و در کنار فعالیت‌های علمی و اجتماعی خود، کتابهایی در بحث برائت، استصحاب و تعادل و تراجیح و از اول مباحث الفاظ تا مقدمه واجب و لباس مشکوک نوشت. رساله‌ای در محرومیت زوجه از ارث غیر منقول، حواشی متفرقه بر کتاب طهارت و صلوة و زکوة محقق همدانی و کتابهای اصولی و نیز کتاب رهبر سعادت از آثار قلمی ایشان است.

آیت الله خادمی از زمان کشف حجاب (۱۳۱۴ ه.ش.) مبارزه خود را علیه حکومت پهلوی آغاز کرد. تحصن مردم مبارز اصفهان در منزل ایشان در سال ۱۳۵۷ ه.ش.، منجر به اعلان حکومت نظامی در اصفهان شد. ایشان پس از یک دوره بیماری طولانی، صبح روز بیستم اسفند ۱۳۶۳ / ۱۴۰۴ ه.ق. در ۸۶ سالگی در اصفهان دار فانی را وداع گفت و از سوی استانداری اصفهان سه روز عزای عمومی و یک روز در همه استان تعطیل عمومی اعلام شد و حوزه علمیه یک هفته تعطیل گردید. جنازه ایشان پس از انتقال به مشهد عصر روز ۲۱ اسفند از مسجد ملا هاشم با شرکت

گسترده مردم و علما تا حرم مطهر امام رضا علیه السلام تشییع و در محل دارالسلام دفن گردید.

(۲۴)

خالصی - محمد مهدی

(۱۲۷۶ یا ۱۲۷۷-۱۳۴۳.ق.)

آیت الله شیخ محمد مهدی خالصی کاظمی اسدی فرزند شیخ حسین فرزند شیخ عبدالعزیز، از مجتهدان و مراجع مبارز شیعه در قرن ۱۴ هجری است. در ۱۵ ذیحجه ۱۲۷۷ یا ۹ ذیحجه ۱۲۷۶.ق. در «کرخ» کاظمین به دنیا آمد و همانجا نشو و نما یافت و به دستور پدر به نجف رفت و در حلقه درسی میرزا حبیب الله رشتی و آخوند خراسانی شرکت کرد، بعد به سامرا سفر نمود و از محضر محمد حسن میرزای بزرگ شیرازی بهره برد و پس از نیل به درجه اجتهاد به زادگاهش مراجعت نمود و به تدریس آموخته‌های خود پرداخت. چگونگی تدریس و ژرفای بینش او موجب شد تعداد زیادی از جویندگان دانش در حلقه درسی او شرکت کنند. نفوذ معنوی او در میان مردم کرخ و کاظمیه به اوج خود رسید. همگان در مسایل دینی و سیاسی خود به او مراجعه می‌کردند و تحت تأثیر بیان نافذ و تقوای او قرار داشتند.

آیت الله خالصی مرد میدان سیاست بود و آن را از امور دینی جدا نمی‌دانست و در امور جاری کشورش شرکت داشت و در برابر سلطه اجانب سخت می‌ایستاد. در نهضت مشروطیت و

برپایی نظام پارلمانی در ایران و استانبول نقش مهمی ایفا کرد. وی سالها با نفوذ و حضور انگلیس در عراق مبارزه نمود و شب سه‌شنبه ۱۰ ذیقعدة ۱۳۴۱ ه.ق. به دستور دولت استعماری انگلیس دستگیر و از عراق به جزیره «هنگام» هند تبعید شد، ولی به علت تظاهرات مسلمانان در مخالفت با تبعید ایشان، وی پیش از پیاده شدن از کشتی به یمن برگردانده شد و در مراسم حج از آن‌جا به حجاز رفت. در مکه از سوی هیأت‌های ایرانی که از سوی دولت ایران اعزام شده بودند به ایران دعوت شد.

علمای مقیم عتبات در اعتراض به نفوذ انگلیس به ایران آمدند. آیت‌الله نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی رهبری این حرکت و مهاجرت را به عهده داشتند. مرحوم خالصی مدتی در قم و اصفهان بود بعد به مشهد آمد و مورد استقبال مردم و سردار اسعد بختیاری که استاندار وقت خراسان بود، قرار گرفت. او در مشهد در اوایل سال ۱۳۴۳ ه.ق. بیانیه‌ای به زبان عربی صادر کرد و مسلمانان کشورهای اسلامی را به عضویت در جمعیت استخلاص الحرمین الشریفین و بین‌النهرین که خود مؤسس آن بود دعوت کرد. ولی عمر او کفاف نکرد و روز ۱۱ رمضان ۱۳۴۳ ه.ق. درگذشت و در حجره عقب صفه غربی دارالسیاده حرم دفن شد.

آثار علمی زیادی از مرحوم خالصی برجای ماند. از برجسته‌ترین آنها می‌توان به این کتابها اشاره کرد: *الشریعة السمحاء فی احکام سید الانبیاء، حاشیه کفایة الاصول، الدراری اللّمعات فی شرح*

القطرات و الشدراة که پاورقی‌هایی است بر رساله‌های فقهی آخوند خراسانی، الحسام البتار فی جهاد الکفار مشتمل بر مقالاتی است که در زمینه و جوب پیکار با اشغالگران انگلیسی نوشته و در روزنامه صدی الاسلام به چاپ رسیده است. الوجیزه فی الموارث، عناوین الاصول و مختصر الرسائل العملیه و الاصول الدینیّه نیز از آثار دیگر اوست.

(۲۵)

خامنه‌ای - سیّد جواد

(۱۳۱۳ - ۱۴۰۶ ه.ق.)

مرحوم آیت الله سیّد جواد خامنه‌ای در جمادی الآخر سال ۱۳۱۳ ه.ق. در نجف اشرف در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود. در کودکی به همراه خانواده به تبریز مهاجرت کرد. پدر ایشان مرحوم آیت الله حاج سیّد حسین خامنه‌ای عالم بزرگ تبریز و امام جماعت مسجد جامع این شهر بود که در سال ۱۳۲۵ ه.ق. رحلت نمود. سنین نوجوانی ایشان مقارن با آغاز نهضت مشروطیت بود و ایشان برخی از رویدادهای مهم از قبیل مصلوب کردن بزرگان تبریز در روز عاشورا به وسیله روسها را دیده بود. مرحوم آیت الله سیّد جواد خامنه‌ای تحصیل را در تبریز آغاز نمود و در سال ۱۳۳۶ ه.ق. برای ادامه تحصیلات به مشهد مقدس مهاجرت کرد. در آنجا ۹ سال از محضر آیات عظام میرزا محمد آقازاده خراسانی، حاج آقا حسین قمی و حاج فاضل خراسانی

خراسانی - ملا هاشم / ۵۵

استفاده برد که این ایام با قیام شیخ محمد خیابانی، شوهرخواهر ایشان، مقارن بود.

در سال ۱۳۴۵ ه.ق. برای تکمیل تحصیلات رهسپار نجف اشرف شد و از خرمین علم و معرفت آیات عظام میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی بهره برد. پس از اتمام تحصیلات به مشهد بازگشت و با دختر مرحوم آیت الله حاج سید هاشم نجف‌آبادی ازدواج کرد که رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله العظمی حاج سید علی خامنه‌ای ثمره این وصلت مبارکند.

ایشان سالها در مشهد به تدریس فقه و اصول و اقامه جماعت در مسجد جامع گوهرشاد و مسجد صدیقیهای بازار بزرگ مشغول بودند و در دوران مبارزات فرزندانشان از رژیم ستمشاهی آزار و اذیت بسیاری متحمل شدند.

مرحوم آیت الله حاج سید جواد خامنه‌ای سرانجام در ۱۵ تیر ۱۳۶۵ / ۲۸ شوال ۱۴۰۶ در مشهد دار فانی را وداع گفتند و پس از تشییع باشکوه مردمی در جوار حضرت امام رضا علیه السلام در توحیدخانه، رواق پشت سر حضرت، به خاک سپرده شدند.

(۲۶)

خراسانی - ملا هاشم

(۱۲۸۴-۱۳۵۲ ه.ق.)

حاج ملا هاشم خراسانی فرزند محمد علی، از معاریف فقها بود و بسیاری از مردم از او پیروی می‌کردند. وی در بیستم صفر

۱۲۸۴ ه.ق. در مشهد تولد یافت و پس از تحصیل دانشهای دینی عصر خود در شمار علمای برجسته مشهد درآمد و به تدریس و ترویج و تحقیق روی آورد و کتابهای سودمندی از خود به یادگار گذاشت. رساله ربا، رضاع، وسیلة الامان، ارث، معاملات، نفقات و کتاب پربهای منتخب التواریخ از آثار ایشان است. وی بیشتر وقایع روزگار خود از جمله به توپ بسته شدن حرم توسط قوای روس را به تفصیل در منتخب التواریخ آورده است.

چراغ عمر حاج ملا هاشم پس از ۶۸ سال خاموش گشت و بدن بی جان وی روز سوم ذیحجه ۱۳۵۲ ه.ق. در محل دارالحفاظ حرم امام پاکان به خاک سپرده شد.

(۲۷)

دامغانی - محمد کاظم

(۱۳۱۶-۱۴۰۱ ه.ق.)

آیت الله حاج شیخ محمد کاظم مهدوی دامغانی فرزند آخوند ملا علی اکبر، در جمادی الثانی ۱۳۱۶ ه.ق. در روستای شمس آباد دامغان به دنیا آمد. در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و علیرغم دشواریهای زندگی به کسب دانش روی آورد، پس از فراگیری مبانی علوم دینی به مشهد آمد. ابتدا در منزل آخوند ملا بمانعلی محقق، واعظ معروف آن زمان که با وی نسبت خویشاوندی داشت، ساکن شد سپس در مدرسه دو درب حجره ای گرفت و نزد میرزا عبدالجواد نیشابوری و نیز فاضل

بسطامی با علوم ادب آشنا شد، قوانین را نزد مرحوم شهرستانی و سطوح عالیہ را خدمت شیخ حسن بُرسی و شیخ محمد قوچانی و شیخ محمد نهاوندی که هر سه از شاگردان برجسته آخوند خراسانی بودند، آموخت و ۱۴ سال درس آیت الله حاج میرزا محمد آقازاده و ده سال خدمت آیت الله آقا میرزا مهدی اصفهانی و ۳ سال محضر آیت الله حاج آقا حسین قمی و یک سال درس آیت الله شیخ موسی خوانساری را که همه آنها از فحول علمای شیعه در قرن ۱۴ هجری بودند درک کرد و از آیات عظام میرزا محمد حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی و میرزا محمد آقازاده اجازه اجتهاد و از شیخ آقا بزرگ تهرانی و علامه سمنانی صاحب «حکمت بوعلی» و آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی اجازه روایی دریافت کرد.

مرحوم دامغانی از سال ۱۳۳۶ ه.ق. در مشهد حوزه درس قوانین، شرایع، ریاض، رسائل، مکاسب و کفایه داشت و از سال ۱۳۵۶ ه.ق. پس از واقعه مسجد گوهرشاد در منزل خود منزوی گردید و در بازسازی حوزه مشهد پس از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش. از فعالین بود.

سجایای اخلاقی و صراحت لهجه و اجتناب از هرگونه تظاهر از مشخصه‌های برجسته روحی مرحوم آیت الله دامغانی بود. ایشان دهم تیر در سال ۱۳۶۰ ه.ش. / ۲۷ شعبان ۱۴۰۱ ه.ق. در مشهد درگذشت و در دارالزهد حرم مدفون گردید.

(۲۸)

سبزواری - حسین

(۱۳۰۹-۱۳۸۶ ه.ق.)

آیت الله حاج میرزا حسین سبزواری مشهور به «فقیه سبزواری»، فرزند آیت الله میرزا موسی (۱۲۶۵-۱۳۳۷ ه.ق.) سوم رمضان ۱۳۰۹ ه.ق. در شهر سامرا به دنیا آمد و در سال ۱۳۱۸ ه.ق. همراه پدر خود آیت الله میرزا موسی به سبزواری رفت و در آنجا به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی در سال ۱۳۲۶ ه.ق. برای ادامه تحصیل وارد مشهد شد و در مدرسه فاضلخان حجره گرفت و از محضر دانشورانی چون حاج شیخ حسن برسی، میرزا محمد باقر مدرس رضوی، میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، حاج میرزا حسین از شاگردان میرزای شیرازی و حاج میرزا اسماعیل مجتهد، علم آموخت.

فقیه در طول تحصیلات خود در حوزه مشهد، شاهد فاجعه به توپ بستن حرم در روز دهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ ه.ق. بود و این فاجعه را در یادداشتهای منتشر نشده خود منعکس کرده است. وی شعبان سال ۱۳۳۱ ه.ق. با دختر میرزا حسین صدرالعلما (۱۳۲۹-۱۳۹۵ ه.ق.) یکی از علمای برجسته سبزواری ازدواج نمود و شش سال در سبزواری اقامت کرد. در این مدت ضمن تدریس، خارج فقه و اصول را از محضر پدر و حکمت را نزد افتخار الحکما شاگرد کم مانند حاج ملاهادی سبزواری، فراگرفت و سال ۱۳۳۸ ه.ق. به نجف رفت و فقه و اصول را نزد آیات

میرزا حسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی و حاج سید محمد فیروزآبادی فرا گرفت و از همه اساتید خود اجازه اجتهاد دریافت نمود و به «فقیه سبزواری» اشتهار یافت.

وی علاوه بر درک محضر اساتید یاد شده خود در سامرا، در نجف نیز از محضر آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی، شیخ حسن مامقانی، آیت الله شریانی، آیت الله سید محمد بحر العلوم، شیخ محمد طه نجف، میرزا حسین نوری، حاج آقا رضا همدانی، شیخ علی گنابادی و شیخ علی قوچانی بهره برد و سال ۱۳۴۷ ه.ق. در ۳۸ سالگی به درخواست مردم سبزوار به ایران بازگشت و در مشهد ساکن شد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه و نیز اقامه نماز جماعت روی آورد و خدمات اجتماعی و عمرانی کم نظیری انجام داد. او مدرسه باغ رضوان را با ۱۶ هزار متر مربع مساحت به سال ۱۳۳۰ ه.ش. ساخت و تکیه سیدها را احداث کرد. درمانگاه رازی را تکمیل کرد و ۱۲۰ باب منزل در خیابان نخریسی و ۲۵ باب در خیابان خواجه ربیع برای سیل زدگان بنا نهاد و ۲۵۰۰ قطعه زمین را در کوی طلاب به طلبه‌ها و فضلاء حوزه مشهد واگذار کرد و دهها مسجد را در محلات مختلف مشهد ساخت و خود روز شنبه ۲۴ شوال ۱۳۸۶ ه.ق. / ۱۳۴۵ ه.ش. در ۷۷ سالگی راه ناهموار دنیای مادی را به آخر رساند و روحش به دار قرار پرگشود و در محل مدرسه باغ رضوان فضای سبز شمال غربی حرم در ابتدای بست طبرسی به خاک

سپرده شد. هدایة الانام رساله عملی اوست و کتاب مناسک حج وی نیز به چاپ رسیده است.

(۲۹)

شیرازی - ابوالحسن

(۱۲۹۳-۱۳۷۹ ه.ش.)

آیت الله شیخ ابوالحسن شیرازی (مقدس)، در سال ۱۲۹۳ در کوهستان از توابع داراب استان فارس متولد شد. پدرش مهدی قلی خان از متنفذین محل بود. مقدمات دانش اندوزی را در داراب و اصطهبانات گذراند و در شیراز سطوح عالی و مقصداری فلسفه آموخت، سپس به مشهد آمد و مدتی از دروس اساتید حوزه مشهد بویژه دروس عمیق و عالم پرور آیت الله میرزا مهدی اصفهانی (ره) بهره گرفت. پس از مدتی رهسپار نجف گردید و از محضر آیات عظام شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی)، میرزا محمد حسین نائینی، آقا ضیاء عراقی و سید عبدالهادی شیرازی، استفاده کرد و موفق به دریافت اجازه اجتهاد از برخی آیات عظام گردید. آنگاه به ایران بازگشت و دو سال در حوزه علمیه قم در درس مرحوم آیت الله العظمی بروجردی شرکت کرد. در سال ۱۳۴۰ به مشهد مراجعت کرد و به تدریس و تربیت طلاب فاضل پرداخت.

همزمان با شروع نهضت اسلامی در ایران، ایشان صادقانه در این قیام مردمی شرکت کرد. پس از پیروزی انقلاب، از طرف امام

خمینی قدس سره به عنوان اولین امام جمعه شهر مقدس مشهد منصوب شد و در مجلس خبرگان قانون اساسی به عنوان نماینده مردم استان خراسان و دو دوره در خبرگان رهبری به عنوان اولین نماینده خراسان انتخاب گردید.

این عالم خدمتگزار همواره قبل و بعد از انقلاب برای رفع مشکلات مردم فراوان می‌کوشید. او با تأسیس چندین حمام عمومی، منبع آب آشامیدنی، حسینیه، مسجد، مدرسه، و سدهای خاکی، در خراسان و داراب و تأسیس چندین شهرک برای افراد کم درآمد، آثار بسیاری از خود برجای گذاشت.

ایشان به کارهای فرهنگی و علمی بسیار ارج می‌نهاد، از این رو مدرسه علمیه «ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)» و مؤسسه «اسلام شناسی بانوان» را تأسیس کرد.

و بالاخره پس از عمری سراسر تلاش، جهاد و اخلاص، عصر یکشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۷۹ / پنجم جمادی الاولی ۱۴۲۱ قمری در ۸۶ سالگی دار فانی را وداع گفت و در جوار مولایش حضرت امام رضا علیه السلام در دارالزهد مدفون گشت.

(۳۰)

شیرازی - سید عبد الله

(۱۳۰۹.ق. - ۱۳۶۳.ش.)

آیت الله العظمی حاج سید عبد الله موسوی شیرازی فرزند
آیت الله سید محمد طاهر موسوی (م ۱۳۴۵.ق.) از مراجع بزرگ

تقلید و از علمای روحانیت در سدهٔ اخیر، شب یکشنبه ۱۳ شعبان ۱۳۰۹ ه.ق. / سوم اسفند ۱۲۷۱ ه.ش. در شهر شیراز پا به دنیا نهاد، مادرش علویه‌ای از خاندان قاضی حسین دزفولی بود.

سید عبدالله پس از فراگیری عرفان و ادب، با مقدمات علوم اسلامی آشنا شد و در محضر پدر و شیخ علی ابوالوردی، میرزا محمد صادق مجتهد و حاج شیخ رضا ثامنی به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و در جمادی الاول ۱۳۳۳ ه.ق. / خرداد ۱۲۹۴ ه.ش. عازم نجف شد. حجره‌ای در مدرسه آخوند خراسانی اختیار کرد و در درس آیات حاج شیخ ضیاء الدین عراقی و حاج شیخ محمد حسین نائینی شرکت جست و بیشترین وقت خود را در محضر سید ابوالحسن اصفهانی سپری کرد و به تدریج، خود دوره خارج فقه و اصول را شروع نمود.

در اواسط سال ۱۳۴۵ ه.ق. قصد وطن کرد و استادش محقق عراقی در اول جمادی الآخر ۱۳۴۵ ه.ق. / ۱۳۰۶ ه.ش. اجازه اجتهاد مطلق به ایشان داد. بازگشت وی به وطن هم‌زمان بود با اعمال سیاست‌های ضد دین رضا شاه و همایش بزرگ علما در قم که با مشارکت آیت الله شیرازی قرین بود.

در جریان کشف حجاب، ایشان به مشهد آمد و با آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی و علمای اعلام مشهد دیدار نمود و پس از رحل اقامت افکندن در مشهد، در شورای آنها که در منزل آیت الله سید یونس اردبیلی دایر می‌شد شرکت می‌جست و پس از کشتار فجیع گوهرشاد و بازداشت علما، ایشان نیز دستگیر و به

رضوی - محمد تقی / ۶۳

تهران اعزام شد. وی پس از پنج ماه آزاد شد و فروردین ماه سال ۱۳۱۵ ه.ش. وارد نجف گردید.

آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در سال ۱۳۲۳ ه.ش.، طی یادداشتی ایشان را به عنوان شخص شایسته مرجعیت معرفی نمود و از مردم خواست در امور دینی به وی رجوع نمایند و رساله عملیه آیت الله شیرازی تحت عنوان *انیس المقلدین* انتشار یافت.

آیت الله شیرازی در جریان نهضت ملی از اقدامات سیاسی آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی حمایت کرد و در جریان لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی سال ۱۳۴۱ و ۱۵ خرداد ۴۲ به دفاع از حریم دین و روحانیت و امام خمینی قدس سره برخاست، تا این که با اعمال فشار حزب بعث عراق، این کشور را ترک گفت و روز ۱۰ آذر ۱۳۵۴ به ایران آمد و پس از سفر به قم و شیراز وارد مشهد شد و به تدریس طلاب و ارشاد مردم پرداخت و در جریان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ زمام امور خراسان را به عهده گرفت و هماهنگ با امام عمل کرد، تا این که ساعت ۱۱/۵ شب ششم مهر ماه سال ۱۳۶۳ ه.ش. / اول محرم ۱۴۰۵ ه.ق. در ۹۲ سالگی به دیدار معبود شتافت و در رواق توحیدخانه حرم مطهر دفن گردید.

(۳۱)

رضوی - محمد تقی

(- ۱۱۴۹ ه.ق.)

میرمحمد تقی از سادات رضوی و مشهور به «میرخدایی»

است. او انسانی زاهد و پارسا بود و نزد مردم جایگاه ویژه‌ای داشت. گویند سالی که شاه سلطان حسین صفوی به مشهد آمد مورد توجه او قرار گرفت. شاه وی را در خانه‌اش ملاقات نمود. میر به هیچ وجه در حق او به قیام و اکرام نپرداخت، شاه از نقد و جنس هر چه تکلیف کرد نپذیرفت مگر قرآنی که دارای خطی بسیار خوش بود. شاه ایشان را به اصفهان دعوت کرد، ولی ایشان از رفتن به اصفهان خودداری نمود. سلطان حسین طی نامه‌ای همه اهالی خراسان را موظف کرد تا او را به اصفهان اعزام کنند، دخالت مردم سودی نبخشید، در همان زمان در مشهد فرد دیگری به نام میرتقی رضوی بود که او نیز از پارسایان به‌شمار می‌رفت، مردم به هر نحوی بود او را راضی کردند و به اصفهان اعزام نمودند. از آن زمان این دو میر که هر دو هم نام و هم‌نسب بودند، اولی «میرخدایی» و دومی «میرشاهی» نامیده شدند.

میرخدایی در سال ۱۱۲۳ شصت جلد کتاب برای بهره‌برداری مؤمنان وقف و تولیت آن را به عهده فرزندش محمد علی و نظارت آن را به عهده عبدالرزاق بن اسماعیل سمنانی نهاد.

میرخدایی در قبرستان قتلگاه دفن شد. و بر اساس ماده تاریخی که شیخ محمد علی حزین لاهیجی گفته است، سال ۱۱۴۹ ه.ق. درگذشت.

(۳۲)

طبرسی - فضل بن حسن

(۴۶۸-۵۴۸.ق.)

فضل بن حسن بن فضل معروف به شیخ طبرسی ملقب به امین الاسلام و امین الملة و الاسلام و مکنی به ابوعلی، در عصر سلاجقه می‌زیست و در فقه، حدیث، ادب، رجال، لغت و علوم ریاضی متبحر بود و شعر می‌سرود. در این عصر طوس مرکز علمی خراسان بود و دانشوران بزرگی در آن زندگی می‌کردند.

ابوالحسن علی بن زید بیهقی (م ۵۶۵.ق.) در تاریخ بیهق از ایشان نام برده، می‌نویسد: وی از تفرش است که معرب آن طبرس می‌باشد. این نظر بیهقی مورد اعتماد است، چون طبرسی سال ۵۲۳ وارد بیهق شده و تا سال ۵۴۸ یعنی ۲۵ سال در این شهر زندگی می‌کرد و بیهقی در این زمان به عنوان مورخ بیهق و نویسنده مشهور آن، در قید حیات بوده است.

طبرسی در بیهق مهمترین کتابهای خود از جمله مجمع البیان را نوشت. او در مدرسه باب العراق بیهق تدریس می‌کرد و مجمع البیان را به درخواست شریف سید جلال الدین ابی منصور محمد بن یحیی بن هبة الله حسینی زیاری نوشت و در ذی القعدة ۵۳۶ از تألیف مجمع فراغت یافت. مجمع البیان به تعبیر استاد شهید علامه مطهری «از نظر ادبی و حسن تألیف بهترین تفسیر است و شیعه و سنی برای این تفسیر اهمیت فراوانی قائلند مکرر در ایران، مصر و بیروت چاپ شده است».

مجمع البیان پس از ارتحال طبرسی مورد توجه همه مسلمانان قرار گرفت. در این تفسیر از افکار صوفیانه یا قصه‌های اسرائیلی خبری نیست.

طبرسی تفسیر مختصری دارد به نام *جوامع الجامع*. وی پس از فراغت از *مجمع البیان*، به تفسیر *کشاف* که توسط معاصر نامدارش جلال‌الله زمخشری (۴۶۷-۵۳۸ ه.ق.) تألیف یافته بود، دست یافت. برخی از نکات ادبی را که از خود وی در *مجمع البیان* فوت شده بود، در *تفسیر جوامع الجامع* با توجه به لطافت کشف نوشت و سال ۵۴۲ آن را به آخر رساند.

طبرسی در خدمت دانشورانی چون سید ابوطالب محمد بن حسین حسینی شیخ القصبی گرگانی، شیخ ابوعلی بن شیخ طوسی، شیخ ابوالوفاء عبدالجبار بن علی مقری رازی، حسن بن حسین بن حسن بن بابویه قمی رازی، شیخ موفق الدین حسین بن افتح واعظ بکرآبادی گرگانی (م ۵۳۶ ه.ق.)، شیخ ابوالحسن عبیدالله بن محمد بن حسین بیهقی، حاکم موفق بن عبد الله عارف نوقانی از مشایخ عامه، شیخ ابو عبد الله جعفر بن محمد دوریستی، و شیخ ابوالقاسم محمد بن حمزه بن نصر کرمانی معروف به تاج قراء کرمانی دانش آموخت، و از آنان اجازه روایی گرفت و چهره‌های برجسته‌ای چون فرزندش شیخ جلیل رضی الدین ابونصر حسن بن فضل طبرسی، حافظ محمد بن علی بن شهر آشوب (م ۵۸۸ ه.ق.)، شیخ منتجب الدین علی بن عبیدالله بن حسن رازی، سید جلیل امام ضیاء الدین فضل الله بن علی بن

عاملی - عبدالعالی / ۶۷

عبیدالله حسینی راوندی کاشانی، شیخ امام قطب الدین ابوالحسن معروف به قطب راوندی، شیخ ابوالفضل شاذان بن جبرئیل قمی و شیخ برهان‌الدین بن محمد بن علی قزوینی همدانی را در مکتب علمی خود پرورش داد و سال ۵۴۸ ه.ق. در ۸۰ سالگی درگذشت و در گورستانی نزدیک حرم معروف به قتلگاه دفن گردید.

(۳۳)

عاملی - عبدالعالی

(۹۲۶-۹۹۳ یا ۹۹۴ ه.ق.)

عبدالعالی فرزند علی نورالدین عاملی کرکی، مشهور به محقق ثانی از فقیهان و محدثان و متکلمان قرن دهم هجری است. وی در سال ۹۲۶ ه.ق. به دنیا آمد و نزد پدر و عالمان دیگر به تحصیل پرداخت. او به بحثهای کلامی رویکرد بیشتری از خود نشان داده است. کتاب *مناظرات* از آثار او است و *امامت* را در رد *نواقض الرافض* میرزا مخدوم شریفی نوشت. کتاب *قبله* به طور عام و خصوص *قبله خراسان* نیز از آثار او است.

الفیه شهید اول را شرح کرد و بیشتر عمر خود را در کاشان سپری نمود و سال ۹۹۳ یا ۹۹۴ ه.ق. در شهر اصفهان فوت کرد و در زاویه منسوب به سید الساجدین دفن گردید و پس از ۳۰ سال جنازه او همراه جنازه شیخ فقیه علی بن هلال کرکی به مشهد انتقال یافت و در محل دارالسیاده به خاک سپرده شد.

(۳۴)

عصار - سیّد محمد

(۱۲۶۴ یا ۱۲۶۵-۱۳۵۶.ق.)

سیّد محمد تهرانی لواسانی متخلص به «عصّار»، «ناظم» و «آشفته»، فرزند محمود از چهره‌های بلند آوازه حوزه، به سال ۱۲۶۴ یا ۱۲۶۵.ق. در تهران به جهان پا نهاد و دوم ذی الحجّه ۱۳۴۰.ق. پس از تلمذ در محضر آیات میرزای شیرازی، میرزای نائینی، میرزای آشتیانی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و نیل به درجه اجتهاد، به مشهد آمد و با وجود ضعف جسمی و از دست دادن یک چشم به تألیف و تصنیف پرداخت. از آن جمله می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

شرحی بر زبده شیخ بهایی، شرح معالم، تفسیر بسم الله و فاتحه الكتاب، شرح لمعه، حجیت خبر واحد، مسأله اجزاء، مسأله بیع به شرط خیاری، مبحث اجتهاد و تقلید، استصحاب و تنبیهات استصحاب، البرکات الرضویه فی تلخیص الفرائد الاصولیه علامه انصاری، رساله‌ای در تجزی و کلام اخباریین و ظاهر کتاب از مباحث عام و خاص، رساله‌ای در قاعده نفی ضرر، رساله‌ای در مبحث ترتیب، تقریرات درس میرزا در وقف، رساله‌ای در مبحث ترتیب، رساله‌ای در عدم اعتبار تساوی سطوح، رساله‌ای در جواز صلاة در لباس مشکوک، شرح کشف الفوائد علامه، شرح کشف الریبه فی الغیبه و النمیمه، الالهامات الرضویه فی شرح الزیارة الجامعة الکبیره، شرح قواعد شهید اول، شرح وجیز بر منظومه سیّد بحر العلوم، وجوه تأمل بر مکاسب مرحوم شیخ مرتضی، توحید کمالی و

اخلاق کمالی، لسان الغیب، بیان الغیب، نسیح الغیب، تشطیر مقدمات گنجینه راز، شرح منظوم گلشن راز، ذیل الارغام و ارغام الشیطان در ردّ بابیه و بهائیه، رساله‌ای در دیات مطابق وجه نقد، حاشیه بر منظومه حاج ملاهادی سبزواری، ناسخ التواریخ به فارسی و تعدادی دیگر از آثار علمی و پریرها که برخی از آنها منتشر شده است و تعدادی نیز به صورت مخطوط در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود.

عصار در سال ۱۳۵۶ ه.ق. در مشهد رخت بر سرای بقا کشید و در صحن جدید حرم مطهر دفن شد. سید محمد کاظم عصار فرزند اوست.

(۳۵)

علم الهدی - سید ابراهیم

(- ۱۳۷۸ ه.ش.)

آیت الله العظمی حاج سید ابراهیم علم الهدی سبزواری از ستارگان پرفروغ آسمان فقه و فقاہت در شهر سبزوار به دنیا آمد و سطح را در آن جا به پایان برد و در محضر شاگردان مکتب حاج ملا هادی سبزواری با مبانی کلامی و حکمی آشنا شد و برای ادامه تحصیل به نجف عزیمت کرد و از محضر آیات عظام حاج آقا حسین قمی، حاج سید ابوالقاسم خویی بخصوص آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی بهره برد و از او به دریافت اجازه اجتهاد نایل شد. پس از هجرت آیت الله میلانی در سال ۱۳۳۳ به مشهد، ایشان نیز به این شهر آمد و در شبستان

۷۰ / گزیده مشاهیر مدفون - ج ۱

گوهرشاد، پس از آن که آیت الله میلانی خارج فقه و اصول تدریس می کرد ایشان به تقریر درس استاد می پرداخت و پس از ارتحال ایشان خود حلقه درسی تشکیل داد و بیش از دو دهه در مدرسه امام صادق علیه السلام به تدریس خارج اصول مبادرت ورزید و شاگردان برجسته ای را در مکتب اصولی خود پروراند. از ویژگی حوزه درسی ایشان می توان به ژرفنگری وی در ارائه مباحث اصولی اشاره کرد.

آیت الله علم الهدی انسانی خلیق، شوخ طبع، ساده زیست و بسیار متواضع بود و بیش از سه دهه در مسجد فرش فروشها (حوض چهل پایه) نماز جماعت اقامه می نمود و به گره گشایی از کار مردم اهتمام می ورزید و در حل مسائل بغرنج قضایی به قضات کمک می کرد. ایشان هیچ گاه سعی نمی کرد شاگردان خود را مقلد بار بیاورد و در طرح مسائل علمی و گشودن گره از معمای آنها از نبوغ خاصی برخوردار بود.

پیکر پاک آیت الله علم الهدی در روز ۱۳ آذر سال ۱۳۷۸ ه.ش. از مسجد فرش فروشها تشییع و در رواق دارالزهد حرم مطهر دفن شد.

(۳۶)

فلسفی - میرزا علی

(۱۲۹۹-۱۳۸۴ ه.ش.)

عالم ربّانی، فقیه، محقق و اصولی مدقق، آیت الله حاج میرزا

علی آقا فلسفی در ربیع‌الثانی ۱۳۳۹ ه.ق. / ۱۲۹۹ ه.ش. در تهران به دنیا آمد و با ولادتش چشم پدر را به چهارمین پسر خانواده، پس از حاج شیخ ابوالقاسم، حاج شیخ محمد تقی و مرتضی روشن ساخت.

پدرش آیت‌الله حاج شیخ محمد رضا تنکابنی (۱۲۸۲-۱۳۸۵ ه.ق.) فرزند شیخ محمد واعظ تنکابنی، از علمای برجسته تهران بود. مرحوم حاج شیخ محمد رضا تنکابنی شش سال از محضر فقهی آیت‌الله حاج شیخ حبیب‌الله رشتی استفاده کرده، سالیانی در مجلس درس اصول فقه آیت‌الله شیخ محمد کاظم آخوند خراسانی، فقه آیت‌الله سید کاظم یزدی و اخلاق و سلوک آیت‌الله حاج ملا حسینقلی همدانی بهره‌مند گردیده بود. از همین رو، وی عالمی جامع و مورد توجه خاص و عالم بود. آیت‌الله حاج میرزا هاشم آملی و آیت‌الله آخوند ملا علی همدانی از شاگردان ایشان بودند. ایشان تقریرات قابل توجهی از اساتید خود داشت که بعدها در اختیار آیت‌الله فلسفی قرار گرفته است. کودکی آیت‌الله فلسفی در تهران گذشت و پس از گذراندن مکتبخانه، در حدود یازده سالگی تحصیل علوم اسلامی را آغاز کرد. دروس مقدمات را نزد برادر ارشد خویش، مرحوم حاج شیخ ابوالقاسم، شیخ حسین نوایی، سید محمد حسین بروجردی و سید محمد قصیر به پایان برد. سپس دروس سطح، لمعه، رسائل مکاسب و کفایه را نزد اساتید آن سامان، و بیشتر از همه نزد پدر خود فراگرفت.

سال ۱۳۲۴ ه.ش. با اتمام کامل دوره سطح در تهران در حالی که ۲۵ سال داشت بار سفر به عتبات بست و در مدرسه سید محمد کاظم یزدی در نجف رحل اقامت افکند و تا سال ۱۳۴۰ ه.ش. در آن دیار به تعلّم و تفقّه و تدریس پرداخت. ایشان پس از ارزیابی دروس تعدادی از بزرگان فقه و اصول نجف، نخست در درس آیت الله شیخ محمد علی کاظمینی، از برجسته‌ترین شاگردان آیت الله نائینی، شرکت جست. پس از فوت استاد، مدت کوتاهی به درس آیت الله سید ابوالقاسم خویی شرکت کرد. وی دو دوره کامل اصول فقه و ابواب متعددی از فقه را در محضر ایشان آموخت و در جلسه استفتاء آیت الله خویی در تعلیق بر *عروة الوثقی* و *وسيلة النجاة* نیز عضویت داشت. در خلال همین سالها، به تدریس سطح مشغول شد و تا پایان اقامت در نجف، تمام دروس سطح اعم از لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه را تدریس نمود. به دلیل تسلط علمی فوق‌العاده و بیان روان و شیوا، دروس ایشان به ویژه کفایه مورد توجه خواص قرار گرفت. در سال ۱۳۴۰ ه.ش. جمعی از متدینین تهران نامه‌هایی را به آیات عظام حکیم و خویی فرستادند تا از آیت الله فلسفی بخواهند به دیار خود بازگردند و اقامه جماعت در مسجد لرزاده میدان خراسان را پس از مرحوم حاج شیخ علی اکبر برهان برعهده گیرد. به این ترتیب، آیت الله فلسفی با کوله‌باری از فقاقت و علم، که اجازه اجتهاد استادش آیت الله خویی گواه آن بود، به تهران مراجعت کرد. در سال ۱۳۴۵ ه.ش. با رحلت پدر و برای انتقال

پیکر ایشان به نجف اشرف و دفن در جوار مرقد امیر مؤمنان علیه السلام به آنجا بازگشت و پس از انجام این وظیفه به تهران آمد.

در تهران علاوه بر اقامه جماعت در مسجد لرزاده، به تدریس دروس خارج برای حوزویان، و پس از اصرار مردم و تأکید برادرشان واعظ شهیر مرحوم حاج شیخ محمد تقی فلسفی، به وعظ و تعلیم معارف اسلامی برای عموم مردم پرداخت. قوت فکری و علمی و مطالعات گسترده برای این مجالس، این دروس را بسیار غنی، و مردم را شیفته شخصیت و جامعیت ایشان ساخت. سال ۱۳۴۹ ه.ش. که خفقان حکومت پهلوی به اوج خود رسیده، و روحانی مبارز آیت الله سید محمد رضا سعیدی در زندان شهید شده بود. مجلس فاتحه‌ای از سوی آیت الله فلسفی در مسجد لرزاده برگزار شد. اما در همان آغاز با دخالت نیروهای رژیم وقت، از ادامه مجلس جلوگیری شد.

آیت الله فلسفی در حدود سال ۱۳۵۰ ه.ش. به درخواست مرحوم آیت الله میلانی ابتدا مدتی کوتاه، و سپس به صورت دائمی به اقامت در جوار عالم آل محمد امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و تدریس در حوزه علمیه مشهد مصمم گردید. این تصمیم مورد استقبال علما قرار گرفت و بلافاصله، دروس خارج ایشان به یکی از پر رونق‌ترین دروس فقه و اصول این حوزه مبدل شد. می‌توان گفت که دروس ایشان چند سال پس از شروع، تا زمان رحلت آن فقید، همواره پر جمعیت‌ترین دروس فقه و اصول حوزه مشهد بود.

ایشان، مبانی فقه و اصول خود را در مدرسه میرزا جعفر، مسجد ملاحیدر، و در دوره‌های اخیر در تالار اصلی مدرسه آیت الله خویی، برای انبوه شاگردان تدریس می‌کرد. درس آن استاد فرزانه، در مقایسه با سایر دروس مشهد و قم، نمونه‌ای کم‌نظیر از شیوایی تعبیر و تقریر، روانی بیان به‌شمار می‌آمد. دهها تن از طلاب و فضیلابی حوزه، از محضر ایشان بهره جستند. بسیاری از آنها در زمان حیات استاد، از مدرّسان خارج فقه و اصول و پژوهشگران برجسته علوم اسلامی به‌شمار می‌آمدند.

نماز جماعت ایشان در مسجد شهدا (بناها)، از جماعت‌های مورد توجه خواص بود که با حال و هوای معنوی اقامه می‌گردید. ایشان در دهه پنجاه شمسی، از ارکان حوزه علمیه مشهد در حمایت از انقلاب اسلامی بود و پس از پیروزی این انقلاب شکوهمند، به انتخاب مردم از استان خراسان به همراه جمعی دیگر از بزرگان حوزه، به عنوان عضو مجلس خبرگان قانون اساسی در مراحل تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شرکت جست.

از برکات آن مرحوم که علاوه بر حوزویان، عموم مردم از آن بهره‌مند بودند، مجالس اعتقادی و اخلاقی بود که ماه‌های رمضان در مسجد شهدا، و به صورت هفتگی در مسجد کوچک جنب منزل ایشان (مسجد موسی بن جعفر علیه السلام) برگزار می‌شد.

مجالس اخلاق ایشان در ماه رمضان، مجلس موعظه‌ای بود که در آن به جای اکتفا به ارشاد نظری، عملاً و بالفعل تأثیر عمیق کلام

و نفس ایشان به صورتی دیرپا در مستمعان می ماند. بیانات ایشان در این مجالس، چنان از صمیم جان و با حرارت خاصی ادا می شد که بارها انبوه جمعیت را به گریه وا می داشت.

گریز آن عالم وارسته از مال و مقام، اگر چه از جنس مناصب دینی همچون مرجعیت باشد بی نیاز از شرح و توضیح بود. همین پرهیز شدید میان ایشان و دو عالم ممتاز دیگر به این خصیصه پیوندی مستحکم داده بود؛ مرحوم آیت الله میرزا جواد تهرانی و مرحوم آیت الله میرزا حسنعلی مروارید.

به هیچ کاری تا از درستی و بایستگی آن مطمئن نمی شد، اقدام نمی کرد. در عین حال، آن جا که پای تکلیف و مسئولیت در میان بود، وارد میدان می شد. ایشان ریاست هیأت مدیره یکی از نخستین صندوق های قرض الحسنه کشور (صندوق قرض الحسنه حوزه علمیه مشهد) را تا پایان عمر برعهده داشت و فعالانه امور آن صندوق و کتابخانه و فروشگاه وابسته به آن را دنبال می کرد. بی تکلف بود و در عین ابهت، بسیار متواضع. او خریدهای مورد نیاز خانواده را خود انجام می داد و گاهی مدتها در صف نانوایی توقف می کرد. دقیق و به دور از مجامله و هرگونه اغراق یا فروکاستی سخن می گفت. حالت غالب ایشان سکوت بود و کلمه ای که به آسانی به زبان می آورد، «نمی دانم» بود.

سرانجام ایشان در عصر هشتم محرم؛ به دلیل سکت قلبی در بیمارستان تخصصی قلب جوادالائمه بستری گردید و ساعتی پیش از اذان ظهر تاسوعای حسینی ۱۴۲۷ ه.ق. / ۱۳۸۴ ه.ش. به

ملکوت حق پیوست.

پیکر آن مرحوم از محل مسجد شهدا به سمت حرم مطهر در فضایی آکنده از اندوه و غم، با حضور اساتید و طلاب حوزه و مردم تشییع گردید. حضور پرشور جوانان در این تشییع، نمایانگر آن بود که فاصله زیاد سنی آن عارف روشن ضمیر با این نسل مانع ارادت و ارتباط صمیمی آنها نبوده است. نماز بر پیکر ایشان به امامت حضرت آیت الله وحید خراسانی در صحن آزادی خوانده شد، و آنگاه در جوار لطف حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام در رواق دارالسرور آرمید.

(۳۷)

قزوینی - مجتبی

(۱۳۱۸-۱۳۸۶ ه.ق.)

آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی فرزند مرحوم شیخ احمد تنکابنی قزوینی از علمای وارسته و دانشوران بلندپایه قرن چهاردهم هجری و از ارکان اصلی مکتب تفکیک است. وی در سال ۱۳۱۸ ه.ق. در یکی از روستاهای قزوین در خانواده‌ای روحانی متولد شد و با مقدمات و مبانی علوم در شهرهای قزوین و تهران آشنا شد و سال ۱۳۳۰ ه.ق. همراه پدر به عراق رفت و مدت هفت سال در شهر نجف از محضر بزرگانی چون سید محمد کاظم یزدی، میرزا محمد تقی شیرازی و میرزا محمد حسین نائینی بهره جست و پدرش مرحوم میرزا احمد که از

شاگردان حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی بود در سال ۱۳۳۲ ه.ق. در نجف فوت کرد.

پس از بازگشت به وطن، دو سال در قزوین ماند و در آنجا با افکار سید موسی زرابادی قزوینی آشنا شد و به سیر و سلوک شرعی روی آورد و از عرفان و اشراق گنوسی و اسکندرانی دیده بازگرفت و به جستجوی اسلام ناب و عرفان و فلسفه اسلامی پرداخت.

در سال ۱۳۳۹ ه.ق. به قم رفت و مدتی از محضر آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه قم استفاده برد و سال ۱۳۴۱ ه.ق. به مشهد آمد و در محله دریا دل جنب تکیه و مسجد علی اکبرها سکونت یافت و ضمن اقامه نماز در مسجد مرویها از معارف بلند بزرگانی چون آقا بزرگ حکیم، میرزا محمد آقازاده، شیخ اسدالله عارف یزدی، شیخ موسی خوانساری، میرزا مهدی غروی اصفهانی و حاج آقا حسین قمی استفاده برد و به مدت چهل سال در حوزه علمیه مشهد به تدریس پرداخت و شاگردان برجسته‌ای را در مکتب فکری خود پرورش داد. ایشان معارف قرآنی و دوره سطح و خارج فقه و اصول را برای عموم طلبه‌ها و متون فلسفی از جمله اشارات و اسفار را برای خواص به روش اجتهادی و همراه نقد تدریس می‌کرد.

در بین سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ ه.ش. بیان الفرقان را در ۵ جلد به رشته تحریر درآورد و رساله‌ای در معرفة النفس، رساله‌ای در نقد اصول یازده‌گانه ملاصدرا شیرازی و آثاری را در برخی از علوم

غریبه نوشت.

او زندگی بسیار ساده‌ای داشت و نمونه‌ای مجسم از پرهیزکاری و پارسایی بود و از طلبه‌های درس‌خوان سخت حمایت و پشتیبانی می‌کرد و به سادات احترام ویژه‌ای قائل بود و روز ۲۲ ذیحجه سال ۱۳۸۶ ه.ق. / ۱۴ فروردین ۱۳۴۶ ه.ش. چشم از سرای سرابین فرو بست و به رحمت الهی واصل گردید و در جانب غربی صحن عتیق دفن شد.

(۳۸)

قزوینی - هاشم

(۱۲۷۰-۱۳۳۹ ه.ش.)

آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی از بزرگان علما و مدرسین قرن چهاردهم هجری حوزه علمیه مشهد است. در سال ۱۲۷۰ ه.ش. در شهر قزوین متولد شد. مقدمات و قسمتی از سطح را در این شهر و تهران آموخت و عازم نجف شد. پس از بهره‌وری از محضر اساتید آنجا به مشهد آمد و مدتی از محضر آیت الله حاج میرزا محمد آقازاده و آیت الله میرزا مهدی غروی اصفهانی استفاده برد و خود به تدریس سطوح عالی و خارج پرداخت و در مدت زمانی نه چندان طولانی توانست با پرورش شاگردان نامدار، تأثیر انکارناپذیری بر فضای علمی و معنوی حوزه مشهد بگذارد. وی رسائل، مکاسب، کفایه و خارج اصول را در مدرسه فاضل‌خان و مدرسه نواب تدریس می‌کرد و به تعبیر مقام معظم

رهبری حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای، حلقات درس او از لحاظ کم و کیف بی‌نظیر بود. آیت الله واعظ طبسی، آیت الله حاج میرزا مهدی نوقانی، استاد محمد تقی شریعتی، استاد کاظم مدیر شانه‌چی، استاد محمد رضا حکیمی، آیت الله صالحی و در رأس همه آیت الله خامنه‌ای از شاگردان مکتب مرحوم قزوینی به‌شمار می‌روند.

بدون تردید مهمترین نقش شیخ هاشم قزوینی، نه تدریس، بلکه تعلیم بوده است. او به نوشته استاد محمد رضا حکیمی، نمونه برجسته یک عالم دینی و یک روحانی اسلامی واقعی بود. مردی خردمند، وارسته، متواضع، هوشیار، متعهد، شجاع، روشن‌بین و بیزار از عوام‌فریبی و انحطاط‌پراکنی و ارتجاع‌گرایی بود، سعه صدر و سعه مشرب مرحوم حاج شیخ هاشم، مورد تأیید همه شاگردان وی است.

آیت الله شیخ هاشم قزوینی در طول حیات خود، در جریانهای مهم سیاسی خراسان شرکت فعال داشت. ایشان از نقش‌آفرینان واقعه گوه‌رشاد بود و در شمار مجتهدینی قرار داشت که پیش از واقعه در منزل مرحوم آیت الله سید یونس اردبیلی، طی تصمیم شجاعانه‌ای به رضاخان تلگراف زدند و عمل وی را در زمینه کشف حجاب نکوهیدند. به همین دلیل صبح روز یکشنبه ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۱۴ ه.ش. همراه امضاکنندگان دیگر، یعنی آیات و حجج اسلام: سید یونس اردبیلی، سید هاشم نجف‌آبادی، سید علی اکبر خوئی پدر سید ابوالقاسم خوئی، حاج میرزا حبیب

۸۰ / گزیده مشاهیر مدفون - ج ۱

ملکی، سید علی سیستانی، شیخ آقا بزرگ شاهرودی، شیخ علی اکبر آشتیانی و سید عبدالله شیرازی بازداشت و پس از هشت روز، شب هنگام به تهران اعزام شدند.

آیت الله قزوینی تا شهریور ۱۳۲۰ اجازه بازگشت به مشهد را نداشت، بعد از سقوط رضاخان با توصیه آیت الله میرزا مهدی اصفهانی و درخواست عده‌ای از فضلا، ایشان مجدداً به مشهد آمد و به تدریس پرداخت.

مرحوم شیخ هاشم قزوینی سرانجام روز ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۸۱ ه.ق. / ۲۲ مهر ۱۳۳۹ ه.ش. درگذشت و جنازه‌اش در راهرو رواق دارالضیافه حرم مطهر رضوی واقع در سمت راست ایوان طلای صحن آزادی که در حال حاضر کفشداری شماره ۷ می‌باشد، به خاک سپرده شد.

(۳۹)

قوچانی - ذبیح الله

(۱۳۲۹-۱۴۱۴ ه.ق.)

حاج شیخ ذبیح الله قوچانی از علما و مجتهدین نامدار معاصر قوچان است، وی در سال ۱۳۲۹ ه.ق. / ۱۲۸۹ ه.ش. در روستای خیرآباد مایوان متولد شد و در ۱۳ سالگی برای تحصیل به شهر قوچان رفت و در مدت سه سال مقدمات را آموخت. سپس به سال ۱۳۴۵ ه.ق. به مشهد آمد، و به تکمیل ادبیات عرب و سطح پرداخت. پس از شش سال توقف در این شهر، سال ۱۳۵۱ ه.ق. به نجف اشرف هجرت نمود و در آنجا در سهای فقه و اصول را نزد

مرحوم آیت الله آقا ضیاء عراقی و آیت الله حاج سید محمود شاهرودی، سید ابوالحسن اصفهانی و سایر اساتید حوزه نجف فراگرفت و پس از ۲۰ سال اقامت در نجف و نیل به درجه اجتهاد، در سال ۱۳۷۱ ه.ق. به قوچان مراجعت کرد و در این شهرستان به ترویج و نشر احکام اسلامی و تدریس علوم دینی پرداخت و پس از ده سال خدمت فرهنگی و علمی در قوچان، در سال ۱۳۸۱ ه.ق. به مشهد عزیمت کرد و مجاورت دائمی حضرت ثامن الحجج علیه السلام را اختیار نمود. او علاوه بر مقام علمی و جامعیت از وارستگی و معنویت والایی برخوردار بود.

از اقدامات مفید وی تأسیس مدرسه علوم دینی محمودیه فاروج است که طلاب علوم دینی تا سطح لمعتین و رسائل در آنجا به تحصیل ادامه می دهند.

شیخ ذبیح الله در کمال زهد و تقوا در مجاورت امام هشتم زندگی می کرد تا این که در سحرگاه روز سه شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۷۲ ه.ش. / سوم شوال ۱۴۱۴ ه.ق. بر اثر سکنه قلبی درگذشت و در میان اندوه فراوان علاقه مندان در صحن آزادی نزدیک ایوان طلا به خاک سپرده شد.

(۴۰)

کلباسی - محمد رضا

(۱۲۹۵-۱۳۸۳ ه.ق.)

حاج شیخ محمد رضا کلباسی فرزند میرزا عبدالرحیم فرزند شیخ محمد رضا (شیخ الاسلام) فرزند حاج محمد ابراهیم

کلباسی صاحب منهج و اشارات و غیره، از خاندانهای اصیل اصفهانی است و نسب او از طرف مادر به سید الفلاسفه میرداماد می‌رسد.

ایشان روز ۲۵ ذی‌قعدة ۱۲۹۵ ه.ق. در اصفهان متولد شد. ابتدا در اصفهان محضر حاج شیخ محمد علی نجفی (ثقة الاسلام) و آخوند ملا محمد کاشانی و مرحوم میرزا جهانگیرخان قشقائی و میرزا محمد باقر حکیم‌باشی به تحصیل پرداخت و مدتی در تهران به محفل درسی حاج فاضل تهرانی و آخوند ملا محمد آملی پیوست و از معارف بلند این دو شخصیت علمی بهره گرفت و در سال ۱۳۲۳ ه.ق. یک سال پیش از انقلاب مشروطیت عازم نجف گردید و خدمت آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی درس خواند و اجازاتی از آنان دریافت نمود. او سپس به اصفهان برگشت و به تدریس و ترویج و عمران بناهای دینی همت گماشت و میرزا سلمان خان رکن‌الملک در تخت فولاد اصفهان برای ایشان مسجدی ساخت.

در جریان اوج‌گیری مخالفت روحانیت با سیاست‌های دینی رضاخان در سال ۱۳۴۶ ه.ق. ایشان همراه حاج آقا نورالله اصفهانی به قم مهاجرت نمود و با سخنرانیهای افشاگرانه خود توانست تأثیر مثبتی در رفع ابهام از ذهن مردم نسبت به سیاستهای رضاخان داشته باشد. نقش مؤثر ایشان موجب دستگیری وی شد و مدت ۷ ماه در بازداشت بسر برد و پس از آن به خراسان تبعید گردید.

شیخ محمد رضا مدت دو سال در مشهد ماند، سپس به اصفهان برگشت و بار دیگر برای اقامت دائم به مشهد آمد و تا پایان عمر یعنی سال ۱۳۸۳ ه.ق. در این شهر بود. و در همه حرکت‌های دینی سیاسی مردم مشهد بخصوص نهضت ملی نفت از گردانندگان اصلی و در عین حال روشن بین نهضت در خراسان بود و از حمایت همه اقشار بخصوص مبارزین ملی و دینی و روشنفکران تحصیل کرده برخوردار بود.

آیت الله کلباسی شب سه شنبه چهارم شوال ۱۳۸۳ ه.ق. در مشهد از دنیا رفت و در صحن عتیق در ایوان مجاور دفتر کشیک‌خانه بالاخیابان دفن گردید.

انیس اللیل در شرح دعای کمیل، نفعات اللیل، مکیال الیقین در شرح اصول دین، دعوة الحسینیه و راهنمای تبلیغ از آثار چاپ شده ایشان است.

(۴۱)

کوهستانی - محمد

(۱۳۵۱ ه.ش.)

شیخ الفقها مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد کوهستانی بهشهری، عالمی ربانی و زاهدی راستین بود. در روستای کوهستان، واقع در شش کیلومتری بهشهر مازندران پا به عرصه وجود نهاد و پس از فراگیری مقدمات و سطوح در مازندران، به مشهد آمد و چند سالی به تحصیل پرداخت. سپس عازم نجف شد

و در درس آیات نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی شرکت نمود و پس از نیل به درجه اجتهاد به وطن مراجعت نمود و علیرغم درخواست مردم بهشهر، ساری و گرگان، در روستای کوهستان توطن کرد.

رفتار معنویش مردمان زیادی را مجذوب وی ساخته بود و همه او را «آقاجان» می خواندند. وجودش منشأ خیر و آبادی بود، در آن روستای کوچک به تدریج مدرسه های فضل، رحمت، فرح، خیر و جمع ساخته شد و از حوزه علمیه او صدها نفر اندیشمند خودساخته بیرون آمد. دانشمند فرزانه شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد از تربیت شدگان مکتب ایشان است.

کرامات زیادی به وی نسبت داده شده است و دو کتاب در شرح زندگی وی به همت دو نفر از فضلاء شمال نوشته و منتشر گردیده است.

آیت الله کوهستانی ماه ربیع الاول سال ۱۳۹۲ ه.ق. پس از چند ماه کسالت از دنیا رخت بست و جنازه اش به مشهد حمل و روز نهم اردیبهشت ۱۳۵۱ ه.ش. در رواق دارالسیاده حرم دفن شد.

(۴۲)

گلپایگانی - حبیب الله

(۱۲۹۷-۱۳۸۴ ه.ق.)

آیت الله مرحوم حاج شیخ حبیب الله گلپایگانی از علما و دانشمندان جامع سده چهاردهم هجری قمری است. وی تابستان

مازندرانی - محمد صالح / ۸۵

سال ۱۲۹۷ ه.ق. در شهر گلپایگان به دنیا آمد و در سنین نوجوانی وارد مدرسه دینی شد، مقدمات را در همان شهر فراگرفت و در ۱۶ سالگی جهت ادامه تحصیل به اصفهان رفت و مدت ۲۱ سال در اصفهان به کسب معارف الهی مشغول گردید و از اصحاب حاج آقا نجفی بود.

در سال ۱۲۹۶ ه.ش. / ۱۳۳۵ ه.ق. به قصد کسب فیض پیاده به مشهد آمد و در مدرسه فاضل خان و پس از خرابی آن در مدرسه خیراتخان به تدریس فقه و تفسیر مشغول گردید و پس از نیم قرن تدریس و اقامه جماعت در مدارس دینی و مسجد گوهرشاد، سحرگاه روز ۲۳ جمادی الآخر ۱۳۸۴ ه.ق. / ۱۳۴۳ ه.ش. پس از قرائت سوره مبارکه و الصّافات دعوت حق را لبیک گفت و پیکر بی جاننش در رواق دارالسلام حرم مطهر به خاک سپرده شد.

(۴۳)

مازندرانی - محمد صالح

(۱۲۹۷-۱۳۹۱ ه.ق.)

علامه حاج شیخ صالح مازندرانی فرزند میرزا فضل الله حائری مازندرانی معروف به «علامه حائری مازندرانی» و «علامه سمنانی» مجتهدی محقق، حکیمی متکلم، محدثی مفسر و ادیبی شاعر بود.

به سال ۱۲۹۷ ه.ق. در شهر کربلا متولد شد، در سنین جوانی در مازندران از حضور والد خود و اعلام دیگر بهره مند شد، بعد

عازم نجف گردید. علوم عقلی را نزد حکیم حاج ملا اسماعیل بروجردی فراگرفت. سالها محضر آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین خلیلی و سید محمد کاظم صاحب عروة الوثقی، خارج فقه و اصول را دوره دید و به درجه اجتهاد رسید.

ایشان در شعر و ادب عربی و فارسی دست داشت و کفایة الاصول آخوند خراسانی را به نظم درآورد و رساله‌هایی در فقه و دیوان شعری به یادگار گذاشت و سالها در مازندران زندگی کرد و بعدها به سمنان رفت و آخرین سالهای عمر خود را در این شهر سپری نمود و به تدریس و تحقیق مشغول بود. سرانجام در سال ۱۳۹۱ ه.ق. / ۱۳۵۰ ه.ش. در شهر سمنان درگذشت و جنازه‌اش به مشهد حمل و در محل دارالسیاده دفن گردید.

(۴۴)

مجتهد خراسانی - میرزا حبیب الله

(۱۲۶۶-۱۳۲۷ ه.ق.)

میرزا حبیب الله مجتهد خراسانی از بزرگترین علمای خراسان در سده گذشته است. او فقه را با فلسفه و عرفان را با ادب درآمیخت و از مرز صورتها به اعماق رازآلود معارف دینی راه جست و به تکمیل نفس و سیر در عالم باطن روی آورد.

میرزا حبیب الله فرزند میرزا هاشم (۱۲۰۹-۱۲۶۹ ه.ق.) نوه میرزا هدایت الله مجتهد (۱۱۷۸-۱۲۴۸ ه.ق.) و نبیره میرزا مهدی خراسانی (۱۱۵۲-۱۲۱۸ ه.ق.) است. وی شامگاه یکشنبه ۹

جمادی الاول سال ۱۲۶۶ ه.ق. سوم فروردین ۱۲۲۵ ه.ش. به دنیا آمد که فردای آن مشهد از فتنه حسن خان سالار و محمد خان بیگلربیگی، پسران اللهیارخان آصف الدوله رها شد و سلطان مراد میرزا حسام السلطنه اوضاع شهر را به دست گرفت.

میرزا در سال ۱۲۶۹ ه.ق. در سومین سال حیات خود، پدر را از دست داد و مادر او «حاجیه آغا بزرگ» پس از چندی همسر برادر شوهر خود، حاج میرزا حسن مشیر شد. با این حال میرزا هرگز از تحصیل دانش باز نماند و پس از اخذ علوم ادب، فقه و اصول از محضر حاج میرزا نصرالله عازم نجف شد. وی با ادبا و متفکرین شهرهای کاظمین و بغداد نیز در ارتباط بود و زبان فرانسه را فراگرفت و از آموزه‌های عرفانی میرزا مهدی گیلانی متخلص به «خدیو» متأثر شد.

خدیو گیلانی به پیشنهاد میرزا حبیب، همراه میرزا زین العابدین و ملا غلامحسین شیخ الاسلام به مشهد آمدند و در مشهد عده‌ای به آنها ملحق شدند و در سراچه بیرونی منزل میرزا هدایت الله، پدر بزرگ حاج میرزا حبیب سکونت اختیار کرده و کتابخانه‌ای تشکیل دادند، تالاری برای نشیمن و خلوتگاهی برای عبادت، آماده ساختند و انجمنی را سامان دادند و طی زمان کوتاهی حاج ملا عباسعلی فاضل و میرزا محمود قدسی نیز به مجموعه آنها پیوستند و تلاشهای علمی و عملی اصحاب سراچه در شهر مشهد بازتابی گسترده یافت و همین امر موجب مخالفت عده‌ای از قشربون شد و اصحاب پراکنده گشتند و میرزا به سامرا رفت و

چندین سال در بحث میرزای شیرازی حضور یافت و مورد توجه وی قرار گرفت و دو رساله «تعدل و تراجیح» و «الباس مشکوک» را از تقریرات میرزا فراهم ساخت.

میرزا حبیب سال ۱۲۹۹ ه.ق. به مشهد مراجعت کرد و تا سال ۱۳۱۶ ه.ق. به امور دینی مشهد و تدریس مشغول بود. در ایران و عراق نامور گردید و با تأکید او، شبیه‌خوانی و تعزیه‌گردانی و برخی از رسمهای غلط متوقف شد. همه ریاست خراسان به تعبیر افضل الملک با ایشان بود.

میرزا حبیب در سال ۱۳۱۶ ه.ق. با سید ابوالقاسم درگزی عارف معروف آشنا شد و چنان تحت تأثیر او قرار گرفت که یک‌باره دست از ریاست دینی کشید، و خلوت‌نشین شد. استقبال خوشی از جریان مشروطه نداشت، هر چند مخالفت خود را نیز چندان آشکار نکرد تا این که عصر روز ۲۷ شعبان ۱۳۲۷ ه.ق. / ۱۲۸۷ ه.ش. در بحرآباد، در پی عزم مهاجرت از ایران درگذشت و پیکر پارسایش در حرم امام رضا علیه السلام بالای صفه شاه طهماسب، در سردابه‌ای که نیای بزرگوارش سید محمد مهدی شهید به خاک سپرده شده بود، دفن گردید.

میرزا، روح بیدار زمان خود بود، از حرکت‌های سیاسی و فرهنگی عصر خود آگاهی داشت و شعر می‌سرود، و دیوانی از وی برجای مانده است که به همت مهندس علی حبیب به چاپ رسیده است.

(۴۵)

محمای - غلامحسین

(- ۱۳۳۳.ش.)

مرحوم حاج شیخ غلامحسین محمای بادکوبه‌ای فرزند شیخ اباصلت، از علمای جامع و متعبدان زاهد و مجاهدین راه خدا بود و بخش اعظم حیات خود را در مشهد سپری کرد.

مرحوم محمای پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م شوروی در آذربایجان شوروی سابق، در یکی از روستاهای بادکوبه در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان باز کرد. پدرش شیخ اباصلت بادکوبه‌ای چهره برجسته دینی آن دیار بود که پس از درگذشت حاج شیخ غنی بادکوبه‌ای، مرجع دینی آن سامان گردید.

شیخ غلامحسین محمای پس از تحصیلات ابتدایی از بادکوبه رهسپار مشهد شد و در مدرسه خیرات‌خان حجره گرفت و به تحصیل علوم دینی روی آورد و خارج فقه و اصول را پس از اتمام سطح، نزد آیات میرزا محمد آقازاده، حاج آقا حسین قمی و میرزا مهدی غروی اصفهانی خواند و حکمت را از محضر آقا بزرگ حکیم بهره برد. بیشترین بحث و فحوص را در مباحث معارف اسلامی و قرآنی دنبال کرد و از علاقمندان نزدیک مکتب مرحوم میرزا مهدی بود.

محمای در دفاع از مقدسات دینی و ارزشهای اسلامی بسیار سرسخت بود و در مقام ادای تکلیف سیاسی و اجتماعی سخن احدی در او اثر نداشت و او را از انجام وظیفه باز نمی‌داشت.

۹۰ / گزیده مشاهیر مدفون - ج ۱

شاید همین خصوصیت موجب پیوند عمیق میان ایشان و شهید نواب صفوی شد.

او به جوانان و رفع شبهات آنها توجه داشت. با مردم مهربان و متواضع بود، قرآن را بسیار تلاوت می‌کرد و اهل ذکر و تهجد و توسل بود و تا آخر عمر، زندگی خود را وقف خدمت به جامعه کرد و سال ۱۳۳۳ ه.ش. در مشهد درگذشت و در جوار حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. مرحوم شیخ محمد رضا محامی و شیخ مرتضی محامی فرزندان ایشان هستند.

(۴۶)

محقق سبزواری - محمد باقر

(۱۰۱۷-۱۰۹۰ ه.ق.)

مولی محمد باقر فرزند مولی محمد مؤمن خراسانی، مشهور به فاضل و محقق سبزواری از مشاهیر علما و فقها و اندیشمندان جامع قرن یازدهم هجری است. وی به سال ۱۰۱۷ ه.ق. در روستای نامن سبزواری به دنیا آمد. روزگار جوانی را در اصفهان گذراند و تحت تأثیر مکتب اصفهان، در هر دو قلمرو فقه و فلسفه به کمال رسید. او از بزرگان اصحاب مجلسی اول و شاگردان بلندپایه شیخ بهایی بود و در علوم نظری از شاگردان میرزا ابوالقاسم فندرسکی و قاضی معز است و از شیخ بهایی و سید حسین بن حیدر علی اصفهانی و حسن قائمی رضوی و ملا حسنعلی فرزند ملا عبدالله شوشتری روایت می‌کند و مولی حاج

حسین نیشابوری مکی و مولی محمد یوسف دهخوارقانی تبریزی و خواهرزاده اش آقا جمال خوانساری (متوفی ۱۱۲۵ ه.ق.) و مولانا محمد سعید رودسری و سید عبدالحسین حسینی خاتون آبادی، صاحب کتاب وقایع السنین و الاعوام، از شاگردان وی هستند و آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۹ ه.ق.) از او اجازه دارد.

محقق سبزواری چندین سال در اصفهان منصب امامت جمعه و شیخ الاسلامی داشت و در مدرسه مولی عبدالله شوشتری تدریس می کرد و با فیض کاشانی، معاصر و هم فکر بود. از احترام شاه عباس دوم برخوردار بود و شعبان سال ۱۰۶۸ ه.ق. شاه عباس طی فرمانی که در آن مقام علمی محقق را بسیار ستوده، از وزیر مستوفی السلطنه اصفهانی خواسته است تا همه ساله از بابت وجوهات و محصولات دارالسلطنه در وجه ایشان مقرر دارد.

داشتن مناصب دینی و سیاسی و افکار و اندیشه های ویژه و نوگرایانه محقق، دشمنان فراوانی را برای او رقم زد. شاید به همین دلیل محقق از اصفهان به مشهد هجرت کرد و سال ۱۰۸۳ مدرسه سمیعیه مشهور به مدرسه باقریه را از مال واقف آن تجدید بنا نمود و در آن جا به تدریس مشغول گردید و تعدادی کتاب و املاک به آن وقف کرد.

ایشان هفتم ربیع الاول ۱۰۹۰ ه.ق. در مشهد درگذشت و بنا به وصیتش در مدرسه میرزا جعفر، کنار قبر شیخ محمد عاملی و ملا میرزا شیروانی و فرزند شیخ دفن شد. فرزندان او مولانا محمد هادی و مولانا میرزا جعفر، هر دو اهل علم بودند.

محقق شعر می سرود و آثار پربهایی را در طول حیات خود آفرید. دفع شبهة الاستلزام، ذخيرة المعاد در شرح ارشاد الازهان در فقه، كفاية الاحكام در فقه چاپ سال ۱۲۶۹ و ۱۲۷۰ ه.ق.، روضة الانوار عباسی در آداب ملوک، حکمت عملی و سیاست مدن، رساله‌هایی در غنا و صلاة جمعه و رساله عملیه از شناخته شده‌ترین آثار ایشان است.

(۴۷)

مدرّس - میرزا عبدالرحمن

(۱۲۶۸-۱۳۲۸ ه.ق.)

میرزا عبدالرحمن فرزند حاج میرزا نصرالله از حکما، ادبا و شعرای قرن ۱۳ هجری است. وی در اصل اهل شیراز بود و روز ۱۲ شعبان ۱۲۶۸ ه.ق. در این شهر متولد شد و در ۱۱ سالگی همراه پدر به مشهد آمد و محضر پدر و میرزا احمد مدرّس آستان قدس، حاج ملا هادی سبزواری و حاج محمد رحیم بروجردی شاگردی کرد و پس از پدر، سال ۱۲۹۱ ه.ق. به عنوان مدرّس اول آستان قدس برگزیده شد و در کنار آن به تألیف و تحقیق روی آورد که از جمله تألیفات وی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

تعلیقات معالم الاصول، حواشی شوارق الالهام، حواشی شرح تذکرة خفزی، حواشی تحریر اقلیدس، شرح رساله عروض میرزا نصرالله و تاریخ علمای خراسان که به درخواست ناصرالدین شاه و تشویق اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا وزیر علوم نوشته شد. در این کتاب شرح

حال علما و دانشورانی منعکس شده است که از سالهای ۱۱۳۶ تا ۱۲۹۴ ه.ق. در مشهد می‌زیسته‌اند. تاریخ علمای خراسان روز چهارم ذی‌قعدة سال ۱۲۹۴ ه.ق. به اتمام رسید و استاد محمّد باقر ساعدی آن را همراه با ضمایمی که خود افزوده است، در سال ۱۳۸۲ ه.ق. به زیور چاپ آراست. میرزا عبدالرحمن در شمار یاران طریقتی سلسله ذهبیه بود و به سال ۱۳۲۸ ه.ق. در ۷۰ سالگی زندگی را بدرود گفت و در ایوان طلای صحن نو دفن شد.

(۴۸)

مدّرس یزدی - میرزا احمد

(۱۳۰۶-۱۳۹۱ ه.ق.)

آیت الله حاج میرزا احمد مدّرس یزدی از علمای اعلام و مدرسین بلندپایه و پارسای حوزه علمیه مشهد بود. در سال ۱۳۰۶ ه.ق. در یزد متولد شد و پس از پشت سر گذاشتن آموزش مقدمات و سطح عازم مشهد شد و در درس خارج آیات سید عباس شاهرودی، میرزا محمّد آقازاده و حاج آقا حسین قمی شرکت نمود و از معارف بلند آنها برخوردار گردید و خود سالها به تدریس شرح لمعه، قوانین، مکاسب و کفایه اشتغال یافت. نظم و ترتیب درسی، بی‌آلایشی و تواضع استاد موجب شد که صدها فاضل در پای درس او شرکت کنند و از محضر پرفیض بهره ببرند.

ایشان ضمن تدریس در مسجد ملا هاشم اقامه جماعت

می‌نمود و زندگی خود را از محل درآمد مزرعه‌ای که از همسر اولش در اختیار داشت، اداره می‌کرد و در طول شصت سال اشتغال به تدریس، هرگز از وجوه شرعی استفاده ننمود، تنها یکی دو سال آخر عمر که توان خویش را به کلی از دست داده بود، از روی اجبار به قدر کفاف از این وجوه برای تأمین معیشت خود بهره گرفت.

وی سحرگاه شب ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۹۱ ه.ق. / ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۰ ه.ش. دار فانی را وداع گفت و روز بعد پیکرش در محل دارالسیاده حرم دفن شد.

(۴۹)

مروارید - حسنعلی

(۱۳۲۹-۱۴۲۵ ه.ق.)

عالم ربانی، متأله قرآنی، و استاد مکتب معارف اهل بیت علیهم‌السلام، آیت الله حاج میرزا حسنعلی مروارید، هشتم شوال ۱۳۲۹ ه.ق. در مشهد مقدس پا به عرصه حیات نهاد. پدرش حاج شیخ محمد رضا مروارید (۱۲۹۹-۱۳۳۸ ه.ق.) از عالمان وارسته بود و با حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی عقد اخوت داشت. شهرت «مروارید» در خاندان ایشان، با یکی از مشهورترین رجال ادب و هنر خوشنویسی، خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید کرمانی (۸۶۵-۹۵۵ ه.ق.) آغاز می‌شود. سام میرزا محمد مؤمن پسر خواجه عبدالله مروارید از اساتید خط نسخ و ثلث بود و افشان

بیخته را ایشان اختراع کرده است. عمومی آیت الله مروارید، نیز از علما و شاگردان آخوند محمد کاظم خراسانی بوده است. جد مادری ایشان، آیت الله حاج شیخ حسنعلی تهرانی (م ۱۳۲۹ ه.ق.) است که از شاگردان برجسته مرجع بزرگ، آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی و از عالمان نامدار قرن ۱۴ در مشهد مقدس بوده است و نام حسنعلی، به یاد او و به احترام حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی بر آیت الله مروارید نهاده شده است.

آیت الله میرزا حسنعلی مروارید، در سال ۱۳۳۷ ه.ق. و در اوایل ۹ سالگی پدر را از دست داد و بر اساس وصیت پدر تحت نظارت حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی، و تربیت مادر (متوفای ۱۳۶۰ ه.ش.) که مشهور به مواظبت بر دعا و مداومت عبادت بود، قرار گرفت. در ۱۳ سالگی به دلیل علاقه زیاد به علوم اسلامی وارد حوزه علمیه مشهد شد و در مسیر دانش‌ورزی، نزد عالمانی چون حاج شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی و علامه حاج شیخ هاشم قزوینی کسب علم نمود. برجسته‌ترین استاد ایشان، آیت الله میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ ه.ق.) بود، و مباحث تخصصی فقه و اصول و معارف اهل بیت علیهم‌السلام را در محضر ایشان فرا گرفت.

آیت الله مروارید مدتی پس از فوت استاد خویش میرزا مهدی اصفهانی در مشهد به تدریس خارج فقه و معارف دینی پرداخت، و قریب چهل سال جویندگان علوم و معارف اسلامی را از دروس علمی و عملی خود بهره‌مند ساخت.

آیت الله مروارید سالیان متمادی با مرحوم آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی هم درس و هم بحث بود. او بر معارف اهل بیت علیهم السلام و تفسیر روایات تسلط داشت.

کتاب *تنبیها ت حول المبدأ و المعاد خلاصه ای از درس های معارف ایشان است که در دوره های متعدد به تدریس آنها پرداخته بود و بنا به خواهش تنی چند از شاگردان خویش، آن را به صورت کتابی مستقل به رشته تحریر درآورد.*

دو مدرسه علمیة بعثت و سعادت توسط ایشان تأسیس شد و در مدرسه میرزا جعفر، مسجد حاج ملا هاشم و مسجد ملا حیدر امامت جماعت را به عهده داشت و نمازهایش، از دیرباز مورد استقبال مجاوران و زائران و محل اجتماع فضلا و علما بود.

مرحوم آیت الله مروارید هر روز به حرم حضرت امام رضاعالی مشرف می گردید و تا آخر عمر با وجود کهولت سن و ضعف بنیه این رسم را ترک نکرد.

او در سی سالگی با یکی از خویشاوندان مادری از خاندان آیت الله حاج شیخ محمد تقی بجنوردی (متوفای ۱۳۱۴ ه. ش.) ازدواج کرد و ثمره آن هفت پسر و سه دختر بود. ایشان به تعلیم و تربیت فرزندان اهتمام بسیار داشت و فرزندان و دامادها و بیشتر نوه های ایشان از مدرسان سطوح عالی و خارج فقه و اصول در حوزه علمیة مشهد می باشند.

بدون تردید یکی از مهمترین بخش های حیات وی مبارزات سیاسی و مشارکت های اجتماعی ایشان بود.

ایشان روز دوازدهم فروردین سال ۱۳۴۲ ه.ش. همراه آیت الله شیخ مجتبی قزوینی و حسین وحیدی و میرزا جواد آقا تهرانی با ارسال تلگرام به آیت الله گلپایگانی ضمن بیان مراتب تأثر خود نسبت به حادثه دلخراش فیضیه مخالفت خود را با سیاست‌های دینی و فرهنگی شاه اعلام نمودند.

شب ۲۷ فروردین سال ۴۳ در پی آزادی امام خمینی و بازگشت ایشان از تهران به قم، آیت الله حسنعلی مروارید همراه آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی و آیت الله میرزا مهدی نوقانی و سید محمد مظلومی، فردوسی‌پور و سید عباس سیدان و متجاوز از ۴۰ نفر از طلاب و بازاریهای مشهد عازم قم شدند و در سپیده‌دم با امام خمینی دیدار نمودند. در این دیدار آیت الله خزعلی سخنرانی نمود و عصر همان روز امام با علمای مشهد در منزل آیت الله خزعلی دیدار نمود.

با تبعید امام خمینی در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه، در پی اعتراض ایشان به کاپیتولاسیون آیت الله مروارید همراه آیات حاج آقا حسن قمی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، میرزا احمد مدرس یزدی، میرزا جواد آقا تهرانی و حاج شیخ کاظم دامغانی و مدرسین برجسته دیگر حوزه، در منزل آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی حضور یافتند و پس از مذاکره و تبادل نظر تصمیم جدی برای مبارزه با رژیم و خنثی کردن سیاست‌هایش گرفتند.

آیت الله مروارید در جریان زلزله خونبار جنوب خراسان که روز نهم شهریور سال ۱۳۴۷ اتفاق افتاد و در پی آن شهرهای

کاخک و فردوس، با خاک یکسان شدند و بیش از ۱۶۰۰۰ نفر جان باختند، همراه آیت الله خامنه‌ای و آیت الله طیبی شهید هاشمی‌نژاد به حمایت از مردم زلزله‌زده جنوب خراسان برخواست.

آیت الله مروارید همراه میرزا جواد آقا تهرانی و شهید هاشمی‌نژاد در ۱۹ خرداد ۵۴ در اعتراض به عملکرد رژیم و پشتیبانی از مبارزه حوزه قم و اعلان انزجار از دستگیری طلاب مدرسه‌های فیضیه و دارالشفا درس خود را تعطیل نمود.

آیت الله طیبی در این جریان بازداشت شد و پس از آزادی از زندان در آبان سال ۱۳۵۶ در مسجد ملا هاشم که امام جماعت آن را آیت الله مروارید به عهده داشت، بعد از نماز به تدریس می‌پرداخت.

در جریان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، ایشان عضو شورایی بود که در بیت آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی در خصوص مسائل مهم سیاسی، اجتماعی و انقلابی تصمیم‌گیری می‌کردند. ایشان در شمار کسانی بود که در راستای انقلاب اسلامی و تحقق نظام جمهوری اسلامی گام برداشتند و کمتر اعلامیه گروهی است که در روزهای سرنوشت‌ساز انقلاب در مشهد از سوی علمای حوزه صادر شد، و نام و امضای ایشان در پای آن نباشد. در حرکت‌های اعتراض‌آمیز علما نیز در همه رویدادهای مهم مشارکت جدی داشتند.

آیت الله مروارید از بُعد اخلاقی و عبادی کم‌مانند بود. او هرگز

مصطفوی - سید جواد / ۹۹

کسی را به خود دعوت نکرد. به پارسایی در دنیا زیست و فروتنی و مهربانی را اساس کار خود قرار داد. نماز را محور سلوک و ذکر و دعا را عمده‌ترین راه تعالی معنوی می‌دانست. به نوافل تأکید می‌ورزید و در کتمان کمالات روحی و کرامات نفسی مهارتی تام داشت و سرانجام در سن ۹۶ سالگی شامگاه سه‌شنبه نوزدهم شعبان ۱۴۲۵ ه.ق. / ۱۴ مهر ۱۳۸۳ ه.ش. پس از قرائت زیارت عاشورا و آل یس، در پی سکت قلبی از این دیار رخت بر بست و به لقای حق شتافت و پیکر ایشان در رواق دارالسرور به خاک سپرده شد. مقام معظم رهبری و مراجع تقلید، در پیام‌های تسلیت خود، ایشان را بقیه السلف زهاد و عباد، مرزبان مخلص مکتب اهل بیت علیهم‌السلام خوانده‌اند.

(۵۰)

مصطفوی - سید جواد

(۱۳۰۱-۱۳۶۸ ه.ش.)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید جواد مصطفوی فرزند مرحوم سید محسن مصطفوی از علما و دانشمندان معاصر است که سالها در سنگر تعلیم و تربیت اسلامی در حوزه و دانشگاه به تدریس اشتغال داشته است.

وی روز دوم اردیبهشت ماه ۱۳۰۱ ه.ش. در خانواده‌ای روحانی و متدین در روستای طرق حومه شهر مشهد متولد شد. چون آغاز تحصیل وی مصادف با زمان حکومت ضد اسلامی

رضاخان و تعطیل شدن و از رونق افتادن مدارس علوم دینی بود، بعد از مدتی رفتن به مکتب و آشنایی با قرآن مجید، به تحصیلات رسمی دبستان و دبیرستان پرداخت و در سال ۱۳۲۱ ه.ش. به اخذ دیپلم متوسطه نایل گشت و به تحصیل علوم دینی روی آورد. ابتدا در مدرسه خیرات‌خان و سپس در مدرسه دو در و بالاخره در مدرسه نواب حجره‌ای گرفت و در خدمت استادان دانشمند و مبرز می‌ماند ادیب نیشابوری مطول و مغنی، سید احمد مدرس یزدی شرح لمعه، شیخ هاشم قزوینی رسایل و مکاسب و کفایة‌الاصول، شیخ مجتبی قزوینی شرح تجرید علامه و شیخ هادی کدکنی قسمتی از اشارات را فراگرفت و دروس سطح حوزه را در مشهد به پایان رسانید.

در اواخر سال ۱۳۳۰ ه.ش. پس از ازدواج جهت تکمیل تحصیلات به تهران رفت و در مدرسه مروی حجره گرفت. وی ضمن تدریس در این مدرسه تحصیلات دروس خارج حوزه را آغاز نمود. مرحوم مصطفوی در دروس خارج آیت الله سید احمد خوانساری و شرح منظومه آیت الله قاضی شرکت کرد و دانش خود را در علوم عقلی و نقلی افزایش داد و تصمیم گرفت که اندوخته‌های علمی خود را در اختیار نسل جوان قرار دهد. به این انگیزه از سال ۱۳۳۱ ه.ش. به خدمت وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) درآمد و در مدارس دولتی به خدمت مشغول شد. در سال ۱۳۳۲ ه.ش. به دانشکده معقول و منقول تهران (الهیات کنونی) راه یافت و پس از سه سال به اخذ دانشنامه

لیسانس در رشته معقول و منقول دست یافت. سپس در دوره دکترای همین رشته به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۳ پایان‌نامه خود را با عنوان «رابطه قرآن و نهج البلاغه» گذراند، و به دریافت درجه علمی دکتری موفق گردید.

هر چند از سال ۱۳۴۲ ه.ش. در هر هفته چند ساعتی در دانشکده الهیات به تدریس مشغول بود، اما چند سال بعد به زادگاهش مشهد مراجعت نمود و از سال ۱۳۴۸ ه.ش. رسماً به دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و تا پایان عمر در این دانشکده به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. در این دوره علاوه بر این که دانش‌آموختگان فراوانی از محضرش استفاده بردند تألیفات چندی از خود به یادگار گذاشت. استاد دکتر مصطفوی در سال ۱۳۶۲ ه.ش. به حکم مقام تولیت آستان قدس رضوی به ریاست دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد منصوب شد و برای پی‌ریزی تشکیلات این مرکز آموزشی نو بنیاد زحمات فراوانی متحمل گردید. در مرداد ماه سال ۱۳۶۳ که نخستین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام در همین دانشگاه برگزار شد، برای برپایی آن به عنوان دبیر کنگره و ارائه مقاله‌ای تحقیقی تلاش و کوشش فراوانی به عمل آورد. هر چند این کارهای اجرایی را به نحو مطلوب به سامان رسانید، اما بیشترین دلبستگی ایشان به تحقیق و تألیف بود و اوقات خود را صرف ایجاد آثار علمی می‌کرد.

ایشان زندگی را توأم با همین فعالیتها سپری می‌نمود تا این که

برای عمل جراحی در بیمارستان امام رضای مشهد بستری شد و دو روز پس از عمل جراحی بر اثر سکته قلبی در ۶۷ سالگی درگذشت و روز بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ پیکر پاکش تشییع گردید و در یکی از حجرات شرقی صحن آزادی در جوار حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.

(۵۱)

میرزا هدایت الله

(۱۱۷۸-۱۲۴۸ ه.ق.)

میرزا هدایت الله فرزند ارشد میرزا مهدی شهید، از علما و فقهای نامدار خراسان عصر خود بود و در تمام خطه خراسان نفوذ تام داشت. رجب سال ۱۱۷۸ ه.ق. در مشهد به دنیا آمد. در جوانی از محضر پدر بهره برد و در فقه، فلسفه، کلام و علوم ریاضی تخصص یافت و پس از درگذشت پدر، ریاست عامه خراسان را به عهده گرفت. مرصع اهدایی فتحعلی شاه قاجار به دست ایشان به ضریح حرم نصب شد. وی از هر فرصتی برای ایجاد آرامش و دفاع از حقوق محرومین و رشد جامعه‌گرایی استفاده می‌کرد. با وساطت ایشان، جریان بازداشت محمد ولی میرزا در حدود سال ۱۲۳۰ ه.ق.، از سوی اسحاق خان قرائی، که با دخالت رضا قلی خان زعفرانلو و خوانین دیگر محلی داشت که به یک غائله بزرگ تبدیل می‌شد، کنترل شد.

او در جلسه‌ای که رضا قلی خان زعفرانلو، حاکم قوچان و

نجفعلی خان کُرد شادلو حاکم بجنورد و اسفراین و بیگلرخان چاپشلو حاکم درگز و اسحاق خان قرائی و دیگران در آن حضور داشتند، اظهار کرد: مخالفت با فتحعلی شاه که در هر ناحیه پسری فرمانگزار دارد، کار ساده‌ای نیست. اما اکنون که شما کار را به این جا رسانده‌اید، بهتر است شخصی را به امیری خود انتخاب نموده، تحت فرمان وی به مبارزات خود ادامه دهید. خوانین خراسان گفتند: اسحاق خان بر همه ما سر است. میرزا هدایت الله با هوشمندی گفت: کار به کردار است نه به گفتار، اگر این سخنان را از در صدق می‌گویید برخیزید و در برابر او به پا ایستید.

خوانین که سخت برآشفته بودند گفتند: ما را حشمت و حب و شرافت نسب از اسحاق خان بالاتر است. ما نمی‌توانیم خادم او باشیم.

با این سیاست، خوانین، مشهد را ترک گفتند و اسحاق خان در برابر حکومت مرکزی سر به فرمان نهاد و نزد محمد ولی میرزا رفت و حکومت خراسان را به او سپرد.

در زمانی که شجاع‌السلطنه حاکم خراسان از حکومت عزل گردید و به تهران رفت، سید محمد خان کلاتی به دستگیری ترکمانان بنای تجاوز را پایه‌ریزی کردند و شهر مشهد ناامن شد. میرزا هدایت الله سید جلیل، قربان نیشابوری را که از شاگردانش بود به کلات فرستاد تا او را با نصایح مشفقانه به اطاعت دولت درآورد. تدبیر و درایت او اثر گذاشت و آرامش بار دیگر به جامعه بازگشت.

میرزا هدایت الله هفتم رمضان سال ۱۲۴۸ ه.ق. درگذشت و در صفة شاه طهماسب داخل حرم مطهر دفن شد. تفسیر محققانه‌ای بر ده جزء اول و ده جزء آخر قرآن دارد. هدایة العوام در فقه نیز از آثار اوست. میرزا هاشم مجتهد، میرزا عسکری امام جمعه، میرزا ذبیح الله و میرزا محمد فرزندان ذکور وی هستند.

(۵۲)

میلانی - سید محمد هادی

(۱۳۱۳-۱۳۹۵ ه.ق.)

آیت الله العظمی سید محمد هادی حسینی میلانی از فقهای نامدار شیعه در روز هشتم محرم سال ۱۳۱۳ ه.ق. در خاندان علم و تقوا در نجف به دنیا آمد، جد اعلایش شریف سید علی اکبر با ۲۶ نسل به «علی اصغر» فرزند امام علی بن حسین علیه السلام می‌رسد. او به درخواست مردم مؤمن «اسکوچای» و «میلان» و موافقت نقیب سادات حسینی مدینه به آنجا هجرت کرد.

مرحوم آیت الله میلانی، مقدمات را نزد شیخ ابراهیم همدانی و آخوند ملا حسن تبریزی خواند و مطول را از محضر آیت الله شیخ ابراهیم سالیانی و سید جعفر اردبیلی و میرزا علی ایروانی و شیخ ابوالقاسم مامقانی فرا گرفت و در دوره خارج فقه و اصول از محضر آیت الله شیخ الشریعة اصفهانی، آیت الله شیخ آقا ضیاء عراقی، آیت الله میرزا حسین نائینی، و آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی بهره جست و به مقام رفیع اجتهاد نایل شد. فلسفه را از

میلانی - سید محمد هادی / ۱۰۵

سید حسین بادکوبه‌ای و شیخ محمد حسین اصفهانی، کلام و مناظره و تفسیر را از آیت الله شیخ محمد جواد بلاغی و اخلاق را از سید میرزا علی قاضی و سید عبدالغفار مازندرانی و ریاضیات را از سید ابوالقاسم خوانساری آموخت و در طول حیات علمی خود بیش از ۱۵۰۰ اجازه روایی از علمای برجسته دریافت کرد و با همکاری علامه طباطبایی، آیت الله سید صدرالدین جزایری و شیخ علی قمی طی ۸ سال و سائل الشیعه را تصحیح کرد.

آیت الله میلانی در سال ۱۳۵۹ ه.ق. به سوریه و لبنان سفر کرد و در این سفر با آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین، آیت الله سید محسن امین، آیت الله شیخ حبیب آل ابراهیم، آیت الله میرزا حسن لواسانی و حجت الاسلام شیخ محمد تقی صادق در شهرهای صور، دمشق، بعلبک، غازیه و نبطیه ملاقات کرد و از اندوخته‌های علمی آنان بهره برد.

آیت الله میلانی فعالیت سیاسی خود را از دوران جوانی در عراق آغاز کرد. وی در جریان جنگ مردم مسلمان عراق علیه حضور انگلیس در این کشور که به رهبری مراجع دینی صورت گرفت، همراه میرزا مهدی فرزند آخوند خراسانی، شیخ جواد جواهری پسر صاحب جواهر، آیت الله سید علی داماد و برخی دیگر از هم‌دوره‌های خود، در این رویداد بزرگ اجتماعی شرکت جست.

وی در سال ۱۳۳۲ ه.ش. جهت زیارت قبر پاک امام هشتم علیه السلام به مشهد مشرف شده و به درخواست مردم و برخی از علمای آن

روز خراسان در مشهد ماند و از زمان اقامت تا آخرین سال حیات پربار خود، به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود و صدها چهره برجسته در محضر ایشان تلمذ کردند.

ورود آیت الله میلانی به مشهد پس از نهضت ملی نفت بود. آیت الله میلانی با گردانندگان پیشین این نهضت در مشهد رابطه نزدیک داشت و در جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از پیشگامان نهضت روحانیت بود.

در جریان کاپیتولاسیون نیز که در دولت حسنعلی منصور و به منظور تضمین امنیتی برای مستشاران آمریکایی پیش‌بینی‌هایی شده بود، آیت الله میلانی با امام خمینی قدس سره همراهی کرد. و در خرداد ۱۳۴۶ با انتشار اعلامیه‌ای در رابطه با جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، با اعراب مسلمان اظهار همدردی کرد و به همین دلیل از سوی تیمسار نصیری تهدید شد. در همین سال در جریان جشن تاجگذاری به خاطر نگفتن تبریک به شاه، گذرنامه ایشان صادر و دستور خروج وی از ایران داده شد، ولی به خاطر ملاحظه نفوذ معنوی ایشان در بین توده‌های مردم و جایگاه بلندی که میان روحانیت و مراجع تقلید داشت، رژیم از تصمیم خود منصرف شد.

آیت الله میلانی دو روز پس از شهادت آیت الله سعیدی، در ۲۴ خرداد ۱۳۴۹ ه.ش، به منظور تجلیل از شخصیت روحانی ایشان، درس خود را تعطیل کرد و در ۲۴ تیرماه همین سال محمّد الفهام رئیس دانشگاه الازهر که از سوی دارالتقرب بین المذاهب

نوقانی - علی اکبر / ۱۰۷

الاسلامیه، از قاهره به ایران آمده بود، با وی دیدار کرد. آیت الله میلانی سالهای پایان عمر خود را مصروف تأسیس مدارس دینی و پرورش طلاب مستعد کرد؛ مدرسه عالی حسینی، مدرسه امام صادق و مدرسه میلانی از آن جمله است که با برنامه دقیق اداره می شد و اساتید بلندپایه‌ای، تدریس علوم دینی را از دوره مقدماتی تا خارج به عهده داشتند.

آیت الله میلانی روز جمعه ۲۹ رجب ۱۳۹۵ ه.ق. / ۱۷ مرداد ۱۳۵۴ ه.ش. در مشهد چشم از جهان فرو بست و در روضه رضوی مدفون گردید، روح بلند، ایمان پایدار، سیمای ملکوتی و اخلاق الهی ایشان در طول بیش از نیم قرن راهیان راه عشق و ایثار و حق و عدالت را سیراب کرد، او نه تنها یکی از برجسته‌ترین فقهای شیعه در طول قرن حاضر بود، بلکه در ادای جهاد، و عدالت خواهی نیز کم‌نظیر بود و هزاران انسان مؤمن را به دور خود جمع کرد و از خوان معرفت خود خوشه‌چین ساخت.

(۵۳)

نوقانی - علی اکبر

(۱۳۰۰-۱۳۷۰ ه.ق.)

آیت الله حاج میرزا علی اکبر نوقانی، فرزند حاج میرزا موسی فرزند میرزا حسن، از مشاهیر علمای مشهد، در دهه‌های چهارم تا هفتم قرن چهاردهم هجری قمری است. اجداد ایشان در اصل از ایل جلایر، یکی از عشایر ساکن کلات هستند که حدود دویست

سال پیش از کلات نادر به مشهد آمدند. مجدالاطبا و حاج میرزا کاظم، عموهای مرحوم میرزای نوقانی بودند که در اوایل قرن چهاردهم هجری از طبای بنام خراسان محسوب می شدند. جدّ اعلاّی ایشان حاج محمّد زمان خان بن کلبعلی خان جلایر فرزند محمّد زمان خان، طبیبی حاذق و فاضلی کامل بود. و طبع شعری شیوا داشت و اشعار عرفانی می سرود.

مرحوم میرزای نوقانی در آغازین سال سده چهاردهم هجری، یعنی سال ۱۳۰۰ ه.ق. در مشهد مقدس رضوی در محله نوقان چشم به جهان گشود و به میرزای نوقانی اشتهار یافت.

میرزا تا ۲۷ سالگی در مشهد به تحصیل دانشهای دینی پرداخت. ادبیات را در مدرسه نواب از محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری (م ۱۳۴۴ ه.ق.) آموخت. فقه و اصول را نزد آیت الله حاج شیخ حسنعلی تهرانی (م ۱۳۲۵ ه.ق.) که یگانه عصر در ورع و تقوا بود فراگرفت و پاره‌ای دیگر از فقه و اصول را پس از درگذشت حاج شیخ حسنعلی تهرانی، از حاج سید عباس شاهرودی (م ۱۳۴۱ ه.ق.) از علمای برجسته مشهد آموخت.

میرزا به سال ۱۳۲۷ ه.ق.، به منظور فراگیری دانشهای دینی، رهسپار نجف شد و دروس خارج فقه و اصول را در محضر حضرات آیات: محمّد کاظم خراسانی و سید محمّد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ ه.ق.) و شریعت اصفهانی (م ۱۳۳۹ ه.ق.) فراگرفت، و چند ماه پس از ارتحال آخوند (م ۱۳۲۹ ه.ق.) با تکمیل تحصیلات و اخذ اجتهاد از میرزا محمّد تقی شیرازی، مشهور به میرزای دوم

نوقانی - علی اکبر / ۱۰۹

(م ۱۳۳۸ ه.ق.) و حاج شیخ عبدالله مازندرانی (م ۱۳۳۰ ه.ق.) به ایران بازگشت و در مشهد به تدریس دروس حوزوی و ارشاد مردم همّت گماشت و چهل سال از عمر خود را در راه تدریس و خدمات معنوی به مردم خراسان و اعتلای فرهنگ این سرزمین صرف کرد.

پس از بازگشت از عتبات، بجز سال ۱۳۶۶ ه.ق. که به تهران رفت، سفر دیگری خارج از استان نداشت. فقط در اواخر عمر، در سال ۱۳۶۸ ه.ق. / ۱۳۲۸ ه.ش. به مکه مشرف شد. در همین سفر دهه اول محرم را در کربلا حضور یافت و در صحن حرم حضرت سید الشهداء به منبر رفت و مقتل خواند. علما و مراجع دین، همه در منبر ایشان شرکت می‌جستند.

میرزا نوقانی، مؤمن، متعهد، اهل تهجد، خوش قریحه، شوخ طبع و مهربان بود. اندامی رشید داشت و از صدایی رسا و چهره‌ای پر هیبت برخوردار بود. ساده زندگی می‌کرد و در مدت هفتاد سال عمر خود، هرگز از سهم امام مصرف نکرد.

میرزا خط خوشی داشت و با ارباب ادب آن روز خراسان معاشرت می‌کرد. بیشتر روزهای بهار و تابستان همراه خانواده با دوستان خود در شاندیز، طرqbه، هاشم‌آباد، ابرده علیا یا ویرانی، از بیلاقیهای اطراف مشهد به سر می‌برد. برخی از مطالعات عرفانی خود را در این محیطهای طبیعی دنبال می‌کرد و اشعار نغزی می‌سرود.

میرزا انسانی آگاه به مسایل دینی و مقتضیات زمان خود بود و

از تعصبات کاذب و بی‌اساس پرهیز می‌کرد. با میرزا مهدی اصفهانی دوست بود و همراه ایشان چند ماهی از محضر میرزا مهدی آشتیانی، فیلسوف نامدار، که برای مدتی به مشهد آمده بود و فلسفه صدرایی تدریس می‌کرد، بهره جست.

او با امام خمینی رابطه بسیار دوستانه‌ای داشت. امام پیش از درگذشت میرزا، وقتی به مشهد می‌آمد، به بیت ایشان وارد می‌شد و مکاتباتی نیز داشتند. پس از ارتحال میرزا نوقانی، امام به قصد ابراز تسلیت و دلجویی به مشهد آمد و هفته‌ای در منزل فرزندش میرزا مهدی نوقانی به سر برد. افکار میرزای نوقانی به امام بسیار نزدیک بود. او به دعوت شیخ محمد حسین مطهری، پدر شهید مرتضی مطهری، همراه امام خمینی به فریمان رفت.

همچنین آیت الله العظمی میلانی در سفر اول خویش به مشهد، به بیت ایشان وارد گردید و در مجموع، مورد اعتماد مراجع و بزرگان عصر خویش بود.

میرزا خطیبی توانمند بود و با بیان دلنشین خود، مردم را متوجه معارف حقّه الهی می‌کرد. روزهای عاشورا در منزل خود، واقع در محل کنونی تکیه فتّاح خان و پشت قبرستان سراب منبر می‌رفت. گاهی نیز در مدرسه میرزا جعفر یا مسجد گوهرشاد خطابه ایراد می‌کرد. منبر ایشان سرشار از اطلاعات تاریخی، اخبار سلف و شامل نکاتی ادبی، امثال، حکم و پند و اندرز و آمیخته با شعر و ادب بود. کسی از سخنان ایشان خسته نمی‌شد. در پایان منبر از روی یادداشتهای خود، مقتل می‌خواند. منبر ایشان به سبک منبر

نوقانی - محمد مهدی / ۱۱۱

حاج میرزا حبیب الله خراسانی بود. خود وی می‌گفت: «در مدّت عمرم منبری به جامعیت و تأثیر منبر مرحوم میرزا حبیب الله مجتهد ندیدم.»

میرزا نوقانی، چنانکه اهل دیانت بود، اهل سیاست نیز بود. ایشان دوره مشروطه را درک کرده بود و در محضر چهره‌های برجسته‌ای چون آخوند خراسانی و میرزای دوم تلمذ کرده بود و از رویدادهای سیاسی جامعه خود بی‌خبر نبود.

مرحوم میرزا هفتاد سال و چند ماه حیات خود را در کسب دانش و تبیین معارف الهی گذراند و عصر روز جمعه دهم جمادی الاولی ۱۳۷۰ ه.ق. / ۲۷ بهمن ۱۳۲۹ در پی سکت قلبی دعوت حق را لبیک گفت و در پایین پای امام رضا علیه السلام در دارالسعاده به خاک سپرده شد.

(۵۴)

نوقانی - محمد مهدی

(۱۳۰۵-۱۳۷۱ ه.ش.)

آیت الله حاج میرزا محمد مهدی نوقانی فرزند آیت الله حاج میرزا علی اکبر نوقانی از علمای مبارز و مدرّسین برجسته معاصر مشهد است.

وی در سال ۱۳۰۵ ه.ش. / ۱۳۴۵ ه.ق. در مشهد به دنیا آمد و پس از خواندن دروس کلاسیک به تحصیل علوم دینی پرداخت و از خدمت استادانی مانند ادیب ثانی، مدرّس یزدی، حاج شیخ

هاشم قزوینی و پدر خود میرزای نوقانی و در اواخر از محضر آیت الله العظمی میلانی کسب فیض کرد و در زندگانی پربرکت خود خدمات شایانی در راه انقلاب اسلامی انجام داد.

آیت الله نوقانی از اساتید حوزه علمیه مشهدی بود و از ایشان تفسیری بر قرآن مجید باقی مانده است. او ضمن اقامه نماز جماعت از راه تدریس تفسیر قرآن مجید و مبانی اعتقادی و دروس اخلاقی ایفای وظیفه می نمود تا این که به علت بیماری قلبی به دیار باقی شتافت و پیکر وی در روز شانزدهم آبان ماه ۱۳۷۱ بر دوش انبوه اقشار مختلف مردم عزادار تا بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام تشییع و در دارالزهد مبارکه حرم مطهر به خاک سپرده شد.

در این مراسم حضرات آیات شیخ ابوالحسن شیرازی، مروارید، فلسفی، مرتضوی و زنجانی و نیز مقامات دولتی استان شرکت داشتند و چند تن از خطبا پیرامون زندگانی پربار آن مرحوم سخنرانی کردند.

(۵۵)

نهاوندی - علی اکبر

(۱۲۷۸-۱۳۶۹ ه.ق.)

علامه محدث آیت الله حاج شیخ علی اکبر فرزند شیخ حسین نهاوندی خراسانی، در سال ۱۲۷۸ ه.ق. / ۱۲۳۸ ه.ش. در نهاوند به دنیا آمد و مقدمات را در همان شهر نزد شیخ جعفر بروجردی و

حاج ملاً محمد سره‌بندی آموخت، بعد به بروجرد مسافرت نمود و در آنجا در مجلس درس شیخ آقا حسین شیخ الاسلام و میرزا حسین تویسرکانی و سید ابوطالب بروجردی شرکت جست. مدتی به مشهد امام علی بن موسی الرضا علیه السلام آمد و نزد فرهیختگان نامداری چون شیخ عبدالرحیم بروجردی، حاج میر سید علی حائری یزدی و حاج شیخ محمد تقی بجنوردی تحصیل کرد. بعد به اصفهان رفت و نزد علمای این شهر و نیز تهران نزد میرزا عبدالرحیم نهایندی و میرزا محمد اندرمانی شاگردی و از آنجا همراه همنام خود مولی علی اکبر نهایندی، به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در سامرا اقامت گزید و پای درس میرزا محمد حسن مجدد شیرازی شرکت کرد و به سال ۱۳۰۸ ه.ق. به نجف اشرف رفت و نزد سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و محمد کاظم آخوند خراسانی و شیخ محمد طه نجف و میرزا حبیب الله رشتی و شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ محمد حسن مامقانی و مولی لطف الله مازندرانی، حاج شیخ زین‌العابدین مازندرانی، حاج ملاً محمد ترایبانی، سید ابوالقاسم اشکوری، میرزا محمد تقی شیرازی و حاج ملاً حسینقلی همدانی، معارف الهی را به پایان برد و به درجه اجتهاد دست یافت و علوم حدیث را از حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک فرا گرفت علاوه از میرزا حبیب الله رشتی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید ابوالقاسم بن معصوم اشکوری، سید حسین کوه کمری، سید مرتضی کشمیری اجازه روایت دریافت کرد و به این ترتیب ایشان در حوزه‌های

علمی به عنوان یکی از بزرگان علم اشتهار یافت و جامعیتی را به دست آورد که بعدها با ترکیب آنها با علوم عقلی، شایستگی عنوان علامه را به دست آورد.

علامه نهایندی در اواخر ماه ذی القعدة سال ۱۳۱۷ ه.ق. / ۱۲۸۰ ه.ش. و به روایت آقا بزرگ تهرانی در *نقباء البشر* در سال ۱۳۱۹، با توجه به مرضی که تن او را رنجور ساخته بود، به ایران آمد و یک ماه و نیم در تبریز ماند و از آنجا به نهایند رفت و تا نیمه ماه ذی الحجه سال ۱۳۲۲ ه.ق. در آنجا ماند و در محرم سال ۱۳۲۳ ه.ق. / ۱۲۸۱ ه.ش. به تهران هجرت نمود و تا سال ۱۲۸۷ ه.ش. یعنی همه سالهایی که مصادف با انقلاب مشروطه بود، در تهران ماند. و در این مدت در بحث فقه حاج شیخ محمد حسن آشتیانی و در بحث عرفان و علوم عقلی مرحوم حیدرخان نهایندی و میرزای جلوه و محمد رضا قمشه‌ای از اساتید فن معقول حضور می‌یافت.

مرحوم نهایندی به سال ۱۳۲۸ ه.ق. / ۱۲۸۷ ه.ش. یعنی چهار سال پس از انقلاب مشروطه به مشهد آمد و مجاور امام عالمان شد و مورد استقبال همه مردم قرار گرفت و به تدریج مقبولیت عامه یافت و تا مدت ۱۲ سال بین الطلوعین ماه رمضان و بین الطلوعین دهه اول ماه محرم در مسجد جامع گوهرشاد و شبستان نهایندی مردم را ارشاد و به اقامه نماز می‌پرداخت، بزرگان شهر و پرهیزکاران به او اقتدا می‌کردند و مرجع شرعی شهر شهادت شد.

نہاوندی - محمد / ۱۱۵

او بعد از اقامه نماز عشا به منبر می‌رفت و به موعظه می‌پرداخت. موعظه‌های او مالا مال از نکات نغز و مؤثر و با لهجه‌ای صادقانه و همراه با اخلاص بود. حالات عبادی و خضوع و خشوع مخصوص به خود داشت، وی در سال ۱۳۶۶ ه.ق. / ۱۳۲۶ ه.ش. یعنی سه سال پیش از درگذشت خود به عتبات مقدسه رفت و شادروان شیخ اسماعیل نجومیان ماده تاریخ بازگشت ایشان را در دیوان خود آورده است و به سال ۱۳۶۷ ه.ق. به قم مشرف شد و مورد تجلیل مرحوم شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه قم قرار گرفت.

آیت الله شهاب الدین مرعشی در روز جمعه ۱۶ جمادی الاولی سال ۱۳۵۴ و میرزا علی محمد وزیری در سوم ماه ربیع‌الثانی ۱۳۶۳ و شیخ محمد شریف رازی در سال ۱۳۶۴ از وی اجازه روایی دریافت کردند.

علامه نہاوندی در ۱۹ ربیع‌الثانی سال ۱۳۶۹ / ۱۳۲۹ در ۹۰ سالگی در مشهد درگذشت و جسد پاک وی در رواق دارالسعاده در پایین پای هشتمین امام پاکان و کنار قبر شیخ مرتضی آشتیانی دفن گردید و روح بلندش به عالم بالا عروج کرد. از ایشان تألیفات زیادی برجای مانده است.

(۵۶)

نہاوندی - محمد

(۱۲۹۱-۱۳۷۱ ه.ق.)

آیت الله حاج شیخ محمد نہاوندی متخلص به «تجلی» فرزند

علامه میرزا عبدالرحیم (۱۲۳۷-۱۳۰۴ ه.ق.) فرزند میرزا نجف مستوفی از علما و مفسرین و مدرسین آستان قدس رضوی است و او را «زین‌العلما و المفسرین» نوشته‌اند.

وی پانزدهم رجب سال ۱۲۹۱ ه.ق. در شهر نجف اشرف متولد شد. چهار ساله بود که به همراه پدر به قصد زیارت حضرت رضاع‌الایله^{علیه السلام} به مشهد آمد و پس از بازگشت به تهران، در این شهر ساکن شد. بعد از وفات پدر، در سال ۱۳۰۴ ه.ق. فقه، اصول و حکمت را نزد علمای تهران و برادر خود به پایان برد و با اشتیاق تمام به ادامه تحصیل همت گماشت. وی در سال ۱۳۱۷ ه.ق. به اتفاق برادرش از تهران به مشهد آمد، و در حوزه درس برادرش و نیز شیخ حسنعلی تهرانی، حاج شیخ اسماعیل ترشیزی و میر سید علی حائری یزدی که از علمای بزرگ آن زمان بودند، حضور یافت و اجتهاد ایشان مورد تأیید همه این اساتید قرار گرفت.

شیخ محمد برای تکمیل تحصیلات خود به عتبات عالیات رفت، مدتی در کربلا از محضر درس سید اسماعیل صدر اصفهانی (م ۱۳۳۸ ه.ق.) بهره گرفت و پس از آن به نجف اشرف رفت و از محضر مرحوم آخوند خراسانی (م ۱۳۲۹ ه.ق.)، سید محمد کاظم یزدی (م ۱۳۳۷ ه.ق.) حاج میرزا حسن خلیلی تهرانی (م ۱۳۲۶ ه.ق.) و شیخ عبدالله مازندرانی (م ۱۳۳۰ ه.ق.) استفاده برد و اخلاق را نزد ملا لطفعلی فراگرفت. مدتی در سامرا بود و از محضر میرزا محمد تقی شیرازی مشهور به میرزای دوم (م ۱۳۳۸ ه.ق.) بهره مند شد. و با اطلاع از خبر کسالت و سکتة قلبی

نهایندی - محمد / ۱۱۷

حسن نهایندی برادر بزرگتر خویش به سال ۱۳۲۹ ه.ق. به مشهد بازگشت و پس از ارتحال برادر، زمام امور شرعی مشهد را به عهده گرفت. در مدرسه میرزا جعفر تدریس می‌کرد و کتاب می‌نوشت و ساعتی را به حل مشکلات مردم اختصاص داده بود. ایشان تألیفات عدیده‌ای دارد. از آثار چاپ شده او کتب مشروحه زیر است:

تفسیری به نام *نفحات الرحمن* در ۴ جلد، *ضیاء الابصار فی مباحث الخیار و دیوانی* به نام *زبدة المصائب*، *سراج النهج* در مسایل عمره و حج، *حاشیه بر کتاب الصلاة* مرحوم حائری و *خلل الصلاة*.
آیت الله نهایندی از شاهدان عینی به توپ بستن حرم مطهر رضوی (۱۳۳۰ ه.ق.) بود، و در آخرین صفحات کتاب *زبدة المصائب* خود ضمن مدح امام رضا علیه السلام به این رویداد ناگوار اشاره کرده است:

امام هشتم فرخنده زاده موسی

که طاعتش زحق اول فریضه اهم است

ولی مطلق حق حکمران عالم قدس

امیر ملک عرب شاه کشور عجم است

جهان رفعت و دریای علم و معدن فضل

کتاب جامع احکام و مجمع حکم است

بود زکعبه فزون حرمت حریم درش

چه کعبه و حرم از این حرم محترم است

کلیم را کف دست ار چومه درخشان بود
زآفتاب درخشان ترش کف قدم است

دم مسیح حیات ار به مردگان می‌داد
به مردگان همه لعل لبش مسیح دم است

امین وحی خدا جبرئیل سدره نشین
به آستان جلالش زکمتین حرم است
نہاوندی پس از این ابیات با دلی پر درد و جانی سوخته به
حادثهٔ تکان‌دهندهٔ به توپ بستن و تاراج حرم از سوی قوای روس
اشاره می‌کند:

تنها مگر تو نبی حکمران ملک وجود
مگر نه ز امر تو امر زمانه منتظم است
زخاک طوس به چشم پر آب سر بردار
نگر که لشکر اسلام سرنگون علم است
اساس شرع زجور مسیحیان بر باد
بنای دین زجفای صلیب منهدم است
به صحن و قبهٔ نورانیت رسیده زتوپ

چه صدمه‌ها که دل جن و انس منهدم است
نہاوندی انسانی متواضع و فروتن و زنده دل و با نشاط بود و
زندگی خود را بسیار به سادگی سپری می‌کرد و از تذبذیر و اسراف
پرهیز داشت و هیچ قیدی نسبت به نوع غذا یا چگونگی
استراحت خویش نداشت. ایشان حافظ کل قرآن بود و هنگام
استراحت، در ذهن خود قرآن مجید را تورق می‌کرد. هفت سال از

واعظ خراسانی - مهدی / ۱۱۹

عمر پر برکت خود را صرف نگارش تفسیر قرآن کرد. می‌کوشید مفاهیم بلند قرآن را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار ببندد. این بود که به رفع نیازهای مردم توجه تام داشت، چنان که گفته‌اند، آیت الله حاج آقا حسین قمی حل برخی مشکلات افراد را به ایشان ارجاع می‌داد.

نهادندی با مسایل سیاسی بیگانه نبود و با آیت الله کاشانی روابط نزدیکی داشت. هرگاه به تهران می‌رفت به منزل ایشان وارد می‌شد. بالاخره پس از پنجاه سال تلاش معنوی و نشر احکام و حقایق اسلامی در ۲۵ ربیع‌الآخر سال ۱۳۷۱ ه.ق. دار فانی را وداع گفت و در آستان قدس رضوی مدفون گردید.

(۵۷)

واعظ خراسانی - مهدی

(۱۲۸۶-۱۳۷۰ ه.ق.)

شیخ محدثان، حاج شیخ مهدی واعظ خراسانی، فرزند شیخ احمد واعظ، فرزند شیخ محمد حسین واعظ مشهدی، از خاندانی است که حدود دویست سال در راه وعظ و ارشاد و تدریس علوم به اسلام و مسلمانان خدمت کرده‌اند.

حدود سال ۱۲۸۶ ه.ق. در مشهد به دنیا آمد، در چهاردهمین بهار زندگی پدر را از دست داد و در محضر حاج فاضل خراسانی و حاج سید عباس شاهرودی فقه و اصول، تفسیر و حکمت آموخت و تحت ارشاد مرحوم شیخ مهدی معروف به «شیخ

مهدی کبیر» و مرحوم آخوند بمانعلی به تمرین وعظ و خطابه پرداخت. و در اندک زمانی با توجه به قدرت حافظه قوی احادیث و روایات زیادی را به حفظ سپرد.

واعظ خراسانی سالهای متمادی در جلو ایوان دارالسیاده حرم و زمستانها در شبستان گرم مسجد گوهرشاد منبر می‌رفت و همه ساله در ماه رمضان در زمینه عقاید و تفسیر بحث می‌کرد و شنوندگان از سخنان او یادداشت برمی‌داشتند. مباحث ایشان فقط پیرامون نقل حدیث نبود، بلکه شامل مطالب فلسفی، فقهی، کلامی، ادبی و تاریخی بود و بارها مورد تمجید علمای بزرگ از جمله مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قرار گرفت.

مرحوم واعظ خراسانی حدود هفتاد سال در میان مردم به تبلیغ پرداخت. تعلیمات دینی او منحصر به مشهد و شهرهای بزرگ ایران نبود. او بجز مشهد به شهرهای سبزوار، نیشابور، یزد، اصفهان، تهران و کرمانشاه و همچنین بخارا، نجف، کربلا، کاظمین و سامرا سفر کرد و به تبلیغ مبادرت نمود.

ایشان به‌ویژه در نجف خطابه‌های زیادی ایراد کرد. شبها در صحن مطهر امیرمؤمنان علی علیه السلام در زاویه نزدیک مسجد خضراء منبر می‌رفت. مرحوم آخوند خراسانی نیز در شمار کسانی بود که به سخنرانیهای وی ارج می‌نهاد و در زمان مرجعیت آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی سالیان متمادی به دعوت ایشان به نجف می‌رفت و خود وی شخصاً در پای منبرش می‌نشست.

در سال ۱۳۱۴ ه.ش. در واقعه گوهرشاد شب هنگام به کمک اهل خانه و همسایگان از شهر متواری شد و مدت چهار سال زندگی مخفی داشت. او به اتفاق پسرش استاد محمد واعظزاده خراسانی که آن موقع چهارده سال بیشتر نداشت، به عتبات رفت و تا سال ۱۳۲۱ ه.ش. در نجف بود و در مسجد هندی آن شهر و نیز در کربلا در صحن مطهر حضرت امام حسین علیه السلام و منزل علمای اعلام منبر می‌رفت. در ضمن با مراجع و علمای حوزه علمیه نجف و کربلا مانند مرحوم میرزای نائینی (م ۱۳۵۵ ه.ق.) در سفرهای قبل و آقا ضیاءالدین عراقی، آیت الله شاهرودی، حاج میرزا حسن بجنوردی، شیخ محمد علی کاظمینی و دیگران رابطه صمیمی داشت.

ایشان پس از سقوط رضاخان به اشاره آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، در سال ۱۳۲۱ ه.ش. به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۲۹ ه.ش. در مشهد و شهرهای دیگر منبر می‌رفت و طی سفری به تهران، پس از سپری شدن محرم و صفر، روز پنجم ربیع‌الاول سال ۱۳۷۰ ه.ق. در این شهر درگذشت و در تشییع جنازه ایشان همه علمای و آیات و روحانیان بلندپایه و بازاریان شرکت کردند و آیت الله کاشانی بر ایشان نماز خواند و جنازه‌اش را به مشهد انتقال دادند و پس از تشییع باشکوه در محل دارالضیافه در میان قبرهای قائم مقام و میرزا مهدی اصفهانی، زیر طاق سمت چپ چسبیده به دارالسیاده، به خاک سپرده شد.

(۵۸)

واعظ طبسی - غلامرضا

(۱۳۱۳-۱۳۵۵.ق.)

مرحوم حاج شیخ غلامرضا واعظ طبسی فرزند محمد مهدی مهدوی از علما و مفاخر سخنوران و معاریف و عاظم قرن چهاردهم هجری است. وی در ملاحظت سخن و ورزیدگی بیان و تسلط بر فنون سخنوری بی نظیر بود و شهرتش در همه نقاط کشور و کشورهای شیعه‌نشین گسترش یافت.

ایشان در حدود سال ۱۳۱۳.ق. در طبس گلشن در خانواده‌ای مؤمن و اهل فضل چشم به جهان گشود، پس از تحصیلات مقدماتی، سال ۱۳۴۱.ق. به قم هجرت کرد و از محضر میرزای همدانی و آخوند ملا علی همدانی و بیشتر نزد آیت الله مرعشی نجفی بهره برد. او در قم با کمال عسرت و سادگی زندگی می‌کرد و از سال ۱۳۴۵.ق. به کار تبلیغ پرداخت.

مرحوم آیت الله العظمی اراکی در مسافرتی که مرداد سال ۱۳۷۲.ش. به مشهد داشت، درباره مرحوم طبسی فرمود: «آقای طبسی در مدرسه خان حجره داشت و من هم لدی الورود آنجا بودم، حجره من محاذی حجره ایشان بود، هنگامی که آقای طبسی با رفیق خود آقای حاج شیخ حسن همدانی مباحثه می‌کرد صدایش آن قدر رسا و بلند بود که از داخل حجره به گوش من می‌رسید. صحبت ایشان در منبر آن چنان مسلسل وار و روان بود که طی یک ساعت سخنرانی گویا نفس نمی‌کشید و به این جهت

مورد عنایت خاص حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی قرار داشت».

مرحوم واعظ طبسی، واعظی خوش بیان بود و با متانت و آرامش سخن می‌گفت. شیوه دلنشینی در سرآغاز سخنرانیهای خود داشت که با مقدمه‌چینی‌های و عاظ دیگر متفاوت بود. گاهی سخنان خود را با مقدمه سعدی بر کتاب گلستان آغاز می‌نمود: «منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت، هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفرح ذات. پس در هر نفس دو نعمت موجود است و بر هر نعمت شکری واجب».

این نوآوری چنان جاذبه داشت که مردم از همه جا به پای سخنان او کشیده می‌شدند. ایشان در شهرهای بزرگی مانند تهران، قم، همدان و یزد به وعظ می‌پرداخت و در مخاطبین خود شور ایمانی خاص برمی‌انگیخت. در همدان پای منبرش مسلمانان، یهود و نصاری شرکت کرده و تحت تأثیر سخنان او اشک از چشمانشان جاری می‌شد. در تهران جای افراد به دلیل کثرت شرکت‌کنندگان خرید و فروش می‌شد. صاحب آثار الحجه می‌نویسد: «بلاغت و فصاحت این نادره زمان بر اثر توجهات و عنایات خاصه حضرت فاطمه معصومه بوده است».

در سفر عربستان و عراق و سوریه مورد احترام قرار گرفت. او نخستین واعظی بود که روی منبر علیه اقدامات رضاخان و کلاه فرنگی و زمزمه رفع حجاب سخن گفت و پس از بازگشت از سفر

حج در سال ۱۳۵۵ ه.ق. و توقیفی کوتاه در مشهد، در مسیر خود به تهران، در شهر سبزوار به دلیل داشتن بیماری سل در پنجم شعبان همان سال برابر با ۱۳۱۵ ه.ش. درگذشت و پیکر پاکش به مشهد انتقال یافت و در شمال بقعه پیر پالان دوز به خاک سپرده شد.

(۵۹)

هاشمی نژاد - سیّد عبدالکریم

(۱۳۱۱-۱۳۶۰ ه.ش.)

مجاهد شهید سیّد عبدالکریم هاشمی نژاد که یکی از چهره‌های روحانیت مبارز است، به سال ۱۳۱۱ ه.ش. در بهشهر متولد شد. در اوایل نوجوانی به روستای کوهستان دو کیلومتری بهشهر رفت و در خدمت حضرت آیت الله کوهستانی به تحصیل پرداخت، وی همیشه این دوران را نقطه عطفی در زندگی دینی خویش می‌دانست.

وی برای ادامه و تکمیل تحصیلات عازم قم شد و در آنجا از محضر حضرت آیت الله العظمی بروجردی و همچنین از محضر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس سره به مدت ۱۴ سال تا سال ۱۳۴۰ بهره جست و بارها مورد تشویق و تقدیر اساتید خود قرار گرفت.

ایشان همزمان با رحلت آیت الله بروجردی به مشهد هجرت کرد و در حوزه علمیه مشغول تدریس شد و جلساتی را در کانون بحث و انتقاد دینی برای دانشجویان و افراد مشتاق دنبال می‌کرد.

این جلسات به صورت آزاد اداره می‌شد و نزدیک ۱۷ سال دوام آورد، تا این که ساواک ایشان را از شرکت در این بحثها بازداشت. در نهضت ۱۵ خرداد، هاشمی نژاد به پیام امام لبیک گفت. در شب ۱۵ خرداد، شبی که سپیده‌دم آن حماسه آغاز انقلاب اسلامی را رقم زد، او جزء اولین دستگیرشدگان بود.

ایشان از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، پنج بار بازداشت شد. بازداشت دوم ایشان به جریان مسجد فیل مربوط می‌شد.

روز ۲۲ مهر سال ۴۲ سخنرانی وی در مسجد فیل علیه بی‌بندوباری زنان که از سوی رژیم پهلوی دنبال می‌شد، به درگیری میان مردم و نیروهای امنیتی انجامید و دو نفر به شهادت رسیدند و ساواک ایشان را دستگیر نمود.

او پس از پایان یافتن دومین دوره دستگیری‌اش به مبارزات خود بعد تازه‌ای بخشید و با فعالیت بیشتر، جلسات بحث و انتقاد را در کانونهای گرم و پرشور نسل جوان ادامه داد و به سؤالات فراوانی که در ذهن فرزندان اسلام پدید می‌آمد پاسخ می‌داد و همچنین حوزه درس فقه و اصول او مرتباً دایر بود. استاد شهید که در مشهد در هیچ مکانی حق منبر رفتن و سخن گفتن را نداشت، در این مدت توانست در شهرستانهای مختلف ایران سخنرانیهای پرشور و تکان‌دهنده‌ای ترتیب دهد و هیچ‌گاه دست از فعالیت و روشن کردن مردم و بر ملا ساختن جنایات رژیم شاه برنداشت تا این که بار دیگر در سال ۱۳۵۰ پس از ده شب سخنرانی مستمر پیرامون علت عقب‌ماندگی مسلمین در یکی از مساجد شیراز

دستگیر و زندانی شد و از آن به بعد برای همیشه در سرتاسر کشور ممنوع المنبر شد.

شهید هاشمی نژاد و حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب و حضرت آیت الله طوسی تولیت عظامی آستان قدس رضوی مثلث مقاومتی را به وجود آوردند که در اواخر دوران رژیم پهلوی همواره در کنار یکدیگر در شهر مقدس مشهد برای آزادی و رهایی مردم از چنگ استبداد فعالیت داشتند.

شهید هاشمی نژاد روز ۱۸ تیر ماه ۵۴ به اتهام اقدام علیه امنیت کشور، همراه آیت الله واعظ طوسی و تنی چند از مبارزین دستگیر و روز دوم دیماه ۵۴ به دو سال زندان محکوم شد.

آخرین بازداشت ایشان مربوط می‌شود به روز ۲۲ خرداد ۵۷ و اوج‌گیری انقلاب اسلامی که پس از یک روز با تحصن مردم در بیت آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی آزاد شد.

ایشان بدون تردید یکی از گردانندگان اصلی انقلاب اسلامی در مشهد بود تا این که روز ۷ مهر ۱۳۶۰ به دست منافقان به شهادت رسید و چشم از حیات مادی فرو بست و به ملکوت الهی پیوست. و روز هشتم مهر در محل دارالسلام حرم مطهر به خاک سپرده شد.

منابع

- ۱- آیینة پژوهش: شماره ۶۲.
- ۲- اعلام الوری باعلام الهدی: طبرسی، امین الاسلام، مکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۹۰ ه.ق.
- ۳- الذریعه: تهرانی آقا بزرگ، دارالاضواء، بیروت، چاپ سوم.
- ۴- الکنی و الالقاب: قمی، عباس، امیرکبیر، تهران.
- ۵- امل الامل: حر عاملی، حسن، تحقیق سید احمد حسینی، انتشارات جاوید، ۱۳۶۲ ش.
- ۶- تاریخ علمای خراسان: مدرس، عبدالرحمن، تصحیح محمدباقر ساعدی، نشر دیانت، مشهد، بی تا.
- ۷- تکاپوگر اندیشه‌ها (مصاحبه‌های علامه محمد تقی جعفری): تنظیم علی رافعی، دفتر فرهنگ نشر اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۸- دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ۹- دایرة المعارف تشیع.
- ۱۰- دایرة المعارف فارسی مصاحب.
- ۱۱- روضات الجنات: خوانساری محمد باقر، ترجمه محمد باقر ساعدی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۹۸ ه.ق.

- ۱۲- شجره طیبه: رضوی، محمد باقر، به اهتمام سید محمد تقی مدرس رضوی، چاپخانه حیدری، تهران، ۱۳۵۲ش.
- ۱۳- فردوس التواریخ: بسطامی، نوروز علی، چاپ سنگی، تبریز، ۱۳۱۵ه.ق.
- ۱۴- قیام گوهرشاد: سینا واحد.
- ۱۵- گنجینه دانشمندان: رازی، محمد شریف، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۵۳ش.
- ۱۶- مجله پیام انقلاب: ۹ مهر ۱۳۶۲ش.
- ۱۷- مجله نگاه حوزه: شماره‌های مختلف.
- ۱۸- مفاخر اسلام: دوانی، علی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
- ۱۹- منتخب التواریخ: خراسانی، هاشم، کتابفروشی محمدحسن علمی، تهران، بی‌تا.
- ۲۰- نامه دانشوران ناصری: جمعی از فضلاء دوره قاجار، مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر قم، چاپ دوم، بی‌تا.
- ۲۱- نشان از بی‌نشانها: مقدادی اصفهانی، علی، انتشارات زوار مشهد، ۱۳۷۱ش.
- ۲۲- هدیه الاحباب: قمی، عباس، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.